تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد



سید علی قاضی عسکر

بسم الله الرحمن الرحیم

تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد (جدید)

نویسنده:

علی قاضی عسکر

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تخریب و باز سازی بقیع به روایت اسناد

مشخصات کتاب

سرشناسه : قاضی عسکر، علی، ۱۳۲۵-

عنوان و نام پدیدآور : تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد/ علی قاضی عسکر.

مشخصات نشر : تهران : مشعر، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۱۶۸ ص.: مصور (بخشی رنگی)، نمونه؛ ۱۲/۵×۲۰ س م.

شابک : ۶۵۰۰ ریال: ۹۶۴-۷۶۳۵-۸۵-۰

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ دوم)

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع : زیارتگاههای اسلامی -- عربستان سعودی -- مدینه.

موضوع : بقیع -- تاریخ -- اسناد و مدارک.

رده بندی کنگره : BP۲۶۲/۷/ق ۲ت ۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۶۳۵

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۴-۱۵۸۷۰

ص: ۱

اشاره

مقدمه

خداوند در قرآن کریم از عموم افراد بشر خواسته است تا در روی کره خاکی گردش کنند و با تاریخ و آثار گذشتگان آشنا شوند.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ. (۱)

اقوام و ملل دنیا خصوصاً آنها که از تمدّنی کهن برخوردارند، همیشه تلاش کرده اند تا تاریخ و آثار گذشته خود را حفظ کرده و از آن حراست و پاسداری کنند.

نگاه به تاریخ و حفظ آثار از دو جهت برای انسان ها سودمند است:

جهت اوّل اینکه از تجربه های سودمند و الگوهای مثبت گذشته بهره گرفته آن را چراغ راه آینده خویش قرار می دهند.

۱- ۱. روم: ۴۲.

و دوّم با تجربه های تلخ و شکست ها و ناکامی های انسان ها در طول تاریخ آشنا شده، از دوباره تجربه کردن آنها پرهیز می کنند.

قرآن کریم به هر دوی اینها توجّه کرده است، از یک سو مردم را به عبرت گیری از تاریخ فرا می خواند، و از سوی دیگر آنها را به حفظ آثار تشویق می کند. در بازگو نمودن داستان اصحاب کهف از مؤمنانی سخن می گوید که برای جاودانه نمودن یاد این جوانان غیرتمند و دین باور، تصمیم گرفتند مسجدی بر روی قبور آنها بنا کنند.

قالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلى أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِداً. (۱)

در جریانی دیگر، ابراهیم خلیل علیه السلام در کنار کعبه سرپناهی برای همسر و فرزندش هاجر و اسماعیل بنا می کند. سپس همین مکان مدفن اسماعیل و هاجر می شود و خداوند آن را مقدّس شمرده و حاجیان بر گرد آن در اطراف کعبه طواف می کنند و حجر اسماعیل برای همیشه خاطره شکوهمند این مادر و فرزند و دیگر مدفونین در آن مکان مقدّس را جاودانه نگه می دارد.

ابراهیم این پیامبر بت شکن، به هنگام بنای کعبه روی سنگی می ایستد که به قدرت خداوند جای پای او در آن سنگ می ماند، و همین مسأله موجب می شود تا خداوند این اثر ارزمند را نگهداری نموده، از مردم بخواهد نزد آن نماز بخوانند. وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ

۱- ۱. کهف: ۲۱.

إِبْراهِيمَ مُصَلًّى.

فرزنـدی تشـنه از تشـنگی پا به زمین می سایـد و خداوند با فرسـتادن جبرئیل و بخاطر ارج نهادن به عاطفه مادری هاجر، از زیر پاهـای کوک اسـمعیل، چشـمه زمزم را پدیـد می آورد و آن را برای همیشه تاریـخ نگه می دارد تـا این خـاطره مهم از حافظه تاریخ پاک نگردد.

قرآن از خـانه هـایی یاد می کنـد که پیامبران و صالحان در آنها می زیسـته انـد و یاد آور پاکی ها، خلوص نیّت ها و بزرگی و عظمت آنها است فِی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ ... (۱)

و رسول خدا صـلی الله علیه و آله در پاسخ سؤال کننده ای که می پرسد آیا بیت علی علیه السـلام و فاطمه علیها السـلام نیز در شمار همان خانه ها به حساب می آید؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که اشاره به خانه علی و فاطمه می کرد فرمود: نعم من أفاضیلها. (۲)

فرمود: آری و از بهترین آنها.

متأسـفانه در زمان ما، آنگاه که مسـلمانان برای آشـنایی بای این آثار و الگوهای الهی به سرزمین وحی سفر می کنند، با کمال تأسف آنها را ویران شـده می بیننـد و به ناچار اشک تأثر می ریزنـد و با خود می اندیشـند که چگونه یک فکر غلط موجب از بین رفتن اینهمه

۱- ۱. نور: ۳۶.

۲- ۲. تفسیر الدرّ المنثور: ج ۵، ص ۵۰.

آثاربزرگ و عبرت آموز شده است، چرا قبور اهل بیت علیهم السلام و گنبد و بارگاه های موجود در بقیع، احد، مقبره المعلّی تخریب شده ات؟

چرا از خانه امام صادق علیه السلام و امام سجّاد علیه السلام و دیگر صحابه جلیل القدر رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه و خانه خدیجه کبری علیها السلام و محل ولادت کوثر رسول صلی الله علیه و آله زهرای بتول علیها السلام خبری نیست؟

چرا آثار به جا مانده از جنگ ها و نبردهای افتخارآمیز مسلمانان در دفاع از اسلام همه از بین رفته است؟

این چراها همه بی پاسخ است زیرا مخاطبان کسانی هستند که مظاهر توحید را، نشانه های شرک می دانند و مسلمانان را با این حربه زنگ زده متهّم به شرک می کنند! و نگاه متحجرانه خوارج را به دین و آموزه های دینی، بار دیگر در مقابل افکار جهانیان به نمایش می گزارند.

این نوشتار تنها توانسته است گوشه بسیار کوچکی از آثار این فکر متحجرانه و واپس گرا را ترسیم کند.

امید آنکه در فرصتی دیگر بتونیم گسترده تر به تمامی زوایای این بحث بپردازیم.

مؤلّف

گنجینه تاریخ اسلام

بقیع تنها یک گورستان نیست، بلکه گنجینه تاریخ اسلام است.

قبور چهار امام معصوم شیعیان و نیز قبور همسران، دختران، برخی فرزندان، اصحاب، تابعین و عمه های پیامبرخدا صلی الله علیه و آله و نزدیک به ده هزار نفر از شخصیت های نامدار تاریخ اسلام در آنجا واقع است.

بقیع با این همه عظمت، در عین حال غریب و مظلوم است. هر زائری که به مدینه می رود، با اولین نگاهش به این گورستان، از شدت حزن و اندوه، اشک از دیدگانش سرازیر و بی اختیار سر به دیوار گذارده و بر مظلومیت اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می گرید. اشکی که در درون قطرات مرواریدگونه آن، بغض و خشم هدف داری نهفته است که اگر حاجی بتواند همان جا فریاد برمی آورد که چرا با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و افتخارات اسلام این گونه برخورد می شود؟

مردم در همه جای دنیا از افتخارات ملی خود تجلیل و تمجید می کنند و حتی برای سربازان گمنامشان، سنگ نشان و یادبود

درست می کنند، اما در بقیع حتی از گذاردن سنگی معمولی بر روی قبور آنان دریغ می نمایند.

هر حاجی با خروج از مدینه، کوله باری از غم و اندوه را بر دوش کشیده و با بازگشت به میهن خود، مظلومیت اهل بیت علیهم السلام را فریاد می کند و نسل به نسل این مظلومیت به دیگران منتقل می گردد و به انتظار روزی به سر می برند که این شام سیه به پایان رسیده و بقیع به پایگاهی برای شناخت و گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و اصحاب و یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله تبدیل گردد.

پیشینه قبرستان بقیع به دوران قبل از اسلام می رسد، لیکن در اسناد به روشنی مشخص نیست که قدمت آن به چه تاریخی مربوط است و از چه زمان مردمان مدینه جنازه درگذشتگان خود را در این گورستان به خاک می سپرده اند؟

منابع تاریخی گواهی می دهد که پیش از هجرت، مردم مدینه اجساد مردگان خود را در دو گورستانِ «بنی حرام» و «بنی سالم» و گاهی نیز در منازل خود دفن می کردند. (۱) گزارش منابع تاریخی گواه آن است که با هجرت مسلمانان به مدینه، بقیع تنها قبرستان مسلمانان گردیده و به مرور زمان و با دفن اجساد تعدادِ زیادی از صحابه و تابعین و نیز همسران و دختران و فرزندان و اهل بیت رسول اللّه صلی الله علیه و آله، از

۱- ۱. تاریخ حرم ائمّه بقیع، ص ۶۱.

اهمیت ویژه ای برخوردار شد. (۱) و رفته رفته گورستان های پیشین، به حالت متروکه در آمد و از میان رفت. (۲)

در روایت آمده است که: رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله به دستور خداوند، کنار این قبرستان حضور می یافت و به مدفونین آن سلام می کرد و برای آنان از خداوند آمرزش می طلبید. (۳)

بقیع را از آن رو «بقیع الغرقد» نامیده اند که نوعی درخت خاردار در آنجا می روییده و نامش «غرقد» بوده است. (۴) سپس آن درخت از میان رفت امّا نامش ماندگار شد.

برخی نیز گفته اند: بقیع غرقد نام زمینی است که نوعی درخت بلندِ توت آن را پوشانده باشد. (۵).

بقیع تا یکصدسال پیش، دیوار و حصاری نداشت، اما اکنون با دیواری بلند محصور گشته و از گذشته تاکنون مسلمانان از هر فرقه و مذهبی، پس از زیارت پیامبرخدا صلی الله علیه و آله به اینجا آمده، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر آرمیدگان در این گورستان را زیارت می کرده اند.

قبور امامان معصوم علیهم السلام و تعداد دیگری از دفن شدگان در بقیع نیز دارای قبّه و سایبان بوده، که در حمله وهابیان تخریب گردید و

۱- ۱. مدینه شناسی، ج ۱، ص ۳۲۱.

۲- ۲. وفاء الوفا، ج ۳، ص ۸۸۸.

۳- ۳. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۴۰؛ سنن نسایی، ج ۴، ص ۹۱؛ کافی، ج ۴، ص ۵۵۹.

۴- ۴. لسان العرب، ج ۱، ص ۴۶۲، القاموس المحیط، ج ۳، ص ۱۱.

۵- ۵. همان.

هم اکنون این قبرستان، بدون سقف و خاکی است و تنها برخی از قبور آن با دیوارهای سنگ چین شده مشخص و نسبت به دیگر قبرها ممتاز است.

مدفون شدگان در بقیع

اشاره

روبروی درِ کنونی، کمی به سمت راست، قبور مطهر چهار امام معصوم علیهم السلام قرار دارد:

۱- امام حسن بن علی علیهما السلام

امام مجتبی علیه السلام در نیمه رمضان سال سوم هجرت در مدینه زاده شد و از همان دوران کودکی مورد علاقه شدید رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفت، پس از رحلت آن حضرت، در کنار امیر مؤمنان علیه السلام در همه عرصه ها حضور داشت و سرآمد مردم روزگار خود پس از پدر بزرگوارش بود، وی برای دفاع از اسلام و ولایت در جنگ های جمل، صفین و نهروان شرکت جست.

پس از شهادت پدر، به امامت منصوب و حدود شش ماه خلافت کرد، سپس معاویه جنگی را بر آن حضرت تحمیل نمود و به دلیل اینکه مردم ایشان را تنها گذاشتند ناچار به پذیرش صلح نامه

پیشنهادی از سوی معاویه گردید و سرانجام به تحریک معاویه پسر ابوسفیان، در سال ۵۰ ه. ق. توسط همسرش جعده دختر أشْعَث بن قیس، مسموم و به شهادت رسید و در بقیع به خاک سپرده شد.

کرامت، اخلاق و فضائل گوناگون آن حضرت موجب شده بود تا مردم ایشان را کریم اهل بیت بخوانند و محبوب قلوب مردم بود.

۲- امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام

امام سجاد علیه السلام در سال ۳۸ ه. ق. در مدینه به دنیا آمد و در دوران امامت حسن بن علی علیهما السلام و پدر بزرگوارش حسین ابن علی علیهما السلام رشد یافت. در کربلا همراه پدر بود اما به خواست خداوند و به دلیل بیماری شدیدی که در آن چند روز بر آن حضرت عارض گردید، نتوانست سلاح در دست گیرد و از حریم دین و ولایت دفاع کند. آن حضرت پس از حادثه عاشورا همراه با دیگر بازماندگان کربلا به اسارت درآمد و ابتدا به کوفه و سپس به شام منتقل گردید.

از آن پس نزدیک سی و چهار سال امامت کرد و سرانجام در سال ۹۴ ه. ق. به تحریک ولید بن عبدالملک مسموم و به شهادت رسید و در کنار امام مجتبی علیه السلام در بقیع آرمید.

زهد و عبادت و کرم و بزرگواری آن حضرت زبان زد خاص و عام و دوست و دشمن بود.

۳- امام محمد بن علی بن الحسین علیهم السلام

امام باقر علیه السـلام در سال ۵۷ ه. ق. به دنیا آمـد و تا سال ۹۴ ه. ق. در کنار پـدر بزرگوارش در مـدینه زندگی کرد. پس از شهادت پـدر به امامت و رهبری رسـید و شاگردان فراوانی را تربیت کرد. وی در نشـر معارف اسـلامی ومکتب اهل بیت پیامبر علیهم السلام گام های بلندی برداشت.

از این رو آن حضـرت را «باقر العلوم» یعنی شـکافنده دانش ها لقب دادند. امام باقر علیه السلام در سال ۱۱۴ و یا ۱۱۷ ه. ق. به تحریک هشام بن عبدالملک به شهادت رسید و در کنار پدر بزرگوارش در بقیع به خاک سپرده شد.

۴- امام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام

آن حضرت در سال ۸۰ یا ۸۳ ه. ق. به دنیا آمد و پس از شـهادت پدر، رهبری پیروان اهل بیت علیهم السلام را بر عهده گرفت و در دوران حیـات پر بـار خود، هزاران شـاگرد را در رشـته هـا و علوم مختلف تربیت کرد. منصور دومین خلیفه عباسـی بر آن حضـرت به شدّت سخت گرفت و سرانجام در ۲۵ شوال ۱۴۸ ه. ق. به تحریک وی، آن حضـرت مسـموم و به شهادت رسید و در بقیع کنار جد و پدرش دفن شد.

عباس بن عبدالمطلب

در کنار قبور چهار امام از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله دو قبر دیگر

وجـود دارد که یکی از آنهـا قـبر عبـاس بن عبـدالمطلب عمـوی پیـامبر صـلی الله علیه و آله ودیگری قبرفـاطمه بنت اسـد مـادر امیرمؤمنان علی علیه السلام است.

قبور ائمه بقیع علیهم السلام:

۱- امام حسن مجتبی علیه السلام، ۲- امام سجّاد علیه السلام، ۳- امام محمّد باقر علیه السلام،

۴- امام جعفرصادق علیه السلام و نیز عباس بن عبدالمطّلب

عباس بن عبـدالمطلب از شخصـیت های بزرگ قریش و ۲ یا ۳ سـال از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله بزرگتربود. در مکه از اظهار ایمان خودداری می کرد، در سال دوم به همراه قریش با اکراه در جنگ بدر شـرکت جست، سـپس به اسارت مسـلمانان درآمد و با فدیه آزاد گردید و

سرانجام در زمره بهترین یاران پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد.

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام وفادار ماند و در سال ۳۳ ه. ق. در زمان عثمان در مدینه درگذشت و در قبرستان بقیع دفن گردید.

فاطمه بنت اسد

او همسر ابوطالب، مادر علی بن ابی طالب علیه السلام و از نخستین بیعت کنندگان با رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و در آن دوران که ابوطالب

مزار فاطمه بنت اسد، مادر امیر مؤمنان علی علیه السلام

کفالت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به عهده گرفت سهم به سزایی در سرپرستی و خدمت به پیامبر صلی الله علیه و آله داشت. وی از آن چنان قداستی برخوردار گردید که به درون کعبه راه یافت و فرزندش علی بن ابی طالب علیه السلام را در آن جا به دنیا آورد.

هنگام رحلت او رسول خدا صلی الله علیه و آله به شدت متأثر گردید، در تشییع جنازه اش حاضر و بر وی نماز گزارد و در حالی که بر وی می گریست او را در قبر نهاد.

قبور فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله

اشاره

در قبرستان بقیع سه تن از دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله به نام های زینب، ام کلثوم و رقیّه و نیز ابراهیم پسر آن حضرت مدفون اند:

زینب

بزرگترین دختر پیامبر صلی الله علیه و آله زینب بود که از خدیجه متولد شد. او با ابوالعاص بن ربیع ازدواج کرد و در سال هشتم هجری قمری بدرود حیات گفت.

ام کلثوم

ام کلثوم همسر عُتیبه بن ابی لهب بود. وی در سال سوم هجرت به عقد عثمان در آمد ودرسال ۹ ه. ق. وفات یافت و در

حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله بر او می گریست در بقیع به خاک سپرده شد.

رقیه

رقیه درمکه به عقـد عتبه بن ابی لهب و پس از وی به عقد عثمان درآمد. او به حبشه هجرت کرد سـپس از حبشه به مدینه آمد و سـرانجام در سال دوم هجرت بر اثر بیماری وفات یافت. برخی وفات او را سال چهارم هجرت ذکر کرده اند. پیامبر صـلی الله علیه و آله دستور داد او را در بقیع به خاک سپردند.

قبور دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله

ابراهیم علیه السلام

ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله در ذی الحجّه سال ۸ ه. ق. در مدینه از مادرش ماریه قبطیّه متولد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به وی علاقه شدید داشت و عاطفه نشان می داد، اما او پس از یک سال و ده ماه از دنیا رفت و به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله، در کنار قبر عثمان بن مظعون در بقیع به خاک سپرده شد. محلّ ولادت او «مَشربه امّ ابراهیم» لقب گرفت که هم اکنون از آثار اسلامی مدینه به شمار می آید.

آرامگاه ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله

همسران پیامبر مدفون در بقیع

۱– ام سلمه

وی در شمار نخستین گروندگان به اسلام بود و در سال ۶۰ یا ۶۱ ه. ق. بدرود حیات گفت و در بقیع به خاک سپرده شد.

۲– زینب بنت جحش (دختر عمه پیامبر صلی الله علیه و آله)

وی ابتدا به عقد زید بن حارثه درآمد و پس از آن که زید در سال پنجم هجرت او را طلاق داد، با رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرد و سرانجام در سال ۲۰ ه. ق. در سن پنجاه سالگی درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

۳– ماریه قبطیه

مادر ابراهیم، پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله است. وی در سال ۱۶ ه. ق.

در مدینه درگذشت و در بقیع دفن گردید.

۴– زینب بنت خُزَیمه

وی همسر یکی از صحابه رسول خدا (عبداللّه بن جحش) بود که پس از شهادت او، به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله درآمد و پس از دو یا سه ماه

در حالی که بیش از سی سال نداشت، در سال چهارم هجرت بدرود حیات گفت و در بقیع آرمید.

۵- عایشه دختر ابوبکر

وی در سال چهارم بعثت به دنیا آمد و سه سال پس از مرگ حضرت خدیجه، با رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرد و در سال ۵۷ یا ۵۸ ه. ق. درگذشت و در بقیع دفن شد.

۶- حفصه دختر عمر بن خطاب

وی ۵ سال قبل از بعثت زاده شد. ابتدا با خُنیس بن حُذافه ازدواج کرد و پس از درگذشت او به عقد پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد و بنا به گفته واقدی، در سال ۴۵ ه. ق. در مدینه از دنیا رفت و در بقیع دفن شد.

۷- ام حبیبه دختر ابوسفیان

وقتی عبیداللّه بن جحش، شوهر ام حبیبه در حبشه نصرانی شد، و از دنیا رفت، وی به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله درآمد و در سال ۴۲ یا ۴۴ ه. ق. در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

۸- جُویریه بنت حارث

وی در سال پنجم یا ششم هجرت و پس از غزوه بنی المصطلق

به ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله درآمد و در سال ۵۰ یا ۵۶ ه. ق. در مدینه وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد.

۹- صفیه

او ابتدا به همسری «سَـلّام بن مِشْـکم» درآمد و پس از مرگ شوهر با «کنانه بن ابی الحُقیق» ازدواج کرد، کنانه در جنگ خیبر کشته شد و صفیه اسیر گردید و رسول خدا صلی الله علیه و آله وی را آزاد کرد و به همسری گرفت. وی به گفته واقدی در سال ۵۰ ه. ق. در مدینه وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد.

۱۰– سوده دختر زمعه بن قیس

وی همسـر پسر عمویش «سکران بن عمرو» بود که پس از وفات او، به عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله درآمد. در سال ۵۰ یا ۵۴ ه. ق. در مدینه وفات یافت و در بقیع دفن شد.

۱۱– ریحانه بنت زید

وی در سال شـشم هجرت به عقـد رسول خـدا صـلی الله علیه و آله درآمد و پس از حجه الوداع درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

قبر عمه های پیامبر صلی الله علیه و آله

صفیّه، دختر عبدالمطّلب

وی همسـر عوّام بن خُوَیلـد و مـادر زبیر بود، در نبرد احـد در شـمار زنانی بود که به سوی احـد آمـد و بر شـهادت حمزه مرثیه سرایی کرد و در جنـگ خنـدق یـک یهودی مهاجم را از پای درآورد. وی در سال ۲۰ ه. ق. در حـالی که ۷۵ ساله بود بدرود حیات گفت و در بقیع به خاک سپرده شد.

عاتکه، دختر عبدالمطّلب

در برخی نقل ها آمده است که عاتکه پس از آمدن به مدینه،

در این شهر وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد. برخی نیز نوشته اند که عاتکه در مکه درگذشته و هرگز به مدینه نیامده است.

امّ البنین و عمّه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

قبور دیگر زنان با فضیلت

۱- ام البنین

ام البنین دختر حزام بن خالد بود که به همسری علی ابن ابی طالب علیه السلام در آمد و از آن حضرت چهار پسر به نام های: عباس، جعفر، عثمان و عبداللّه به دنیا آورد که همگی همراه با حسین بن علی علیهما السلام در کربلا به شهادت رسیدند. ام البنین در مدینه وفات یافت

و در بقیع به خاک سپرده شد.

۲- حلیمه سعدیه

وی مادر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله بود. پس از آن که در مدینه بدرود حیات گفت، در بقیع دفن گردید.

مزار حلیمه سعدیّه

دیگر مدفونین بقیع

۱- عقیل بن ابی طالب

وی برادر امیر مؤمنان علی علیه السلام و زاده فاطمه بنت اسد و از نظر سنّی بیست سال بزرگتر از آن حضرت بود. در راه گسترش اسلام

فداکاری های بسیاری از خود نشان داد و در دوران پیری نابینا شد.

وی قبل از واقعه حَرّه در اواخر حکومت معاویه و یا اوائل حکومت یزید درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

۲- عبداللّه بن جعفر

مادرش اسماء بنت عُمیس بود. اسماء پس از آن که همراه شوهرش جعفر به حبشه هجرت کرد، عبداللّه و دو فرزند دیگرش محمد و عون را در آن جا به دنیا آورد. عبداللّه در جنگ موته پدر را از دست داد و در طول حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سپس همراه با امیر مؤمنان فداکاری های بسیاری در راه گسترش اسلام از خود نشان داد. حضرت علی علیه السلام زینب کبری علیها السلام را به ازدواج او درآورد،

یکی از فرزنـدانش به نـام عون در کربلاـ به شـهادت رسـید و دو فرزنـد دیگرش نیز به دست امویان در واقعه حرّه در مـدینه به شهادت رسیدند. وی در سال ۸۰ هجری قمری به سن ۹۰ سالگی در مدینه درگذشت و در کنار عقیل در بقیع دفن شد.

۳– محمد بن علی معروف به ابن حنفیّه

او از شخصیت های معروف صدر اسلام و فرزند بزرگوار امیرمؤمنان علیه السلام است. در جنگ های آن حضرت با قاسطین و مارقین و ناکثین شرکت داشت و در سال ۸۱ ه. ق. درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

۴– ابوسفیان بن حارث

وی که پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله بود، در سال ۶ ه. ایمان آورد و به سال ۲۰ هجری در مدینه درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

۵– اسماعیل بن جعفر

اوفرزنـد امـام صـادق علیه السـلام بود که بـا اهـل وعیـال خوددرمنطقه عُرَیض به سـر می برد و سـرانجام در دوران حیات پـدر بزرگوارش در سال ۱۴۳ ه. ق. زندگی را بدرود گفت و در فاصـله حدود ۱۵ متری قبور ائمه در بقیع به خاک سپرده شـد. در طرح توسعه دولت سعودی و پس از احداث خیابان اباذر، قبر اسماعیل به داخل بقیع منتقل گردید.

۶- عثمان بن مظعون

وی از افاضل صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و سیزدهمین کسی بود که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد. دوبار به حبشه هجرت کرد و در جنگ بدر شرکت داشت و پس از بازگشت در بیست و دومین ماه هجرت درگذشت. عثمان بن مظعون نخستین مهاجری بود که در مدینه وفات یافت و در بقیع دفن شد.

۷- اسعد بن زراره

وی از بیعت کنندگان با پیامبر در عقبه و نخستین کسی بود که به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز جمعه را در مدینه اقامه کرد. او در سال اول هجرت و در حالی که هنوز بنای مسجد النبی صلی الله علیه و آله به پایان نرسیده بود درگذشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر جنازه او حاضر شد و وی را غسل داد و کفن پوشانید و در حالی که می گریست او را در بقیع درون قبر نهاد.

۸- خُنیس بن حُذافه

وی از هجرت کنندگان به حبشه و از نخستین اسلام آورندگان بود و بر اثر زخمی که در جنگ بدر برداشت، سرانجام در سال سوّم ه. ق. به شهادت رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه اش نماز گزارد و او را کنار قبر عثمان بن مظعون در بقیع به خاک سپرد.

۹– سعد بن معاذ

سعـد از قبیله اوس و از صـحابه بزرگ پیامبر صـلی الله علیه و آله بود و در جنگ بـدر پرچم دار اوسـیان بود. در جنگ خنـدق مجروح شد و در آسـتانه شهادت قرار گرفت و سرانجام همزمان با غزوه بنی قریظه از دنیا رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله بر او نماز گزارد و او را در بقیع، نزدیک قبر فاطمه بنت اسد به خاک سپرد.

۱۰– عبداللّه بن مسعود

او از نخسـتین کسـانی است که به رسول خـدا صـلی الله علیه و آله ایمـان آورد و در خوانـدن و آموختن قرآن به مرتبه والا ـیی دست یـافت و در جمع آوری قرآن نیز نقش داشت. وی در سال ۳۲ ه. ق. بـدرود حیات گفت و در کنار قبر عثمان بن مظعون در بقیع به خاک سپرده شد.

۱۱– ابوسعید خُدری

وی از صـحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودودر جنگ احد شرکت داشت. دارای دو خصلت علم و شجاعت بود. پس از رحلت پیـامبر صـلی الله علیه و آله از راویان مناقب اهل بیت به شـمار می آمـد. وی سـرانجام در سال ۶۴ یا ۷۴ ه. ق. در مدینه وفات یافت و در نزدیکی قبر فاطمه بنت اسد به خاک سپرده شد.

۱۲- مقداد بن اسود

او از صحابه جلیل القدر رسول خدا صلی الله علیه و آله و مورد علاقه آن حضرت بود. در سال ۳۳ ه ق. در سن ۷۰ سالگی در جُرُف، سه مایلی مدینه درگذشت. جنازه اش را به مدینه حمل کرده، در بقیع به خاک سپردند.

۱۳- ارقم ابن ابی ارقم

از نخستین گروندگان به اسلام بود و خانه اش در مکه مرکز تبلیغ و تعلیم رسول خدا صلی الله علیه و آله گردید. در بسیاری از نبردها و حوادث صدر اسلام حضور داشت و سرانجام در سن ۸۰ سالگی درگذشت و در بقیع به خاک سپرده شد.

۱۴- حکیم بن حِزام

وی پسر برادر حضرت خدیجه علیها السلام بودکه درروز فتح مکه اسلام آورد و پس از سال ۵۴ ه. ق. در مدینه درگذشت و در بقیع آرمید.

۱۵- جابر بن عبداللَّه

وی از صحابه مشهور بود. در ۱۹ غزوه شرکت داشت. و سرانجام پس از ۹۴ سال، به سال ۹۰ ه. ق. درگذشت و در بقیع جای گرفت.

۱۶- زید بن ثابت

وی از جمع آورندگان قرآن بود که در سال ۴۵ یا ۵۰ هجری وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد.

۱۷- سهل بن سعد ساعدی

وی در سال ۸۸ ه. ق. پس از یک صد سال زندگی در مدینه درگذشت.

۱۸- مالک بن انس

وی از ائمه چهار گانه اهل سنت و پیشوای مالکی ها است که در میان سال های ۱۷۴ تا ۱۷۹ ه. ق. در مدینه وفات یافت و در بقیع به خاک سپرده شد.

۱۹- نافع المدنی

اواز بزرگان تابعین بود ودر میان سال های ۱۱۷ تا ۱۲۰ ه. ق. در مدینه درگذشت و در کنار قبر مالک بن انس در بقیع به خاک سپرده شد.

۲۰- نافع، شیخ القراء

وی یکی از قرّاء سبعه است که حدود ۷۰ سال برای مردم مدینه قرآن خواند. وی در سال ۱۶۹ در مدینه وفات نمود و در بقیع آرمید.

۲۱- اسامه بن زید

وی در سال ۵۴ ه. ق. در سن ۵۷ سالگی در مدینه درگذشت.

۲۲- زید بن سهل، ابوطلحه انصاری

او از صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در سال ۳۴ ه. ق. و یا در سال چهلم وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه درگذشت.

۲۳- شهدای حَرّه

تعدادی از شـهدای واقعه حَرّه نیز که به دسـتور یزید و توسط مسـلم بن عقبه وسـربازان وی به شهادت رسیدند، درقبرستان بقیع مدفون اند.

مزار شهدای واقعه حرّه

برخی دیگر از چهره های معروف صدر اسلام که در بقیع به خاک سپرده شده اند عبارتند از:

۱- عبدالرحمان بن عوف

۲- عثمان بن عفان

۳- سعد بن ابی وقاص

۴- ابوهریره

۵- صُهَیب بن سنان

۶- اسید بن حُضیر

۷- حُوَیطب بن عبدالعُزّی

۸- رُکانه بن عبد یزید

۹- عبداللّه بن سَلام

۱۰- عبداللّه بن عمرو

۱۱- ابوسلمه بن عبدالاسد

۱۲- عبداللّه بن عتیک

۱۳- قتاده بن نعمان

۱۴- عمرو بن حَزم

۱۵- مخرمه بن نوفل

۱۶- عبداللّه بن انیس

۱۷- براء بن معرور

۱۸- جُبیر بن مُطْعِم

۱۹- مِسْطَح بن اثاثه

۲۰- معاذ بن عَفْراء

۲۱- ابن عمرو بن نفیل

۲۲- مالك بن تیّهان

۲۳- ابوالسید ساعدی

۲۴- محمد بن مَسْلمه

۲۵- عُوَیْم بن ساعده

۲۶- کعب بن عمرو

بیت الأحزان

در قسمت شمالی قبور ائمه بقیع، مکان کوچکی وجود داشته که فاطمه زهرا علیها السلام پس از رحلت پدر بزرگوارش، به آن جا می آمده و به شدت می گریسته است. این مکان به بیت الاحزان و یا مسجد فاطمه معروف بوده، و تا اوایل سده اخیر بنایی داشته که مردم در آن جا زیارت خوانده و نماز می گزاردند.

توجّه والیان به قبرستان بقیع

والیان مدینه در طول تاریخ، مقابر اهل بیت علیهم السلام، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، فرزندان و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و تابعین مشهور و مدفون در بقیع را، با سنگ نبشته های هنری و بناهای عظیم و ضریح های ثمین و سیمین مشخص و در بازآفرینی و بازسازی ها، پیوسته حراست و

حفاظت از آن ها را برعهده می گرفتند .... (۱)

تا پیش از سلطه وهابیان بر حجاز، بیشترِ سفرنامه نویسانی که از مدینه دیدار داشته اند، گزارشی از قبّه ها و بناهای ساخته شده بر روی قبور ائمه و دیگر صالحان و چگونگی آن را گزارش کرده اند.

تصویربرداران نیز تصاویر گویا و روشنی از این قبرستان و بناهای ساخته شده در آن برداشته اند که نمونه هایی از آن را «ابراهیم رفعت پاشا» در سال های ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۵ ه. ق. و نیز «محمد لبیب بک» در سال ۱۳۷۷ ه. ق. از خود به یادگار گذاشته اند. (۲)

۱- ۱ مدینه شناسی، ج ۱، ص ۳۲۳؛ تاریخ حرم ائمّه بقیع، ص ۸۷.

۲- ۲ مدینه شناسی، ج ۱، ص ۳۳۳.

تخریب آثار

اشاره

پس از تسلّط سعودیان بر حجاز، و با توجه به پیوند فکری و مذهبی آنان با محمدبن عبدالوهاب، در هر شهر و منطقه ای که وارد می شدند، آثار و ابنیه ساخته شده بر روی قبور بزرگان صدر اسلام را خراب و ویران می کردند.

وهابیان، بار نخست در سال ۱۲۲۱ ه. ق. بخشی از بناهای قبرستان بقیع را ویران نموده و سپس با تکمیل سلطه خود بر حجاز در شوال سال ۱۳۴۴ ه. ق. کلیه این بناها و گنبدها و آثار را ویران و اموال و اشیاء گران قیمت موجود در این اماکن را به تاراج بردند و نه تنها در مدینه، بلکه در هرجا گنبد و بارگاه و زیارتگاهی بود، به ویرانی آن اقدام کردند.

مرحوم سید محسن امین، ابعاد ویرانی های وهابیان در حجاز را اینگونه بیان می کند:

وقتی وهابیان وارد طائف شدند، گنبد مدفن ابن عباس را خراب کردند، چنانکه یک بار دیگر نیز این کار را کرده بودند. آنان هنگامی که وارد مکه شدند، گنبدهای قبر عبدالمطّلب، ابوطالب و خدیجه امّ المؤمنین علیها السلام را ویران نمودند و زادگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام را با خاک یکسان کردند و آنگاه که وارد جده شدند، گنبد و قبر حوّا را

خراب کردند و به طور کلّی، تمام مقابر و مزارات را در مکه، جده، طائف و نواحی آن ها ویران نمودند و زمانی هم که مدینه منوره را محاصره کردند، به ویران کردن مسجد و مزار [حضرت حمزه پرداختند.

پس از تسلّط وهابیان بر مدینه منوره، قاضی القضات وهابیان، شیخ عبداللَّه بن بلیهد، در رمضان ۱۳۴۴ ه. ق. از مکه به جانب مدینه حرکت و اعلامیه ای صادر و ضمن آن، جواز ویران کردن گنبدها و زیارتگاه ها را از مردم سؤال کرده بود، بسیاری از مردم از ترس به آن پاسخ نداده و برخی نیز لزوم ویران کردن را خواستار شده بودند!

البته هدف او از این اعلامیه و سؤال، نظرخواهی واقعی نبود، بلکه می خواست در میان مردم آمادگی ایجاد کند، چون وهابیان در هیچ یک از اعمال خود و در ویران کردن گنبدها و ضریح ها، حتی گنبد مرقد حضرت رسول صلی الله علیه و آله منتظر نظر مردم نبودند زیرا این اعمال، پایه مذهب آنان است.

شاهد سخن آنکه، آنان پس از نشر این اعلامیه و سؤال و جواب، همه گنبدها و زیارتگاه ها را در مدینه و اطراف آن ویران کردند و حتی گنبد مضاجع ائمه اهل بیت علیهم السلام را در بقیع، که قبر عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در کنار آن ها بود، خراب نمودند و دیوارها و صندوق ها و ضریح هایی که روی قبرهای شریف قرار داشت، همه را از بین بردند، در حالی که

برای آن، هزار ریال مجیـدی هزینه کرده بودند. (۱) آن هـا در این زیارتگاه ها، جز تلّی سـنگ و خاک، به عنوان علامت باقی نگذاشتند.

از جمله تخریب ها، از میان بردن گنبـد مرقـد عبـداللّه و آمنه، پـدر و مادر حضـرت رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و نیز مزار همسران آن بزرگوار و قبر عثمان بن عفان و قبر اسماعیل بن جعفرالصادق علیه السلام و قبر مالک امام دارالهجره و غیر آن بود که بیـان همه آن هـا به طول می انجامـد و به طور خلاـصه، تمام مزارات مـدینه و اطراف آن و ینبع را خراب کردنـد و پیش از آن، قبر حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و قبور بقیه شهدای احد را از بین برده بودند و از آن ها جز مشتی خاک برجای نمانده بود و کسی که بخواهد قبر حمزه را زیارت کند، در صحرا جز تپه ای از خاک نمی بیند.

وهابیان از ترس نتیجه کارشان، از خراب کردن گنبد و بارگاه حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله و کندن ضریح آن بزرگوار خودداری کردند وگرنه آنان هیچ قبر و ضـریحی را اسـتثنا نکرده اند، بلکه قبر پیامبر صلی الله علیه و آله از آن جهت که بیشتر مورد احترام و علاقه مردم است، از دیدگاه آن ها و از نظر دلایل وهابیان، اولی به خرابی است و اگر از این نظر خاطرشان

۱- ۱ در کتاب تاریخ حرم ائمّه بقیع صفحه ۵۱ اینچنین نقل شده: ... این اقدام دقیقاًدر هشتم شوال ۱۳۴۴ ه. ق. انجام گرفت و به کارگرانی که این عمل ننگین را انجام دادند مبلغ هزار ریال مجیدی دست مزد پرداخت گردید.

جمع بود، حتماً قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز ویران می کردند! بلکه پیش از مزارهای دیگر، به تخریب آن اقدام می کردند. (۱)

ایوب صبری پاشا، تخریب قبور در حرمین شریفین را پیش از استقرار کامل دولت سعودی، این چنین گزارش می کند:

شریف غالب، پس از اطمینان یافتن به نفرستادن نیرو و امکانات لازم، به ناچار برادرش، شریف عبدالمعین را به قائم مقامی خود برگزید و مهمان سرای خویش- واقع در دامنه کوه جیاد- را منهدم ساخت و دست زن و بچه اش را گرفته، رهسپار جدّه شد.

شریف عبدالمعین، جمعی از علمای مکه، چون شیخ محمد طاهر، سید محمد ابوبکر میرغنی، سید محمد عطاسی و عبدالحفیظ عجمی را نزد سعود بن عبدالعزیز فرستاد و از او تقاضای عفو و امان کرد (در سال ۱۲۱۸ ه. ق.).

سعود تقاضای شریف عبدالمعین را پذیرفت و به همراه علمایی که از مکه به نزدش آمده بودند و با سپاه گرد آمده، به سوی مکه معظمه حرکت نمود.

سعود، قائم مقامی عبدالمعین را پذیرفت و با صادر کردن فرمان هدم قبور و تخریب گنبدها و بارگاه ها، از میزان قساوت و شقاوت خود پرده برداشت.

وهابی ها می گفتند:

۱- ۱. وهّابی ها، صص ۷۶ و ۷۷؛ کشف الارتیاب، ص ۵۵.

اهالی حرمین شریفین، به جای خداوند یکتا، گنبد و بارگاه ها را می پرستند. اگر گنبدها تخریب گردد و دیوارهای مشاهد مشرّفه برداشته شود، تازه اهالی حرمین از دایره شرک و کفر بیرون آمده، در مسیر پرستش خداوند یکتا قرار خواهند گرفت ...!» (۱)

وی در جای دیگر می نویسد:

سعود پس از محاصره طولانیِ شهر مدینه و پیدا شدن آثار تسلیم مردم شهر، شروطی برای آنان تعیین کرد که در صورت پذیرش آن ها، تعرّضی نسبت به اهل مدینه نداشته باشد. آن شروط عبارت بودند از:

۱- باید پرستش پروردگار متعال بر اساس احکام و معتقدات آیین وهابیت انجام پذیرد.

۲- باید احترام حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر اساس معیارهایی که از طرف پیشوای وهابیان معین و مقرر گشته، رعایت گردد.

۳- باید گنبد و بارگاه همه مقابر و مراقدی که در داخل مدینه منوره و یا در نواحی آن موجود است، تخریب گردد؛ یعنی سقف و دیوارشان برداشته شده، همه آن ها بدون ضریح و صندوق، صاف و به صورت پشت ماهی درآورده شود.

۴- همه باید دین و آیین نیاکان خود را ترک نموده، به دین و

۱- ۱. تاریخ وهابیان، ص ۶۸.

آیین وهابیت درآیند و پس از این، براساس آیین وهابیت به احکام دین عمل نمایند.

۵- هرکس باید معتقد شود که به محمدبن عبدالوهاب از سوی خداوند رحمان الهام شده، آیین او مذهب حق می باشد و باید او را به عنوان مجدّد دین و احیاگر مذهب بشناسد.

۶- کسانی که در دین نیاکان خود پایـداری نشان دهنـد و آیین وهابیت را نپذیرند، باید با ابراز خشم و غضب و اجرای جور و ستم در تنگنا قرار گیرند و اهانت و تحقیر شوند.

۷- علمایی که از پـذیرش آیین وهابیت سـرباز می زننـد را بایـد به قتل برسانند و یا مخفی گاه آنان را به امرای وهابی گزارش کنند.

۸- وهابیانی را که برای حفاظت از حصار مدینه تعیین خواهند شد، به داخل حصار راه دهند.

۹- هرگونه امر و نهی که از طرف وهابیان، در مورد مسائل مـذهبی و یا سیاسـی اعلام شود، هرقـدر سـخت و توان فرسا باشد، باید از صمیم دل پذیرا شوند و مو به مو اجرا کنند و در احترام فوق العاده امرای وهابیان بکوشند. (۱)

سعود پس از پذیرش این شروط از سوی مردم، تخریب گنبد و بارگاه قبور را به عهده خود مردم گذاشت و آنان نیز به دلیل

۱- ۱. تاریخ وهابیان، صص ۸۱ و ۸۸.

محاصره شدید اقتصادی و ستم های گوناگونی که متحمّل شدند، بخشی از آن را پذیرفته و به اجرا گذاشتند.

ایوب صبری پاشا، متن نامه مردم مدینه، خطاب به سعود بن عبدالعزیز را نقل کرده که در قسمتی از آن آمده است:

«... فرمان داده بودید که گنبدها و بارگاه های موجود بر فراز قبور مطهره را تخریب کنیم، آن را نیز به تبعیت از حدیث مشهور انجام دادیم. هر فرمانی از طرف شما صادر شود، علی رغم خواسته این و آن، در حق ما نافذ است ....» (۱)

«این نامه به دست سعودبن عبدالعزیز رسید، لیکن وی نمایندگان اهالی مدینه را به حضور نپذیرفت و بر شدّت تضییقات خود افزود و در لحظه ورود به مدینه منوره، دستور داد که باید بقایای گنبدها و بارگاه ها به طور کامل ویران شود.

از دستورات اکید سعود، این بود که باید هرگنبدی به دست خادمین آن مرقد مطهر تخریب گردد. از این رهگذر، خدمتگزاران اماکن متبرکه به ناچار به این جنایت هولناک اقدام می کردند.

خادمان حرم مطهر حضرت حمزه سیدالشهدا، اظهار داشتند:

ما در اثر پیری و ضعف جسمی، قدرت هدم و تخریب نداریم.

۱- ۱. تاریخ وهابیان، ص ۹۲.

سعود بـا نزدیکـان خـاص خود، شـخصاً به حرم مطهّر جنـاب حمزه رفت و به یکی از زورمنـدان وهـابی که او را در جسارت و گسـتاخی، بـا یـک قبیله برابر می دانست، دسـتور داد که بیـل و کلنـگ برداشـته، بر فراز گنبـد مطهّر برود. او نیز بـا تعبیر «علی الرأس و العین» آمادگی خود را اعلام کرد و گستاخانه بر فراز گنبد مطهّر پانهاد و کلنگ را با شدت تمام بر پرچمی که برفراز گنبـد در اهتزاز بود، فرود آورد. کلنگ از دست وی بیرون شد، توازن بدنش به هم خورد، از فراز گنبد به زیر افتاد و در همان لحظه مرد (سال ۱۲۲۲ ه. ق.).

سعود پس از مشاهـده این واقعه، از تخریب گنبـد منصـرف و پس از سوزانیـدن درِ حرم، مردم را در میـدان مناخه جمع و برای آنان سخنرانی کرد ....» (۱)

ایوب صبری پاشا در بخش دیگری از کتاب خود می نویسد:

«هنگامی که قافله شام چند منزل از مدینه دور شدند، سعود در محکمه حضور یافته، دستور داد که همه زر و زیور و جواهرات گران بهای موجود در روضه مطهر و گنجینه حرم نبوی را غارت کنند. سپس فرمان داد گنبدهایی را که تاکنون تخریب نشده، منهدم سازند. فقط گنبد مطهر حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بر اساس تقاضای اهالی مدینه اجازه داد که به

۱- ۱. تاریخ وهابیان، ص ۹۴.

همان حال باقی بماند ....» (۱)

سپس اهالی مدینه را در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله گردآورد و برای آنان سخنرانی کرد و در بخشی از آن گفت:

«... ایستادن در پیش روی رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلام کردن به رسم سابق، در مذهب ما ممنوع است و این نوع تعظیم و تجلیل در مذهب وهابی، نامشروع است و چنین اقدامی از دیدگاه وهابی بدعت، زشت، ناپسند و ممنوع است. کسانی که از پیشِ رویِ مبارک عبور می کنند، باید بدون توقف حرکت کنند و فقط می توانند در حال عبور بگویند: «السلام علی محمّد» و همین مقدار بنابر اجتهاد پیشوای ما کافی است.» (۲)

عکس العمل ها

با انتشار خبر تخریب ابنیه بقیع، به خصوص آثار قبور پیشوایان معصومِ مدفون در آن قبرستان، افکار عمومی در ایران به شدت تحت تأثیر قرار گرفت و شیعیان از خود واکنش های شدیدی نشان دادند بگونه ای که رییس الوزرای وقت، مجبور شد روز شانزدهم صفر را عزای عمومی اعلام کند. متن بخش نامه به شرح زیر است:

۱- ۱. تاریخ وهابیان، ص ۱۰۷.

۲- ۲. همان، ص ۱۰۸.

متحدالمآل تلگرافی و فوری است

عموم حکّام ایالات و ولایات و مأمورین دولتی:

به موجب اخبار تلگرافی، از طرف طایفه وهابی ها، اسائه ادب به مدینه منوّره شده و مسجد اعظمِ اسلامی را هدف تیرِ توپ قرار داده اند. دولت از استماع این فاجعه عظیمه، بی نهایت مشوّش و مشغول تحقیق و تهیه اقدامات مؤثره می باشد. عجالتاً، با توافق نظر آقایان حجج اسلامِ مرکز، تصمیم گرفته شده که برای ابراز احساسات و عمل به سوگواری و تعزیه داری، یک روز تمام مملکت تعطیل عمومی شود، لهذا مقرر می دارم، عموم حکام و مأمورین دولتی، در قلمرو مأموریت خود به اطلاع آقایان علمای اعلام هر نقطه، به تمام ادارات دولتی و عموم مردم، این تصمیم را ابلاغ و روز شنبه شانزدهم صفر را روز تعطیل و عزاداری اعلام نمایند. (۱)

به دنبال این بخش نامه، روز شنبه شانزدهم صفر (۱۵ شهریور)، تعطیل عمومی شد و از طرف دسته جات مختلف تهران، مراسم سوگواری و عزاداری به عمل آمد و طبق دعوتی که به عمل آمده بود، در همان روز، علما در مسجد سلطانی اجتماع نمودند و دسته جات عزادار، با حال سوگواری، از کلیه نقاط تهران به طرف مسجد سلطانی عزیمت کرده، در آنجا اظهار تأسف و تأثر

۱- ۱. مدرس قهرمان آزادی، ج ۲، ص ۶۸۲.

به عمل آمد.

عصر همین روز نیز یک اجتماع چندین ده هزار نفری، در خارج دروازه دولت تشکیل گردید و در آنجا خطبا و ناطقین، نطق های مهیّجی ایراد کرده و نسبت به قضایای مدینه و اهانتی که از طرف وهابی ها به گنبد مطهر حضرت رسول صلی الله علیه و آله به عمل آمده بود، اظهار انزجار و تنفّر شد. (۱)

خبرنگار دیلی تلگراف، که آن روز در مراسم حضور داشته، چنین گزارش داده است:

در وسط چهار راه، یک برج چوبی شش گوش، به ارتفاع ۳۰ پا، که با فرش پوشیده شده و بالای آن پرچم سیاهی در اهتزاز بود، برپا گردید ... حدود ۲۵ هزار نفر از مردان سالخورده تا کودکان خردسال، پشت سر هم رج بسته، چهار زانو، در حال انتظار نشسته بودند ... ورود مدرّس ... با کف زدن و فریاد مسرّت مردم اعلام شد ... مشارالیه از جمعیت تشکّر نمود و در میان علما و نمایندگان مجلس قرار گرفت ... میرزا عبداللّه، واعظِ معروف، کلام خود را با نعت پیغمبر و درود بر ائمه شروع کرد، ولی ناگهان صدای آرام و آهسته اش، صورت جدی به خود گرفت ... و گفت:

اگر شما اعلام جهاد کنید [مردم با سر و پای برهنه و بدون سلاح، به مرقد پیغمبر اکرم شتافته، با دندان و ناخن های خود،

۱- ۱. مدرس قهرمان آزادی، ج ۲، ص ۶۸۲.

دشمنان خدا را قطعه قطعه می کنند. بیشترِ جملات حماسی او با گریه و زاری توأم بود. (۱)

سخنرانی مرحوم مدرس در مجلس

مرحوم مـدرس، به مناسـبت این موضوعِ مهم، در روز هشـتم شـهریور ۱۳۰۴ ه. ق. مطـابق با دهم صـفرالمظفّر ۱۳۴۴ ه. ق. در مجلس شورای ملی، نطقی ایراد کرد و پس از بیان مقدمه ای چنین گفت:

«... ما خیلی جامع خودمان را از دست دادیم. برادرانی داریم در اکثر دنیا که دول اسـلامی، آن طوری که باید و شاید با آن ها رفتار نکرده است و بالأخره یک وقت بیدار شده و هوشـیار شویم و جامعه خودمان را حفظ کنیم. از آقایانی که در تحت لوای این قوم اند، سؤال می کنم، چه وقت است آن وقت؟ از امروز بهتر؟ کیست که آن لوا را بردارد و بگوید در این موقع من لوای اسلام را برمی دارم و این قوم را در تحت قومیت و در تحت جامع دیانت اسلامیه، قومیتشان را ترقّی می دهم و حفظ می کنم.

امروز از این واقعه هایی که استماع فرموده اید، اگرچه به آن درجه که باید اطمینان پیدا شود، هنوز نشده است که حادثه

۱- ۱. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوم، شماره ۹، ص ۲۸، به نقل از رستاخیز ایران؛ سازمان برنامه؛ صص ۲۳۳ و ۲۳۴.

از چه قبیل است و تا چه مرتبه است؟ البته دولت مکلّف است تحقیقات کامل بکند و به عرض مجلس برساند، ولیکن عرض می کنم: امروز اهل ایران یک قسمت از قسمت های دول اسلامی است، بلکه می توان گفت که قسمت بزرگ دول اسلامی است. باید امروز این جامعه در تمام دنیا خودشان را معرفی کنند که ملت و دولت ایران قدم برمی دارند که این جامعه را حفظ کنیم و خودمان را به برکت این جامعه نگاهداری کنیم.

دولت تقاضای کمیسیون از مجلس نمود، البته وظیفه شان هم همین بود که پیشنهاد تقاضای کمیسیون بفرمایند، البته مجلس هم مساعدت خواهد نمود و به عقیده بنده، تمام فکر را باید صرف این کار کرد و باید یک قدم هایی که مقتضای حفظ دیانت و حفظ قومیت و حفظ ملیت خودمان است، در این مورد برداریم و هیچ کاری و هیچ چیزی را مقدم بر این کار قرار ندهیم و نگذاریم که این مسأله زیادتر از این، اسباب خرابی جامعه شود که مبادا یک ضرر عظیم تری بر ما مترتب گردد و خدای نخواسته حال ما از این روزی که هستیم بدتر شود. و زیاده بر این، چیزی عرض نمی کنم.» (۱)

مرحوم مدرس، پس از ایراد سخنرانی در مجلس، مسأله تشکیل کمیسیون ویژه برای پیگیری موضوع را به شکل جدی دنبال می کند.

۱- ۱. مدرس قهرمان آزادی، ج ۲، ص ۶۸۴.

نامه ها و تلگراف های علما و مراجع

مراجع، علما و حوزه های علمیه نیز پیوسته با ارسال نامه و مخابره تلگراف، خواستار برخورد قاطع با عوامل تخریب قبور اماکن متبرکه هستند. مرحوم آیت اللّه سید ابوالحسن اصفهانی، تلگرافی به آیت اللّه شیخ محمد خالصی در کاظمین مخابره کرده و او نیز بلافاصله مسأله غارت وهابیان را به اطلاع مرحوم مدرس می رساند. (۱)

مدرس در پاسخ آیت اللّه خالصی نوشت:

اگر لازم باشد، اطلاع دهید من با گروهی از مردم ایران حرکت خواهیم کرد. (۲)

به دنبال ارسال پاسخ مرحوم مدرس، در عراق شایع شد که مدرس از تهران حرکت کرده و حدود ۲۰۰ هزار نفر نیرو آماده شد. (۳)

واکنش دیگر مسلمانان

مسلمانان مناطق دیگر نیز انزجار خود را از این عمل ننگین، به تهران اعلان کردند و خواستار اقدام جدّی شدند.

۱- ۱. مدرس، مجاهدی شکست ناپذیر، عبدالعلی باقی، ص ۷۸.

۲- ۲. مدرس مجاهدی شکست ناپذیر، ص ۱۲۹.

۳- ۳. همان.

مردم قفقاز با ارسال عریضه از تفلیس برای نمایندگان مجلس شورای ملی، از آنان خواستند با توجه به جسارت و بی ادبی هایی که طایفه ضالّه وهابی ها و رییس مردود آن ها ابن سعود، نسبت به اماکن متبرکه و مراقد مقدسه نموده است، رییس دولت ایران پیشقدم شده، با سایر دول اسلامی هم که البته وظیفه خود را خوب می دانند، کمک فرموده، این منبع فساد و دشمن حق و انصاف را ریشه کن و خاک پاک را از لوث وجودشان تطهیر فرمایند. (۱)

علاوه بر مسلمانان منطقه قفقاز، از مناطق دیگر، مانند مسلمان های تمام جماهیر متحده؛ یعنی آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، تاتارستان، یاشقیرستان، قزاقان و اتباع دول ایران، ترکیه، افغانستان، چین، مغولستان هم با ارسال تلگرافی اعلام نمودند که:

چون مکه معظمه و مدینه منوّره با یادگارهای مقدس خود، متعلق به تمام مسلمین می باشد، پس باید تمام دول جهان اسلام بر حفظ و حراست این اماکن مقدس بکوشند. (۲)

۱- ۱. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوم، شماره ۹، ص ۲۶، به نقل از بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۲، ش کارتن ۳۰، دوسیه ۱.

۲- ۲. همان، ص ۲۷، به نقل از تلگراف ۶/ ۹، ص ۱۹۲۵ به ولیعهد و مجلس شورای ملی و ...، بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، سال ۱۳۰۴، ش کارتن ۳۰، دوسیه ۳/ ۱.

واکنشِ سردار سپه

با توجه به شدّت اعتراض ها، سردارسپه در مجلس قول داد تا شخصاً به این موضوع رسیدگی کند (۱) لیکن اسناد و مدارک نشان می دهد که وی هیچگونه اقدام مثبتی انجام نداده است. به عنوان مثال، سید محمدعلی شوشتری، نماینده گرگان در مجلس شورای ملی، در جلسه ۱۹۸ مجلس پنجم می گوید:

«اخیراً بی سیم از قول نماینده ابن سعود، یک چیزهایی توی این مملکت منتشر کردند. اگر حقیقتاً اصل قضایا واقع نشده است، کمیسیون محترمی که رییس محترم دولت آمده است، اظهار کرده است و مجلس معین کرد، کمیسیون محترم این قضیه را تکذیب بفرمایند و اگر واقع شده است و برای نظریات سیاسی برای آن احساسی که در مسلمانان دیگر تولید شد که دست هیچ متجاوز و متجاسری نباید به مکه و مدینه دراز شود ....» (۲)

واکنش مسلمانان هند

انعکاس وقایع مجلس ایران، در هند نیز تأثیر گذاشت. آقای شوکت علی، منشی افتخاری کمیته مرکزی خلافت هند، در

۱- ۱. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوم، شماره ۹، ص ۲۸.

۲- ۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، مورخ ۲۳ شهریور ۱۳۰۴ ه. ق.

مراسله ای برای زعمای ایران چنین نوشت:

«اینک در هر کشور اسلامی، مردِ توانایِ نیرومندِ شجاعِ متدیّنی، سکان کشتی ملک را در کف گرفته و آن را به سوی مقصد جلال و شکوه سوق می دهد، واقعاً وقتی که چنین مطالب و تفاصیل خوبی راجع به برادران ایرانی خود می شنویم و مشاهده می کنیم که رخوت دیرین را از سر برون نموده و حاضر شده اند برای ترقی وطن، به هرگونه فداکاری قیام نمایند، مسرت و خوشوقتی ما به وصف نمی گنجد ... عنقریب ... کنفرانسی از مسلمانان دنیا تشکیل خواهیم داد و برای اینکه حجاز مقدس، سرچشمه نور و تربیت اسلامی گردد و آخرین علایم و امارات نفوذ غیراسلامی از آن محو شود، از جمیع ممالک اسلامی دعوت خواهیم کرد که نمایندگان مسؤول خود را برای حضور در آن گسیل دارند ... ما می خواهیم یک جمهوری اسلامی، از حجازیان منتخبه با کمک و مساعدت و مشورت مؤتمر (کنفرانس) اسلامیه، اداره امور داخلی عادی را بچرخانند.»(۱)

۱- ۱. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوم، شماره ۹، صص ۲۸ و ۲۹، به نقل از مراسله ۱۴ سپتامبر ۱۹۲۵، کمیته مرکزی خلافت موجود در اسناد وزارت امور خارجه.

سرپرست اتباع و حجاج ایرانی

در آستانه سقوط حکومت هاشمی در حجاز، در تاریخ شانزدهم تیرماه ۱۳۰۳ ه. ق. منتخب الدوله به سِمت سرپرست اتباع و حجاج ایرانی منصوب و وارد مکه گردید، لیکن پس از روی کار آمدن عبدالعزیز و انتشار اخباری مبنی بر تخریب اماکن مقدس دو شهر مکه و مدینه و نگرانی هایی که در کشورهای اسلامی به خصوص ایران به وجود آمد و از آنجا که هنوز حکومت سعودیان استقرار لازم را نداشت، عبدالعزیز این اخبار را تکذیب و از دولت های اسلامی می خواست تا نمایندگانی را برای پیگیری موضوع به حجاز اعزام دارند. ایران از جمله اولین کشورهایی بود که هیأتی مرکب از غفارخان جلال السلطنه (وزیر مختار ایران در مصر) و حبیب اللّٰه خان هویدا به حجاز اعزام کرد و این هیأت در تاریخ ۲۴/ ۶/ ۱۳۰۴ ه. ق. وارد جده گردید. (۱)

عبدالعزیز پذیرایی گرمی از این هیأت به عمل آورده و براساس گزارش هویدا اظهار تمایل زیادی به نزدیکی با ایران از خود نشان می داد، هویدا در این زمینه چنین می نویسد:

«... یک شبانه روز در بحره متوقف و دو دفعه با ابن سعود ملاقات شد. فوق العاده احترام و محبت نمود و هر دفعه خیلی اظهار میل به تقرب به دولت علیّه می کرد و می گفت: ما با

۱- ۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۲۶.

دولت ایران همجواریم و به قـدر سـی هزار شـیعه در نجـد و احساء نزد من هسـتند، می توانید از آن ها تحقیق نمایید، آنچه در حق ما شـهرت می دهند، اکثر تهمت و افترا است. ان شاءاللّه شما به مدینه رفته، خواهید دید که آنچه گفته اند دروغ است! من صریحاً به شـما می گویم و شـما هم به دولت علیّه بنویسید که من حرمین شریفین را به جان و مال و اولاد خود حافظ و حارس ام. مهدومات مکه نیز قبل از ورود من بوده است.» (۱)

عبـدالعزیز در اینجـا، موضـوع تخریب قبور را به دیگران نسـبت داده، لیکن در ملاقـات دیگری که هویـدا بـا وی داشـته، چنین اظهار می کند:

«... بلی، وهابی ها اعتقاد به تعمیر قبور و قبه ها ندارنـد و بـدعت می دانند و «خیرالقبور الدوارس» را حدیث معتبر می شناسـند. مع هـذا بعد از ورود خودم، فوراً جلوگیری کرده ام و حالیه نیز با کمال اصـرار و الحاح منتظرم که دول و ملل اسـلامی نماینده های خود را بفرسـتند و در امور حجاز قراری دهند و برای تعمیر این قبور نیز اگر مصمم شوند، مخالفت نمی کنم، سهل است، مساعدت خواهم کرد ....»

وی همچنین در باره شیعیان نجد می گوید:

«... قریب بیست- سی هزار رعایای شیعی مذهب، در نجد و

۱- ۱. اسناد روابط ایران و عربستان، ص ۲۷.

احسا دارم، سؤال کنید، همگی در نهایت آزادی و آسودگی و راحتی مشغول کسب و کار خود هستند و هیچ فشاری، نه مذهبی و نه غیرمذهبی، بر آن ها نبوده و نیست ....» (۱)

همانگونه که در گزارش های پیشین گذشت، عبدالعزیز به لحاظ مشکلاتی که در آغاز راه با آن روبه رو بوده، تلاش می کند ضمن پافشاری بر اعتقاد وهابیان به تخریب قبور، آن را به نوعی به دیگران نسبت داده و با آوردن نمایندگان کشورهای اسلامی به حجاز در تثبیت حکومت خویش تلاش کند و با وقت کشی، آرام آرام به سوی استقرار حکومت خود گام بردارد.

دو دیدگاه

آقای سیّدعلی موجانی در رابطه با تشکیل کمیسیونی با عنوان «کمیسیون دفاع از حرمین شریفین»، که به اصرار مدرس تشکیل شد، می نویسد:

دو دیدگاه مشخص در میان رجال سیاسی آن عهدِ ایران به چشم می خورد:

۱- گروهی که سید حسن مدرس در رأس آن ها قرار داشت، که خواهان نمایندگان دول مسلمان به منظور حفظ حرمین شریفین و مقابله با اقدامات وهابی ها بودند.

۱- ۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی: ص ۲۸.

۲- گروه دوّم، کسانی که در رأس ارکان اداری- سیاسی کشور قرار داشتند و از نظریه هویدا مبنی بر اعزام نماینده ای به کنفرانس خلافت اسلامی، که توسط وهابی ها برگزار می شد، جانبداری می نمودند.

در حالی که گروه اول، حتی حاضر به شناسایی وهابی ها نبودند، دسته دوم باب مکاتبه و مراوده با ایشان را نیز گشوده بودند.

این رویارویی می رفت تا آشکارا به نفع مجلسیان تمام شود، لیکن متأسفانه دوره پنجم قانون گذاری در ساعت ۳/۵ بعد از ظهر پنج شنبه ۲۲/ ۱۱/ ۱۳۰۴ به اتمام رسید و روزنامه ناهید درباره پایان این دوره مجلس نوشت:

«... إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ ... در و دولاب و اثاثیه و مخازن مرحوم، مطابق وصیت، از طرف متولی باشیِ دوم، آقای ارباب کیخسرو مهر و موم شد. رحمهاللَّه علیه برحمهٍ واسعه».

عدم همکاری با سعودی ها

این حادثه سبب شد تا در عمل، از امکان فعالیت های مدرس کاسته شود و متأسفانه به دلیل سانسور شدید مطبوعات و فقدان اسناد و مدارك لازم، ارزیابی و قضاوت آنچه در این دوره فترت رخ داده است، با مشکل روبه رو می گردد.

پـاره ای اسـناد پراکنـده موجـود در بایگـانی وزارت امـور خـارجه جمهـوری اسـلامی ایران، مـبیّن این واقعیت است که ظـاهراً مخالفت مدرس با حضور در کنفرانس خلافت اسـلامی شدت گرفته و همین امر سبب تردید شیعیان برخی از کشورهای دیگر شده بوده است. (۱)

با انتشار فتوای جمعی از علمای وهّابی، دایر بر وجوب ویرانی قبور و عـدم زیارت اماکن مقدسه و انعکاس آن به ایران، موجی از خشم و نفرت، جهـان اسـلام را فراگرفت و سـبب شـد تـا بسـیاری از کشورهـای مسـلمان، به دعـوت مـدرس، از حضـور در کنفرانس چشم بپوشند. وی گفته بود:

«بنـده تصور نمی کنم که اجتمـاع حقیقی از طرف ملـل و دول اسـلامی بشود؛ مثلًا از سوریه تـا به حـال هنوز جواب به او (ابن سعود) نداده اند و گمان نمی رود کسی برود، مگر اینکه از سوری هایی که در مکه هستند در انجمن حاضر شده ... از عراق و فلسطین و الجزایر و ریف و تونس و ترکیه و افغان و غیرهم هیچ آثاری نیست.»

تشکیل کنگره خلافت

لیکن بـا تلاـش هایی که صورت گرفت، کنگره خلافت در اول ذی قعـده ۱۳۴۴ ه. ق./ ۱۳ مه ۱۹۲۶ با حضور گروهی اندک آغاز

۱- ۱. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوّم شماره ۹ صص ۲۹ تا ۳۳.

شـد. در جلسه دوم، شیخ خلیـل خالـدی، قاضـی القضـاه سوریه پیشـنهاد کرد در خصوص ارتبـاط و اتصـال با سایر کشورهای مسـلمان، به خصوص ایران مـذاکره شود. امـا هنوز کنگره در جریـان بود که علمـای نجف اطلاع دادنـد وهابیون به بقیع حمله نموده اند. (۱)

تشکیل کمیسیون حرمین شریفین

در نتیجه این خبر، جمعی از علمـای تهران؛ از جمله مـدرس، با تشـکیل جلسه ای در منزل امام جمعه خویی تصـمیم گرفتنـد تا کمیسـیونی برای رسـیدگی به وقـایع پیش آمـده در محـل مجلس، با حضور سـید حسن مـدرس، امام جمعه خویی، امام جمعه تهران، بهبهـانی، آیت اللّه زاده خراسـانی، حـاج میرزا محمـدرضا کرمـانی، مسـتوفی الممالک، وثوق الـدوله، محتشم السـلطنه، مشیرالدوله و احتشام السلطنه تشکیل شود و با بررسی پرونده های موجود در وزارت خارجه و دفتر شاه، تصمیمات لازم در این خصوص اخذ شود.

نخستین جلسه این کمیسـیون، روز بعد تشـکیل شد و در این جلسه است که مدرس به مستوفی الممالک پیشنهاد می کند تا در این شروط حساس عهده دار مقام ریاست وزرا گردد.

تصمیم مهم دیگر کمیسیون تکلیف، صدور ابلاغیه ای به

۱- ۱. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوّم، شماره ۹، ص ۳۱.

وزارت دربـار بـود که تمـام بخش هـای وزارت امور خـارجه را مکلف می کرد تـا تمـام امور مربوط به حرمین را تنهـا پس از اطلاع کمیسیون مجری دارند.

همچنین مقرر شد تا نام کمیسـیون، به کمیسیون دفاع حرمین شریفین تبدیل شود و از مخبرالسلطنه، مستشارالدوله و ممتازالدوله نیز برای حضور در جلسات، دعوت به عمل آید.

دولت وهابی در واکنش نسبت به اقـدامات کمیسـیون، فعالیت گسترده ای را آغاز کرد. شـیخ رشـید رضا، صاحب امتیاز مجله المنار، شـرح مفصـلی در روزنامه های مصـر منتشـر و از دولت علیّه ایران به زنـدقه یاد کرده و در مقابل این خدمت ۴۰۰۰ لیره طلا دریافت نموده، به مکه معظمه متوجه شـد و مجلس درس مفصـلی در صـحن کعبه معظمه دایر کرده، اراده ابن سـعود را به دست گرفت.

روی تند این تبلیغات بیشتر متوجه جناح مذهبی ایران، به رهبری مدرس بود، چراکه بررسـی اسـناد، نمایانگر این حقیقت اسـت که روابط دربار پهلوی و ابن سعود کاملًا دوستانه بوده است.

در یکی از اسناد آمده است:

«در موقع تاجگـذاری بنـدگان، اعلی حضـرت، قوی شوکت همـایون شاهنشاهی، ابن سـعود تلگراف تبریک عرض نموده بود. اولیـای دولت علیّه به جـای اینکه جواب آن را به توسـط وزارت جلیله امور خـارجه یـا به توسـط دربار به سـلطان نجـد مخابره فرمایند، آقای عین الملک (هویدا) را با مأموریت

رسمی به مکه اعزام فرمودند که مراتب محظوظیت خاطر مهر مظاهر همایونی را به ابن سعود ابلاغ نماید.» (۱)

تردیـد در میان رجال سیاسـی ایران، برای اتخاذ یک موضع اصولی در باره این واقعه، هر آن شدت پیدا می کرد. کمیسـیون به رهبری مـدرس، بـا تحت فشـار قرار دادن مسـتوفی الممالـک، رییس الوزرا، او را واداشت تـا به انتشـار اعلانی تحت عنوانِ «به اهالی مملکت و عموم مسـلمین اعلام می شود»، اعتراض رسـمی دولت خود به اقـدامات وهابی ها را آشـکار نمایـد. دولت در این اعلامیه از تمام ملل اسلامیه تقاضا می کند که در یک تجمع عمومی، ملل اسلامی مقدرات حرمین شریفین را حل و تسویه نمایند. (۲)

هیأت علمیه نجف که به موازات کمیسـیون حرمین شـریفین تشـکیل شده بود، در این زمان با ارسال تلگرافی برای سـید حسـن مدرس و دیگران، ضمن انزجار از عملیات وهابیان، آمادگی خود را برای حفظ نوامیس اسلام اعلام می نماید.

مـدرس در پی این وقـایع، بـا برگزاری مجلسـی در مسـجد مروی تهران بر منبر رفته، شـرح مبسوطی از فجـایع و عقایـد سـخیفه وهابی ها داده، خواهان اتحاد جامعه اسلامی می شود.

با افتتاح دوره ششم قانون گذاری و علی رغم مشکلات داخلی

۱- ۱. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوّم، شماره ۹، ص ۳۱.

۲- ۲. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوّم شماره ۹، ص ۳۲.

موجود، کماکان فکر و ذهن مدرس و اطرافیانش، پی گیریِ موضوعِ حرمین شریفین می باشد.

بهبهانی در سخنان پیش از دستور خود، با اشاره به بی توجهی ملل مسلمان نسبت به تهدیدات کفار، چنین نتیجه می گیرد:

«تا کی بی حالی؟! تاکی بی اعتنایی؟! تا کی مسامحه ...؟! قلوب هریک از مسلمانان ایرانی را مملو از خون (کرده اند) ...! می خواهند یک صفوف جدیدی به ملل اسلامی ... بیفزایند ...، ایران که هم از نقطه نظر سیاسی و هم از نقطه نظر مذهبی، از جمیع فِرَق اسلامی بایستی علاقمندتر باشد، در چه حال است؟! آقا بالا- سرها، قیم ها، متولّی ها، سیاستمدارها، صاحب اختیارها، بالأخره آنها که همیشه خود را همه چیز و دیگران را ناچیز می شمارند، در این موقع مهم سیاسی و دیانتی، در این موقع حیاتی، در این مدت مدید (تقریباً یک سال) چه کرده اند؟! جمعی مشغول تکذیب، جماعتی بی خیال، چند نفر مشغول کار، ولی چه کار؟ نشستند و گفتند و برخاستند. از هرکس پرسیدم، گفتند: مشغول مذاکره هستیم. خلاصه تاکنون چه کرده اند؟! حرف زده اند! حرف خالی و بی فایده!».

او سپس پیشنهاد مذاکره با نمایندگان کشورهای مسلمان را برای انعقاد یک کنفرانس بین المللی می دهد تا در آن آینده سیاسی حجاز مشخص شود و پیشنهادی با قید دو فوریت تقدیم مجلس

می کند. این پیشنهاد در واقع قانونی کردن کمیسیون دفاع حرمین شریفین است، لیکن پیشنهاد او با عکس العمل شدید رییس الوزرا و بعضی از نمایندگان روبه رو می شود. بررسی نسخه منحصر به فرد دستنویس مذاکرات مجلس، روشن می سازد که در این سازمان، سانسور شدیدی بر مطبوعات اعمال می شده است؛ «نظمیه، حتی نطق وکلا را سانسور می کند و نمی گذارد در روزنامه ها نوشته شود.

نظمیه فقط کارش این است که اداره سانسور درست کند که هرچه نوشته می شود سانسور بکند. (۱)

سرانجام براثر «تعقیب مذاکرات قبل از دستور» و پا فشاری اعضای کمیسیون، پیشنهاد بهبهانی با امضای ۲۲ تن؛ از جمله مدرس، به عنوان ماده واحده در مجلس مطرح می شود.

علی رغم مخالفت بعضی نمایندگان، که آیا کمیسیون توانایی انجام اقدامی عملی را دارد یا خیر؟ مدرس در دفاع از ماده واحده می گوید:

«عقیده ما این است که از برای مملکت ایران خیلی نافع است؛ سیاستاً و عظمتاً و باید در صدد انجام آن مسأله برآییم که به عبارت اخری، مرکزیت دادن ایران است به جهت این مسأله. ما همه شرکت داریم، لیکن ایران که دولت بزرگ اسلام است، برای مرکزیت دادن به این مسأله که منظور نظر

۱- ۱. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوّم، شماره ۹، ص ۳۲ و ۳۳.

تمام است، البته مجلس شورای ملی احق و اولی است که در این مسأله شرکت کند ... اما نمی توانم بگویم این مسأله به این بزرگی نتیجه اش یک ماهه و دوماهه، یک ساله می شود.

مسأله به قدری بزرگ است که باید یک سال، دو سال هم تعقیب کرد تا ان شاءاللّه الرحمان (ناامید نیستیم) نتیجه خوبی بگیریم.» (۱)

اسناد و مدارک ناقص موجود، حکایت از آن دارد که این ماده واحده به تصویب رسید، اما ظاهراً فشار زیادی بر این جناح مجلس وارد آمد، به طوری که تقریباً یک ماه پس از این، مدرس در تاریخ ۷ / ۸ / ۱۳۰۵ در راه مدرسه سپهسالار (شهیدمطهری) ترور شد و اگرچه از این توطئه جان سالم به در برد، اما نتوانست لااقل در ۱۰ جلسه مجلس حضور یابد.

متأسفانه فقدان اسناد و مدارک سبب شده تا پس از این واقعه، دیگر اطلاعی از نتیجه اقدامات کمیسیون و فعالیت های مدرس دراختیار نداشته باشیم.

تنها یک سند که تاریخ تقریبی آن، سال ۱۳۴۵ ه. ق./ ۱۳۰۵ ه. ش است، تاحدی فشار حاکم بر جناح مدرس را روشن می کند. در این سند، میرزا مهدی زنجانی، از یکی از تجّار (تهران) می خواهد تا پیام او را به مدرس ابلاغ کند که:

۱- ۱. فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوّم شماره ۹، ص ۳۳.

«چنانچه یک اقدامی از طرف دولت ایران نشود، اسباب سرشکستگی مسلمین و موجب تولید مفاسد خواهد شد. این کاغذ را به شما محرمانه نوشتم ... شهداللّٰه تعالی، می ترسم این قضیه (حمله وهابی ها) تعاقب شود و بالمره موجب تباهی مسلمین شود.»

مدرس در حاشیه این نامه، تنها به نگارش بیتی بسنده می کند که خود نشانگر دشواری های موجود و مسائل پشت پرده است:

از قیامت خبری می شنوی دستی از دور برآتش داری! (۱)

تسلّط عبدالعزیز بر حجاز

پس از کناره گیری ملک علی از قدرت، عملًا عبدالعزیز بر حجاز مسلّط شد و در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۰۴ ه. ش اطلاعیه ای به این شرح صادر کرد:

بسم اللّٰه الرحمن الرحیم

انّ الحمد للّٰه نحمده و نشکره و نصلّی ونسلّم علی خیر أنبیائه و أشرف مخلوقاته سیّدنا محمّد صلّی اللّٰه علیه و آله و صحبه و سلّم.

اما بعد، قضایای حسین و پسرانش را با ما، دور و نزدیک

۱- ۱. نک: مدرس و کمیسیون دفاع حرمین شریفین، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوم، شماره ۹، صص ۲۹ تا ۳۳.

شنیده اند تا آنکه برای مدافعه از حیات و بلادمان و دفاع از بلاد مقدسه و جلوگیری از اعمال ناشایسته، ناچار شمشیر کشیده و با جان و مال در این راه انفاق کردیم و به فضل خداوند رئوف، بلاد فتح و امنیت در آنجا حاصل شد و از وقتی که به این کار مبادرت نمودیم، مصمم بودیم آنچه را که عالم اسلامی که اهل حجاز رکنی از آن است، راجع به آینده این بلاد مقدسه حکم نمایند اجرا شود و مکرر عموم مسلمانان را دعوت نمودم که مجمع اسلامی تشکیل داده، آنچه مصلحت آینده این بلاد است مقرر دارند. سپس به دعوت عام و خاص پرداخته، به تاریخ ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۴۴ ه. ق. به حکومت ها و شعب اسلام نوشته جات- چنانکه در جراید عالم نیز انتشار یافت- فرستاده شد. دو ماه گذشت، جوابی از احدی نرسید، جز جمعیت خلافت در هند و او- بارک اللّه فیها- آنچه بتواند برای خوشی و آسایش حجاج اجرا نموده و می نماید.

و چون بحمداللّه قضیه در حجاز با منصوریت خاتمه پیدا کرد و اهالی حجاز، دسته دسته و یک یک آمدند و آزادانه تشکیل مملکت را چنانکه وعده شده بود، درخواست نمودند و چاره ای جز قبول خواهش های مکرر آن ها نیافتم.

پس از آنکه عالم اسلام در این موقعِ مهم، تصمیم و اقدامی ننمود که هر قسم می خواهند اداره بلاد را خود مقرر دارند، لهذا

آزادی به آنان داده شد و ما قصدی جز اصلاح به قدر امکان نداریم؛ وَ ما تَوْفِیقِی إِلَّا بِاللَّهِ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْهِ أُنِیبُ (۱). (۲)

عبدالعزیز بن عبدالرحمن الفیصل آل سعود

۲۲ جمادی الثانیه ۱۳۴۴

ابلاغیه دولت سعودی

پس از آنکه در تاریخ ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۴۴ ه. ق. رسماً دولت سعودی تشکیل می شود، ابلاغیه ای به این شرح صادر می نماید:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

ابلاغیه پادشاهی به حکومت های متحابه

به فضل و عنایت پروردگار، اهل حجاز اجتماع و به پادشاهیِ ما در حجاز، بر طبق کتاب اللّه و سنت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و خلفای راشدین و تأسیس حکومت موروثی که امور حجاز با اهل حجاز باشد، بیعت کردند و به امید خداوند و توکّل بر ذات اقدسش، قبول بیعت نمودیم و استمداد و استعانت از ذات خداوند تبارک و تعالی داریم. پس لقب ما «جلاله ملک الحجاز و سلطان نجد وملحقاتها» می باشد و برای امنیت و راحتی و گشایش و سعادت و خوشی

۱- ۱. هود: ۸۸.

۲- ۲. تاریخ روابط خارجی ایران و عربستان سعودی، صص ۵۵ و ۵۶.

ساکنین این بلاد و عموم حجاج و زائرین، نهایت کوشش داریم و عنقریب آنچه منظور عالم اسلامی است به عمل آید و از جریان امور حجاز خشنود شوند و از خداوند مسألت می نمایم که مرا در انجام این امر معاونت فرمایند.

وإنّه ولی التوفیق

ملک الحجاز و سلطان نجد و ملحقاتها

ممنوعیت سفر به حجاز

این اقدام عبدالعزیز بدین جهت بود که کشورهای اسلامی را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد و آنان را ناگزیر به برقراری ارتباط با سعودی کند، لیکن علی رغم آن، اخبار و گزارش های واصله از عربستان و نگرانی های کشورهای مختلف موجب شد تا مفتی مصر، مسلمانان را از رفتن به مکه منع کند و دولت انگلیس نیز اجازه رفتن به حج را به مسلمانان هند نداد و دولت ایران هم در جلسه یازدهم اسفند ۱۳۰۴ ه. ش خود اعلام کرد:

«... مقتضی است به اطلاع عامه برسانید که دولت از امنیت و آسایش حجاج در حج نگران است و توصیه می کند که امسال از حج خودداری نمایند.» (۱)

۱- ۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۶۶.

اطلاعیه دولت ایران

در تاریخ ۱/ ۴/ ۱۳۰۵ ه. ش دولت ایران با صدور اطلاعیه ای رسمی، صریحاً به اقدامات دولت سعودی در تخریب اماکن اسلامی و قبور ائمه بقیع اعتراض و اعمال وهابیان را محکوم نمود.

متن اطلاعیه به این شرح است:

به اهالی مملکت و عموم مسلمین اعلام می شود

تعدّیات و تجاوزاتی که نسبت به عالم دیانت و عقاید فِرَق مسلمین، از مدتی قبل، طایفه وهابیه به عمل آورده اند و هتك حرمتی که نسبت به حرمین شریفین، که قبله و معبد کافه مؤمنین و مرکز اتحاد روحانی تمام مسلمین است مرتکب شده اند، عموم مسلمین را مضطرب و نگران ساخته است و جسارتی که از طرف آن ها نسبت به بقاع متبرکه بزرگان دین در بقیع به ظهور رسیده و قاطبه مؤمنین را متأثر و سوگوار نموده است، معلوم خاطر عموم اهالی مملکت می باشد.

دولت ایران از بدو تجاوزات این طایفه، همیشه بر این گونه عملیات که مخالف آداب و حیثیات دیانتی و مناقض با اصول تمدن است، اعتراضات شدید نمود تا اینکه از طرف عبدالعزیز بن سعود، رییس آن طایفه ابراز مواعیدی شد که این گونه فجایع و تجاوزات که بی احترامی صریح به عقاید و شعائر ملی عالم اسلام است، ارتکاب و تکرار نشود.

ولی برخلاف انتظار، عملیاتی اخیراً منافی با مواعید خود از

آن ها به ظهور رسید که قلوب اسلامیان را متأثر و متألم نمود و سبب گردید که دولت ایران دعوت ابن سعود را برای شرکت در مجمع عمومی حجاز قابل قبول ندانسته و رد نماید.

از آنجا که تجلیل اماکن مقدسه که کرورها نفوس از روی عقیده و ایمان، آن نقاط شریفه را مهبط انوار رحمانی و منبع فیض آسمانی می دانند، از شعائر ملی اسلامی است و مخصوصاً در این برهه از زمان، که عصر احترام عقاید و آداب دیانتی است و تمام ملل متمدنه عالم، از هر قوم و ملت، سعی دارند که معتقدات مذهبی دیگران را تعظیم و تکریم نمایند و تعدّی و تحمیل بر شعائر دینی سایر ملل را منسوخ سازند. بدیهی است دولت و ملت ایران نمی تواند ساکت نشسته و تحمل نماید یک فرقه معدود که نسبت به ملل اسلامی در حکم اقل قلیل هستند، عقاید خود را بر تمام عالم اسلام تحمیل نمایند. و حقیقتاً جای بردباری و تحمل نیست. در عصری که هریک از ملل حیه، از برای آثار و قبور حکما و بزرگان و ارباب شعر و صنعت، هرچند که منسوب به ملل دیگری باشند، هزارگونه احترامات قائل می شوند و از این لحاظ، مابین ملیت و قومیت و نژاد فرقی نمی گذارند، یک طایفه فقط به استمساک تعالیم و مبادی خود، آثار ائمه هدی و اولیای خدا را که در روح و قلب کرورها نفوس جای دارند، منهدم سازند.

دولت ایران این رفتار را از مقوله تجدید اعمال ادوار توحّش و جاهلیت تلقی نموده و بر این کردار فجیع شدیداً اعتراض می نماید.

در همان حال، به قاطبه مسلمانان عالم خطاب و اعلام می دارد که، به حکم وحدت عقیده اسلامی، متفقاً به وسایل ممکنه از این عملیات تجاوزکارانه جلوگیری به عمل آورند و از آنجاکه حرمین شریفین، حقیقتاً به تمام عالم اسلام تعلق دارد و هیچ ملت مسلمان دون ملت دیگر، حق ندارد این نقاط مقدسه را که قبله جامعه مسلمانان و مرکز روحانیت اسلام است به خود اختصاص داده، تصرّفات کَیْفَ ما یَشاء نماید و اصول تعالیم خود را بر عقاید دیگران تحمیل کند.

بنابراین، از تمام ملل اسلامیه تقاضا می شود که در یک مجمع عمومی ملل اسلامی، مقدّرات حرمین شریفین را حل و تسویه نمایند و قوانین و نظاماتی وضع گردد که تمام مسلمانان برطبق عقاید مختصه خود، بتوانند آزادانه از برکات روحانی و فیوض آسمانی اماکن مقدسه مکه معظمه و مدینه طیبه برخوردار و متمتع شوند و این سرچشمه فیض و سعادت الهی تمام طوایف مسلمانان عالم را بدون تبعیض و استثنا سیراب سازد.

امیدواریم که ملل و دول اسلامی، این تقاضای دینی و ملی را به سمع قبول اجابت کرده و راضی نشوند بیش از این بر مقدسات ملی و شعایر مذهبی آنان لطمه وارد آید. (۱)

اوّل تیرماه ۱۳۰۵

حسین بن یوسف رییس الوزرا

۱- ۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۶۹.

پس از صدور این اطلاعیه، متأسفانه هیچ گونه حرکت جدّی در جهان اسلام برای وادار کردن سعودیان در پذیرش ترمیم قبور و حفظ آثار تخریب شده صورت نمی پذیرد و در نتیجه فشار دولت سعودی بر شیعیان افزایش یافته، به شکلی که در شب هفتم محرم ۱۳۴۷ ه. ق. مدیر شرطه سعودی با تعدادی سرباز به محل برگزاری عزاداری شیعیان ایران حمله و اسباب و وسایل آنجا را غارت می کند و سیّدی از سادات حجاج، به نام حاجی سید محمد باقر را با کمال اهانت و زجرکشیده به زندان می برد. (۱) و سختگیری نسبت به حجاج ایرانی روزبه روز بیشتر می شود.

در گزارش کنسولگری ایران در جده، به تاریخ ۲۸ محرم ۱۳۴۷، چنین آمده است:

«... مأمورین حکومت حجاز در مدینه منوره و در مکه مکرمه، با حجاج ایرانی بسیار سختگیری کردند و نمی گذاشتند که حجاج به آزادی، خودشان زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و زیارت ائمه اطهار علیهم السلام در بقیع به عمل بیاورند و وعده هایی که حکومت داده بود، ابداً موقع اجرا نگذاشت، بلکه به خلاف پیشتر، خیلی سخت گیری می نماید. متروکات امواتِ حجاجِ ایرانی را، که همه را در مکه معظمه به واسطه مأمورین بیت المال ضبط کرده اند، تاکنون به جنرال قنسولگری نفرستاده اند ... لهذا از برای تأمین حقوق و شؤون

۱- ۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۶۹.

مـذهبی رعایای دولت علیّه ایران در قطعه حجاز، بهتر آن است که مانند سال گذشـته، بلکه به طور اشدّ، دولت علیّه ایران اوامر مؤکـده صادر فرماینـد که هیچ کس از ایران به حجاز نیاید و قدغن سـخت مقرر فرماید تا وقتی که مسائل مختلف فیه، به طور احسن و اکمـل تسویه شود و تأمینـات کـافیه، به جهت حفـظ حقوق و شؤون مـذهبی رعایـای دولت علیّه ایران در حجاز تحت یک قاعده صحیح گرفته شود. به جهت استحضار خاطر اجل عالی به عرض رسید.

وکیل جنرال قنسولگری دولت علّیه ایران

محمدعلی لاری

شروع یک توطئه

براساس گزارش حسین پیرنظر (۱) از سـفارت ایران در مصر، اگر دولت ایران برای یکی دو سال دیگر، رفتن به حج را منع می کرد، حتماً حکومت حجاز حاضـر به قبول شـرایط پیشـنهادی ایران می شـد و درنتیجه، هم برای زائران ایرانی رفع مزاحمت می گردید و هم نسبت به تعمیر قبور و خرابی های به عمل آمده امتیازاتی به دست می آمد.

لیکن متأسفانه این کار صورت نمی پذیرد و در خرداد ۱۳۰۸ ه. ش. اولین مراوده رسمی دیپلماتیک میان ایران و حکومت

۱- ۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۷۳.

عبـدالعزیز صورت گرفته و در شـهریور همین سـال، معاهـده مودّت میـان ایران و حجـاز امضا و در فروردین سال ۱۳۰۹ ه. ش. حبیب اللَّه هویدا با عنوان نماینده ایران و با سمت کاردار وارد جدّه می شود.

تأسـیس سـفارت ایران در عربسـتان، که به نوعی تقویت حکومت عبدالعزیز را در پی داشت، به حدّی برای عبدالعزیز مهم بود که هویدا پس از ملاقات با وی، از قول کفیل وزارت خارجه در گزارش خود می نویسد:

«... و ذکر کرد که هیچ وقت اعلی حضـرت را تا این درجه شاد و مسـرور ندیده بودیم که امروزه از ملاقات شما و وصول نامه همایون شاهنشاهی اظهار شادی و سرور علنی می فرمودند ....» (۱)

مأموریت حبیب اللَّه هویدا

حبیب اللَّه هویـدا در ایجاد این ارتباط نقش مهمّی داشـته و از این رو دولت حجاز به مسؤولان وزارت خارجه خود دسـتور می دهـد که همیشه او را راضـی و خورسـند نگـاه دارنـد تـا اسـباب تکـدّر خـاطر و دلتنگی برای او فراهم نشـود و تمـام مطـالب و تقاضاهای او را به فوریت انجام دهند! (۲)

۱- ۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۸۴.

۲- ۲. همان مدرک.

باتوجه به اینکه حبیب اللّٰه هویدا یکی از دو نماینده ایران برای بررسی وضعیت حجاز در اثر حمله وهابی ها و تخریب اماکن مقدسه بوده و از سوی دیگر، وی براساس اسناد موجود، دارای مسلک بهائیّت و از بهائیان شناخته شده بوده است، (۱) همه گویای آن

۱- ۱. پدربزرگ هویدا، میرزا رضا قناد، از بهائیان متعصب و از فدائیان عباس افندی محسوب می شد. علاقه او به رهبر بهائیان به حدّی بود که هنگام سفر او به فلسطین، همراهش به «عکا» رفت و مستخدم و خادم مخصوص عباس افندی گردید. عباس افندی به واسطه خدمات میرزا رضا، مخارج تحصیل فرزند او را تقبل کرد و حبیب اللّٰه پدر امیرعباس را برای تحصیل به اروپا فرستاد. حبیب اللّٰه در اروپا به زبان های انگلیسی و فرانسه مسلط شد و چون عربی را هم روان صحبت می کرد، در مراجعت به ایران، در دستگاه سردار اسعد بختیاری به عنوان مترجم استخدام شد و همزمان کار ترجمه متون خارجی برای «روزنامه رعد» را هم به عهده گرفت. پروفسور براون، میرزا رضای قنّاد محمدرضا پدربزرگ هویدا را یکی از چندتن رازدار رهبر بهائیان می داند. فاضل مازندرانی، مؤلف کتاب ظهورالحق متعلق به بهائیان در جلد هشتم قسمت دوم صفحه ۱۱۳۸ در باره معرفی پدربزرگ هویدا می نویسد: «دیگر آقا محمدرضا قناد سابق الوصف، از مخلصین مستقیمین اصحاب آن حضرت شد تا وفات نمود و مدفن او در قبرستان «عکا» است و از پسرانش میرزا حبیب اللّٰه عین الملک پدر هویدا که به پرتو تأیید و تربیت آن حضرت، صاحب حسن خط و کمال شد و همی سعی کرد و کوشید که شبیه به رسم الخط مبارک نوشت. و در سنین اولیه نزد آن حضرت کاتب آثار و مباشر خدمات گردید. بعداً مشاغل دولتی و مأموریت در وزارت خارجه ایران یافت و پسر دیگرش میرزا جلیل خیاط عموی هویدا در «عکا» و هم از دخترش عمه هویدا که در شام شوهر نمود، مآل با سعادت و رضایتی بروز نکرد! حبیب اللّٰه عین الملک با دختری به نام افسرالملوک ازدواج کرد، افسرالملوک دختر محمدحسین خان سردار، از تروریست های معروف بهایی بود که در دوران قاجاریّه در آشوب و بلوایی که بهائیان در چند شهر ایران به راه انداختند نقش داشت. حبیب اللّٰه عین الملک با کمک و حمایت سردار اسعد بختیاری، به وزارت امور خارجه رفت و به واسطه آشنایی به زبان عربی و سابقه اقامت در شامات، مأمور خدمت در سوریه و لبنان گردید. عین الملک که در این سال ها همچنان به «آل رضا» معروف بود، با سوء استفاده از موقعیت دیپلماتیک خود، به تبلیغ بابی گری در این کشورها پرداخت. چند ماه پس از اقامت حبیب الملک در شامات، او را مأمور خدمت در «جدّه» کردند، وی در «جدّه» با انگلیسی ها سر و سرّی پیدا کرد و علی رغم اقامت در سرزمینی که قلب جهان اسلام محسوب می گردد، به تبلیغات بابی گری خود ادامه داد .... فعالیت های بهایی گری قنسول ایران موجد بروز آثار سوئی گردید و وزارت امور خارجه ایران مجبور شد وی را به تهران احضار نماید. عین الملک پس از احضار به تهران، مجدداً روانه عکا گردید و تا پایان عمر در خدمت رهبر بهائیان باقی ماند. «حبیب اللّٰه» عین الملک دو پسر داشت: یکی به نام امیرعباس و دیگری به نام فریدون هویدا. امیرعباس هویدا، صص ۱۴ و ۱۵.

است که متأسـفانه نماینـده ایران به صورت پنهـانی نقشـی مؤثر در نادیـده گرفتن این مسـأله مهم داشـته است. این نکته زمـانی تقویت

می شود که ملک عبدالعزیز به هویدا می گوید:

«... ما شما را از خود می دانیم، شما نیز خود را مثل سایر نمایندگان اجانب ندانید، هیچ وقت لزوم به تحصیل اجازه نیست، هر وقت که میل دارید، بدون هیچ ملاحظه، به دیدن ما بیایید، چه در مکه چه در این جا، ما همیشه آماده ملاقات شما هستیم ....» (۱)

در روزنامه الوطن (چاپ بغداد)، در تاریخ ۲۰ ربیع الاول ۱۳۴۸ ه. ق. در زمینه به رسمیت شناختن دولت حجاز توسط ایران درباره نماینده ایران، حبیب اللّه خان عین الملک معروف به هویدا می نویسد:

«... مشارالیه کاملًا به این قضایا آگاه است و علاوه بر اینکه زبان مملکت را به خوبی می داند، محل اعتماد ملک عبدالعزیز و رجال حکومت حجاز است و شخصاً نزد آن ها محترم است و بدیهی است که تعیین او به این سمت، مسأله را به طور دلخواه حل و تسویه می نماید!» (۲)

هویدا تا سال ۱۳۵۳ ه. ق. به عنوان نماینده ایران در حجاز مشغول به کار بوده است. وی در مأموریتش به مدینه، برای کسب اطلاع از میزان خرابی ها، تلاش جدی کرده تا این حادثه مهم را

۱- ۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۸۸.

۲- ۲. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۷۵.

بسیار کمرنگ جلوه داده، وهابیان را به نوعی، تبرئه نماید. در گزارش وی چنین آمده است:

... بالای مناره، قبه مطهّر صعود کردیم، یکصد و سی پله بالا رفتیم و از آن جا قبه مطهر را زیارت نمودیم (زیرا صعود بالای قبه غیرممکن است). از آن جا مشاهده نمودیم که فقط پنج گلوله تفنگ به قبه مطهر اصابت نموده و اندکی سوراخ کرده است و ابداً خرابی وارد نیامده است! اولًا نمی شود حتم کرد که این گلوله ها از طرف وهابی ها بوده است! ثانیاً برفرض اینکه از طرف آن ها بوده باشد، واضح است عمدی نبوده است! و در اثنای تیراندازی به همدیگر خطاءً به قبه مطهر اصابت کرده است! و دلیل صحت این نظریه این است که قبه مرقد مطهر، خیلی عظیم و بزرگ است و وهابی ها هم در پشت دروازه و قلعه شهر بوده اند و تعدادشان بیش از سه- چهار هزار بوده است؛ اگر قصد اصابت می داشتند، اقلًا دو سه هزار گلوله به قبه مطهر می رسید! به هرحال فقط آثار پنج گلوله تفنگ در روی قبه مطهر بود و همچنین آثار چهار- پنج گلوله بر قبه اهل بیت بود، خادم باشیِ حرم مقدس نیز سه- چهار عدد گلوله آورده و به بنده داد و گفت که این ها را روی بام حرم یافته و تصور می کند که از گلوله هایی است

که به قبه مقدس رسیده است. فدوی آن ها را تقدیم خواهم نمود که در موزه وزارت معارف محفوظ بماند ....» (۱)

متن کامل گزارش هویدا

جهت اطلاع بیشتر خوانندگان، متن کامل گزارش به این شرح تقدیم می گردد:

تاریخ سند: ۱۱ دیماه ۱۳۰۴

فرستنده: حبیب اللّه هویدا

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: گزارش در باب وقایع حجاز

نمره: ۲۱۱

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

بر حسب اوامر متعدده تلگرافی وزارت جلیله متبوعه، روز ۱۵ مهرماه ۱۳۰۴، مطابق ۱۷اکتبر ۱۹۲۵ از شام به مصر و از آن جا در معیت جناب غفارخان وزیر مختار مصر، در روز ۱۹ مهرماه با کشتی خدیوی به طرف جده حرکت و روز ۲۴ مهرماه وارد جده شده [روز] ۲۹ با اتومبیل های سلطان نجد به طرف مکه معظمه رهسپار شدیم.

ابن سعود در میان راه جده و مکه، در محلّی که به اسم بحره

۱- ۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۵۰.

معروف است، برای پذیرایی از نماینده انگلیس «مستر کلایتون»، که برای عقد معاهده آمده بود، چادرهای متعدد افراشته بود و خود نیز چون آن جا بود، اول برای ملاقات او رفته، پس از صرف ناهار و چای، چهار بعد از ظهر با یک نفر میهماندار مخصوص و چهار نفر گارد مخصوص، در حالتی که مُحرم بودیم، پس از وصول به مکه معظمه و ادای وظایف دینیه عمره، به خانه ای که معین کرده بودند رفته، روز بعد برای مشاهده و زیارت مقامات و قبور مهدومه، که در قبرستانی که در منتهی الیه یک طرف شهر در دامنه کوهی واقع است رفتیم.

قبر حضرت خدیجه و حضرت آمنه (۱) و قبر عبدالرحمن بن ابی بکر و قبور بنی هاشم و مسجد جن و قبر عبداللَّه بن الزبیر و قبور شهدا و قبور سایر ناس که در آن قبرستان بود، وهابی ها همه را خراب و مهدوم کرده اند.

مولد حضرت پیغمبر و خانه حضرت خدیجه که ولادتگاه حضرت صدیقه طاهره، زهرا- صلوات اللَّه علیها- بوده است، همه را مهدوم و با خاک یکسان کرده اند. عمارت و قبه های مراقد حضرت خدیجه و آمنه را که با خاک یکسان کرده اند سهل است، قبر حضرت خدیجه را نبش کرده بودند و معلوم بود که دوباره با خاک

۱- ۱. قبر حضرت آمنه مادر رسول خدا صلی الله علیه و آله در محلّی به نام ابواء، میان مکّه و مدینه قرار دارد.

و گِل پر کرده اند. خانه متولّی قبر خدیجه را منهدم و تمام دارایی او را به یغما برده اند و خانه متولّی در همان قبرستان، پهلوی قبر حضرت آمنه و خدیجه بوده است.

البته راجع به این معاهدات و تفصیل ملاقات و مذاکرات با سلطان ابن سعود، جناب اجل غفارخان وزیر مختار راپرت مفصل تقدیم نموده اند و احتیاج به تکرار فدوی نیست! (۱) زیرا مأموریت فدوی فقط برای مدینه منوّره است.

بنده در ایاب و ذهاب و در کلیه مواقع و در ملاقات های با اعلی حضرت ملک علی و سلطان ابن سعود با جناب وزیرمختار بودم و وظیفه ترجمانی را به عمل می آوردم، لهذا همین قدر عرض می کنم که جناب غفارخان، الحق یکی از رجال سیاسی تجربه دیده و هوشیار و با متانت و عاقبت اندیش دولت علّیه ابد مدت هستند و این مأموریت را فوق العاده با متانت و سیاست و کیاست انجام دادند و از این بهتر امکان پذیر نبوده و نیست.

فدوی راجع به ملاقات ها و مذاکراتی که با ملک علی و سلطان ابن سعود با حضور جناب وزیر مختار شده، در این جا شرحی نمی دهم که مبادا در تعبیر کم و زیاد شود و محول به راپرتی که خود ایشان تقدیم کرده اند، می نمایم. علی هذا ذیلًا به شرح مأموریت

۱- ۱. معلوم می شود اعتراف وی به تخریب قبور در مکّه به دلیل آن بوده که قبلًا گزارش آن توسط غفارخان به تهران ارسال گردیده و او می دانسته اگر ننویسد از طریق گزارش غفارخان واقعیت ها به تهران منعکس خواهد شد.

مخصوص خودم که راجع به مدینه منوّره است، می پردازم:

نظر به اینکه وقتی در مکّه معظمه بودیم، سلطان نجد ذکر نمود که ایصال مرا فقط تا به «عیون» که اردوگاه قشون وهابی ها است و دو ساعت از مدینه منوره دور است تعهد می کند و از آن جا تا مدینه را درعهده نمی گیرد، سوءظنی ما را دست داده، با جناب وزیرمختار به جده برگشتم که با ملک علی مذاکره نمایم. ملک علی بیچاره گفت:

من هرچه شما بگویید حاضرم، ولی قشون ما همه در داخل مدینه هستند و در خارج شهر قشون نداریم (و از عیون) تا به مدینه، همه نخلستان است و همه در دست خود وهابی ها است، می ترسم که برای بدنام کردن، از بین نخیل تیری به شما بزنند و بگویند که از طرف ما بوده است.

پس اصلح آن است که سلطان با گاردهای خود، شما را به دائره تلگراف بی سیم ما که خارج شهر است رسانده، گاردهای ما آن جا شما را تحویل می گیرند و در حین عودت نیز در همان نقطه شما را تحویل سوارهای سلطان می دهند.

لهذا فدوی از جدّه تفصیل را به ابن سعود نوشتم، روز بعد جواب رسید و قبول کرد و اتومبیل فرستاد و همان روزی که جناب وزیرمختار سوار کشتی و عازم مصر شدند، بنده نیز سوار اتومبیل و عازم (بحره) گشتم، یک شبانه روز در بحره متوقف و دو دفعه با ابن سعود ملاقات شد، فوق العاده احترام و محبت نمود و هر دفعه خیلی اظهار میل به تقرّب به دولت علّیه می کرد و می گفت:

ما با دولت ایران هم جواریم و به قدر سی هزار نفر شیعه در نجد، و در احساء نزد من هستند، می توانید از آن ها تحقیق نمایید، آن چه در حق ما شهرت می دهند اکثر تهمت و افتراست، ان شاءاللّه شما به مدینه رفته، خواهید دید که آنچه گفته اند دروغ است، من صریحاً به شما می گویم و شما هم به دولت علیه بنویسید که من حرمین شریفین را به جان و مال و اولاد خود حافظ و حارسم، مهدومات مکه نیز قبل از ورود من بوده است، بلی وهابی ها اعتقاد به تعمیر قبور و قبّه ها ندارند و بدعت می دانند و «خیرالقبور الدوارس» را، حدیث معتبر می شناسند. مع هذا بعد از ورود خودم فوراً جلوگیری کرده ام و حالیه نیز با کمال اصرار و الحاح منتظرم که دول و ملل اسلامی، نماینده های خود را بفرستند و در امور حجاز قراری دهند و برای تعمیر این قبور نیز اگر مصمم شوند ممانعت نمی کنم سهل است، مساعدت خواهم کرد، حتی اگر خروج مرا نیز از حجاز مقرر دارند، فوراً بیرون می روم.

قبل از حرکت بنده به مدینه منوره و بعد از عودت، سلطان این صحبت ها را مکرر گوشزد نمود و بعد از عودت از مدینه در ملاقات اخیر خواهش کرد که فدوی در تقرّب بین او و دولت علّیه اقدام کنم و نیز خواهش نمود که مکاتبه با او داشته باشم.

به هر صورت ابن سعود پنج نفر از تفنگداران مخصوص شخصی خود را، با سه نفر شتر ذلول مخصوص برای بنده و نوکر بنده معین کرد که تا مدینه ذهاباً و ایاباً با بنده باشند و برای تهیّه

حرکت از بحره به مکه رفته، چهار روز در آن جا ماندم سپس تفنگداران شترسوار را به رابغ که کنار دریاست فرستادند و بنده نیز با مستشار مخصوص خود او با اتومبیل به رابغ رفتیم.

از مکه تا رابغ با شتر پنج منزل است، با اتومبیل نه ساعت طول کشید. در رابغ چند روزی منتظر تفنگداران شدم، مستشار مخصوص سلطان به مکه عودت نمود. در این اثنا فدوی سخت مریض و بستری و مبتلا به دسانتری شدم و ده روز سفر تأخیر افتاد.

نه علاجی نه درمانی، نه حبیبی و نه طبیبی.

رابغ عبارت از یک دِه بزرگی است که هیچ چیز در آن یافت نمی شود، جز نان و برنج و گوشت چیزی نیست، از سبزیجات اثری نیست، آب چاهِ آن هم تلخ و ناگوار. به هرحال، به روحانیت حضرت ختمی مرتبت متوسل شده، به قوه دعا و مناجات بهبودی حاصل شد.

در این اثنا، پسر سلطان با پانصد نفر شترسوار از قشون وهابی ها، برای رفتن به مدینه به رابغ رسیدند. فدوی نیز با وجود ضعف و نقاهت با تفنگدارهای مخصوصه به آن ها ملحق شدم و حرکت نمودیم و روز ششم به عیون رسیدیم. دیگر جسارت می دانم عرض کنم این شش روز شترسواری، چه بر سر این فدوی آورد.

به هرحال بعد از دو روز استراحت، مراسله ای به امیر مدینه و به حاکم لشکری مدینه نوشته، توصیه نامه های ملک علی را در جوف

نهاده، با قاصـد مخصوص به مـدینه فرسـتادم. روز بعـد جواب رسـید که با نهایت شادی و افتخار منتظر هسـتند. لهذا با پنج نفر سوار و ده نفر پیاده از قشون سـلطان حرکت کردم، در همان محل معیّن، یک نفر مهمان دار با یک درشکه و شش- هفت نفر سوار مسلّح حاضر بوده مرا تسلیم گرفتند و رییس سواران سلطان هم ورقه کتبی از بنده گرفتند که مرا به سلامت تحویل دهند.

از آن جا به سـمت مـدینه منوره رهسـپار شدیم، در خارج از دروازه، به قدر پانصد نفر قشون و صاحب منصب های لشـکری و کشوری و امیر مـدینه شـریف احمـدبن منصور و جمع زیادی از اهالی اسـتقبال شایانی نمودنـد و همچنین روز عودت به همین ترتیب مشایعت کردند.

بعـد از ورود و اسـتحمام به زیارت حرم مقـدس مطاف ملأ اعلی، مرقد مطهر حضـرت خاتم الانبیاء- علیه آلاف التحیه و الثناء- مشـرف شـدم، روحـانیتی کـه در آن مقـام مقـدس دسـت می دهـد، از وصـف خـارج است. به محض عتبه بوسـی، زحمـات و خسـتگی راه به کلّی نابود شـد. خداونـد سر سودن به این آسـتان ملایک پاسـبان را نصـیب حضـرت اشـرف و جمیع دوسـتان فرماید!

سه روز در مـدینه توقف نمودم. روز دوم به قصـد بازدیـد قبّه مطهر، بـا عزّت پاشـا حاکم لشـکر شـهر و میهمانـدار جناب سـید عمران تاجر شـیعی عراقی و متولی باشـی حرم مطهر داخل حرم شدیم. بعد از ادای فریضه زیارت و عتبه بوسی، آغاباشی؛ یعنی خادم باشی

حرم، برای هریک از ماها لباس خدمتکاران آورده، پوشیدیم و بالای مناره قبه مطهر صعود کردیم، یکصد و سی پله بالا رفتیم و از آن جا قبّه مطهر را زیارت نمودیم (زیرا صعود بالای قبه غیرممکن است). از آن جا مشاهده نمودیم که فقط پنج گلوله تفنگ به قبه مطهّر اصابت نموده و اندکی سوراخ کرده است و ابداً خرابی وارد نیامده است:

اولًا: نمی شود حتم کرد که این گلوله ها از طرف وهابی ها بوده است، ثانیاً: برفرض اینکه از طرف آن ها بوده باشد، واضح است عمدی نبوده است و در اثنای تیراندازی به همدیگر، از روی خطا به قبّه مطهر اصابت کرده است و دلیل صحّت این نظریه این است که قبه مرقد مطهر، خیلی عظیم و بزرگ است و وهابی ها هم در پشت دروازه و قلعه شهر بوده اند و تعدادشان بیش از سه- چهار هزار بوده است. اگر قصد اصابت می داشتند، اقلًا دو- سه هزار گلوله به قبه مطهّر می رسید.

به هرحال فقط آثار پنج گلوله تفنگ در روی قبه مطهر بود و همچنین آثار چهارپنج گلوله بر قبه اهل بیت بود. خادم باشی حرم مقدس نیز، سه- چهار عدد گلوله آورده و به بنده داد و گفت که این ها را روی بام حرم یافته و تصور می کند که از گلوله هایی است که به قبّه مقدس رسیده است، فدوی آن ها را تقدیم خواهم نمود که در موزه وزارت معارف محفوظ بماند.

بالأخره روز چهارم برحسب خواهش بنده، سواران سلطان، با

تقریباً سی- چهل نفر پیاده که خودشان مایل به آمدن شده بودند به خارج شهر آمده، بنده نیز با قریب بیست نفر تفنگدار سواره و پیاده، از قشون ملک علی و دونفر صاحب منصب سرهنگ و سید عمران تاجر به خارج شهر آمده و [ما را] تسلیم گارد ابن سعود نمودند و ورقه ای به خط و مهر از بنده گرفتند و عودت نمودند.

بنده نیز با سواران سلطان به مقام حضرت حمزه مشرف شدم که در بین راه واقع است. به عمارت و قبّه حضرت حمزه با وجود اینکه چندین ماه است که در تصرف وهابی ها بوده است، ابداً آسیبی نرسیده است، به قبر حمزه نیز دستی نزده اند و روپوش آن موجود و شبکه آهن اطراف آن نیز دست نخورده است، فقط گویا اثاثیه ای که آن جا بوده؛ از قبیل پرده و قالی و چراغ به غارت برده اند. فقط یک نفر از اهل مدینه ذکر می کرد که قبر عقیل نام، از اصحاب پیغمبر را که در جنب مرقد حمزه مدفون بوده است، خراب کرده بوده اند. وهابی ها بعد از اینکه شنیدند بنده برای تحقیق می آیم، دوباره تعمیر کرده اند، لیکن صحت و سقم این قول معلوم نیست.

در هرحال، مقام حضرت حمزه ابداً خراب نشده است، اثاثیه را هم که می گویند به غارت برده اند، تصور نمی شود که چیز مهمی بوده باشد؛ زیرا فدوی در مدینه منوره مرقد حضرت عبداللّه بن عبدالمطّلب، پدر پیغمبر را که زیارت کرده ام، اثاثیه آن فقط عبارت از چند گلیم و قالیچه مندرس و کهنه و حصیر پاره شده و به قدری کثیف و گردآلود بود که انسان متأثر می شد که صریحاً به همراهان

گفتم خیلی اسباب تأثّر است که به مرقد پدر پیغمبر این گونه بی اهتمامی نموده اید و کثیف نگاه داشته اید.

در صورتی که مرقد پدر پیغمبر را با این وضع مشاهده نمودم، تصوّر نمی کنم که مرقد عموی پیغمبر بهتر بوده است و وهابی ها هم اگر غارت کرده اند چیز قابلی نبوده، فقط خود را مفتضح کرده اند.

این بود حقیقت مشاهدات فدوی که عرض شد.

پس از زیارت، به اردوگاه سلطان آمده، دو روز توقف کرده، با پنج نفر تفنگداران مخصوص سوار شتر شده، به طرف مکه رهسپار شدم. شب و روز در حرکت بودیم؛ یعنی شبانه روزی چهارده ساعت در حرکت بودیم. روز هشتم، بعد از ظهر، نیمه جان به مکه معظمه رسیدیم. در راه از آب کثیف ناگوار مبتلا به تب و نوبه شدم که هنوز آثارش باقی است. در وقت عودت یک کجاوه خریده، به تصور اینکه شاید راحت تر باشد، ولی افسوس بعد از دو- سه روز مجبور شدم که بی کجاوه سفر کنم؛ زیرا کجاوه با آن حرکت مخصوص شتر، عذابش بیشتر است.

دو شب و یک روز در مکه مانده، با ابن سعود وداع کرده، با اتومبیل به جده آمدم. چند روزی در جده منتظر کشتی شده، با ملک علی چند ملاقات کرده، بالاخره به سمت مصر و از آنجا به شام آمدم.

ملاقات اخیر با ابن سعود را در ورقه علی حده به عرض می رسانم و همچنین ملاقات با ملک علی را، که بیچاره بالاخره

مجبور به استعفا و هجرت از حجاز شد؛ زیرا مقصود از این راپرت، فقط دادن توضیحات درخصوص مدینه منوره است.

اما این نکته را جسارت می ورزم که در این مسافرت مصایبی که بر فدوی رسید، مرا اقلّا ده سال پیرتر کرده است و علی العجاله نعمتی ظاهری که قسمتم شده است، ضعف و ناتوانی و انحلال قوای جسمانی است و خداوند شاهد است که از صمیم قلب می گویم که فقط روحانیت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بنده را سالم به شام عودت داد، وإلّا بایستی در راه مدینه و مکه هلاک شده باشم و خودم از عودت مأیوس بودم. الحمدللّه فی کلّ حال، ایام شوکت مستدام بادا! (۱)

فدوی- حبیب اللّه هویدا

هویدا در گزارش دیگر خود باز تلاش کرده ابن سعود را از اتهام تخریب قبور تبرئه کند. وی از قول ابن سعود چنین می نویسد:

«... خیلی اسباب حیرت است که مسلمانان عالم فقط برای تخریب چند قبر که قبل از ورود من به دست این بدوی های جاهل مهدوم شده، این همه اظهار غیرت و حمیّت و دردمندی نمودند و در مجامع و منابر و روزنامه ها مرا لعن و تکفیر کردند و عالم را بر من شوراندند و بدنام خواستند ....» (۲)

۱- ۱. اسناد روابط ایران و عربستان سعودی، ص ۴۶.

۲- ۲. همان، ص ۵۴.

نامه عبدالعزیز به شاه

ملک عبدالعزیز در پایان مأموریت حبیب اللَّه هویدا رسماً از او تشکر نموده است. متن نامه وی خطاب به شاه از این قرار است:

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

از عبدالعزیز بن عبدالرحمان الفیصل آل سعود

پادشاه کشور پادشاهی عربستان

به جناب اعلی حضرت رضاشاه پهلوی پادشاه ایران

برادر عزیزم

السلام علیکم و رحمهاللَّه و برکاته

پیام حضرتعالی که حاکی از انتقال جناب آقای حبیب اللَّه خان هویدا کاردار نمایندگی ایران در جده از کشورمان بود، دریافت نمودیم و به این مناسبت لازم است خشنودی خودمان را از مأموریتی که جناب کاردار نامبرده در جهت توسعه روابط و پیوندهای حسنه بین دو کشور انجام دادند ابراز نماییم که این تلاش ها دارای آثار مثبتی بوده است.

فرصت را مغتنم شمرده، برای حضرت عالی آرزوی دوام صحت و برای ملت نجیبتان رفاه و خوشبختی [آرزو] داریم.

این پیام امروز پانزدهم ماه محرم سال هزار و سیصد و پنجاه و سه هجری قمری در کاخ مکه معظمه تنظیم گردید. (۱)

۱- ۱ تاریخ ارسال نامه ۱۵ محرم ۱۳۵۳ ه. ق است.

تلاش برای بازسازی

پس از سلطه وهابیان بر حجاز و ویران ساختن حرم و گنبد ائمه بقیع و دیگر بناهای این قبرستان، شیعیان جهان و خصوصاً مراجع و علمای دینی تلاش ها و اقداماتی برای بازسازی و تعمیر قبور بقیع انجام داده اند.

مظفر اعلم، نماینده دولت ایران در جدّه از سال ۱۳۳۰ ه. ش.

با تشویق و حمایت علمای شیعه کوشش هایی در این راستا داشته است. وی در تاریخ ۲۱/ ۹/ ۱۳۳۰ در نامه ای به شماره ۴۰۲، خطاب به کمیسیون دائمی حج چنین می نویسد:

روز چهار شنبه ششم آذرماه ۱۳۳۰ برای زیارت مدینه منوره به آن جا رفتم. نتیجه مطالعات خود را ذیلًا به عرض می رساند:

۱- وضعیت بقیع بعد از خرابی تمام ساختمان های قبور ائمه اطهار علیهم السلام بسیار دلخراش است و عبارت از قبرستان پست و بلند عمومی است که هیچ فرق و امتیازی بین قبور بزرگان دین و عامّه ناس باقی نیست و اگر توفیق حاصل شود که موافقت اولیای دولت سعودی برای ساختن دیواری با پنجره های آهنی، گرد محوطه مدفن مطهر ائمه هدی تحصیل شود که اقلًا این قبور در میان این چهار دیوار محفوظ بماند، قدم بزرگی در حفظ شعائر اسلام برداشته شده است. امیدوارم در مواقع مقتضی در مذاکره با اولیاء مؤثر و متنفذ، کوتاهی نشود. شاید بتوان فعلًا تا این اندازه حفاظت قبور منظور را، که عبارت از محوطه ای به وسعت ۱۲۰ متر مربع است تأمین نمود و

نیز سایه بانی در مقابل این محوطه مانند سایه بان بین صفا و مروه ساخته شود.

۲- حضرت آقای سید محمدتقی طالقانی که از طرف حضرت آیت اللّه بروجردی برای سرپرستی و هدایت جماعت شیعی مدینه موسوم به نخاوله، که عبارت از پنج الی شش هزار نفر از عناصر کارآمد و مؤثر مدینه می باشند، اعزام شده اند، موقعیت خوبی در میان آن ها احراز نموده و با کمال جدیت مشغول انجام وظیفه می باشند. در این چند روز با استفاده از دید و بازدیدها، ایشان را با مقامات رسمی مدینه مربوط نموده و از همه تقاضا شد لازمه مساعدت را درباره ایشان دریغ ننمایند.

یک روز هم به اتفاق وزیر مختار مصر به بازدید ایشان به تکیه نخاوله رفتیم که جمعی از رؤسای آن ها، آن جا را به طور آبرومندی آراسته بودند و از هردو پذیرایی صمیمانه ای به عمل آمد. فعلًا وضعیت ایشان در مدینه بسیار راحت و خوب و مورد توجه می باشند و الحق از حیث رفتار و اخلاق و متانت نیز بهترین انتخابی بوده است که از طرف حضرت آیت اللّه العظمی به عمل آمده است.

وزیر مختار شاهنشاهی- مظفر اعلم

پاسخ به نامه مظفر اعلم

در پاسخ این نامه، آقای فضل اللّه نبیل، معاون کلّ وزارت امور خارجه و رییس کمیسیون دائمی حج، طی نامه شماره

مورخ ۲۰/ ۱۱/ ۱۳۳۰ شماره ۳۱۳۴/ ۶۷۷۷۳ خطاب به آقای مظفر اعلم چنین می نویسد:

بازگشت به نامه شماره ۴۰۲ مورخه ۲۱/ ۹/ ۱۳۳۰ اشعار می دارد:

۱- راجع به وضع تأسف انگیز قبور ائمه اطهار علیهم السلام در بقیع، که از نزدیک ناظر آن بوده اید، البته آن منظره مایه کدورت خاطر جمیع شیعیان می باشد و امید است با جدیت کامل و کوشش اولیای وقت در مرکز، همان طور که پیشهاد فرموده اند موافقتی از دولت عربستان سعودی تحصیل و آن قبور را از حال فعلی خارج نمایند.

۲- درباره آقای سید محمدتقی طالقانی و اقداماتی که نامبرده در ترویج دین مبین اسلام بین جماعت نخاوله مدینه نموده، اشاره شده بود. این موضوع مایه افتخار ایرانیان و بنابر تذکری که در آخر نامه فوق الذکر داده بودید، به خدمت جناب آیت اللّه العظمی آقای بروجردی معروض گردید و رونوشت آن نیز از نقطه نظر تشویق آقای طالقانی توسط آن سفارت شاهنشانی به ایشان ابلاغ می گردد.

ضمناً به اطلاع جناب عالی می رساند که وصول نامه ۴۰۲ و اقداماتی که برای مشاهده مدینه طیبه و قبور ائمه اطهار در بقیع فرموده بودید، مورد تمجید و تحسین کلیه علاقمندان و اعضای کمیسیون دائمی حج قرار گرفت.

معاون کل وزارت امور خارجه

فضل اللّه نبیل

نامه دوّم مظفّر اعلم

مظفر اعلم در پاسخ به تلگراف شماره ۱۷۸۲ خطاب به وزارت امور خارجه می نویسد:

جده، ۲۷ اسفند ۱۳۳۰

دفتر محرمانه، شماره ۸۲

وزارت امور خارجه

در پاسخ تلگراف شماره ۱۷۸۲ معروض می دارد:

این جانب موضوع بقیع را هیچ گاه از نظر دور نداشته و علاوه بر وظایف و دستورات اداری، وظیفه دینی خود می دانم که تا حد امکان در این باب اقدام و اتمام نمایم و پیوسته درصدد به دست آوردن فرصت مناسبی باشم که این موضوع را با مقامات مؤثر کشور که فعلًا بعد از خود پادشاه، امیرفیصل نایب السلطنه حجاز و وزیر خارجه است در میان نهاده و مذاکراتی را که در زمان سفارت جناب آقای دشتی در قاهره، در این زمینه با امیر معظم له شده و بی نتیجه مانده بود، تجدید نمایم. ولی به طوری که در گزارش محرمانه ۳۰- ۲۵/ ۷/ ۳۰ عرض شده است، در این مدت پنجاه و اندی که این جانب در جده می باشم، معظم له بیش از چند روزی در جده نبوده وپیوسته در ریاض یا در شکارگاه بوده است و فرصت ملاقات ممتد و مناسبی به دست نیامده است. چند روز دیگر عازم ایتالیا است و مقتضی نیست فعلًا با ایشان در این مسائل وارد بحث شویم.

و اما راجع به مذاکرات آقای دشتی هیچ گونه پرونده و سابقه ای در این سفارت نیست، ولی از قرار اظهار آقای آزرمی که در آن مذاکرات حضور داشته است و در گزارشهای قاهره منعکس است، امیر فیصل روی توافقی نشان نداده و متمسک به مشکلات مذهبی و عقیده ای گردیده و اظهار داشته است ممکن است هیئت علمی ایرانی در این زمینه با علمای ما وارد مباحثه شده و آن ها را با ادلّه شرعیه متقاعد نمایند و یا خود، مجاب شوند و نتیجهً عدم امکان این امر را؛ یعنی احیای قبر را خاطرنشان نساخته است و این جانب نیز در مطالعاتی که در این مدت به عمل آورده ام، چنین استنباط کرده ام که علمای وهابی در عقاید خود بسیار متعصب و در امور مذهبی بر هیئت حاکمه مسلط می باشند و تصور نمی رود در زمینه ساختن و پوشانیدن قبور موافقت بنمایند.

ولی به طوری که در آن گزاش عرض شده است، فعلًا در نظر دارم در باب ساختن سایه بانی در بقیع، در مقابل قبور ائمه اطهار علیهم السلام، مانند سایه بان میان صفا و مروه مذاکره نموده، اگر بتوانم تا این اندازه موافقت آن ها را تحصیل نمایم، به عقیده بنده قدم بزرگی خواهد بود؛ زیرا ممکن است در ضمن ساختن چنین سایه بانی، محوطه قبور را هم سنگ فرش نموده، از صورت حالیه خاکی خارج نموده و این مذاکره را در اولین فرصت مناسب با شخص خود امیر فیصل خواهم نمود.

این بود نظریه این جانب در باب مذاکرات بقیع. حال هرطور

دستور می فرمایید از این قرار مذاکره نموده، نتیجه را به عرض خواهم رسانید، لذا خواهشمندم تا قبل از مراجعت ایشان از ایطالی (۱) نظر عالی را ابلاغ نمایید.

گزارش دبیر اوّل سفارت

به دنبال این گزارش، مجدداً در تاریخ ۲۰/ ۱/ ۱۳۳۱ دبیراول سفارت ایران در جده، آقای کاظم آزرمی، گزارشی به این شرح به تهران مخابره می کند:

شماره محرمانه: ۸

تاریخ: ۲۰/ ۱/ ۱۳۳۱

محرمانه

وزارت امور خارجه

در تعقیب گزارش محرمانه شماره ۸۲، مورخ ۲۷/ ۱۲/ ۱۳۳۰ راجع به تعمیر قبور ائمه بقیع علیهم السلام با وجود اینکه هنوز پاسخ گزارش مزبور و دستور مجدّدی در این باب نرسیده بود، چون جریان کار ایجاب می کرد جناب آقای وزیرمختار برای رسیدگی به موضوع اماکن متبرکه مزبور و مراقبت اقدامات اولیای امور، دولت سعودی در اصلاح وضع آن جا به مدینه مشرف شوند، ساعت ۳۰/ ۵ بامداد امروز با هواپیما به آن جا پرواز نمودند. آقای سیدمحمد خزانه

۱- ۱. ایتالیا.

(سیدالعراقین) هم که دو روز قبل به حجاز آمده بودند، به اتفاق جناب آقای اعلم به مدینه رفتند و پس از سه روز توقف در آن جا، مستقیماً به قاهره عزیمت خواهند نمود.

چون امروز پست فرستاده می شد و جناب آقای وزیرمختار مجال دادن گزاش این امر را نداشتند، به بنده دستور فرمودند، جریان را به طور اجمال مطابق دستور معظم له به شرح زیر برای مزید استحضار به عرض برسانم تا خود پس از بازگشت مفصل، جریان را گزارش دهند.

به طوری که در گزارش شماره ۸۲ مورخ ۲۷/ ۱۲/ ۳۰ هم به عرض رسانید، چون انتظار می رفت مذاکره راجع به تعمیر قبور و پوشاندن آن ها به علت تعصب علمای وهابی نجدی به جایی نرسد، لذا همان طوری که در گزارش محرمانه شماره ۵۲ مورخ ۱۷/ ۹/ ۳۰ معروض شده، راجع به بنای دیواری برای محوطه بقیع و تنظیف آن و ساختن سایه بانی درنظر داشته مذاکراتی به عمل آورند و موافقت اولیای امور را به این قسمت جلب نمودند و معتقدند که این عمل، قدم بزرگی در این راه خواهد بود و ممکن است بعداً به یاری خداوند متعال موفق شوند با تغییر اوضاع و احوال، به تدریج قدم های بزرگ تری در این راه بردارند.

به قراری که آقای سیدالعراقین هم اظهار می داشتند، در ملاقاتی که با امیرفیصل نایب السلطنه حجاز و امیرعبدالله فرزند ایشان به عمل آوردند، در این باب مذاکراتی نمودند، به ایشان هم گفته شد که به

ص: ۱۰۲

شهرداری مدینه دستور داده شده است دور قبرستان بقیع دیواری بکشند- که آن را مصون داشته و از وضع فعلی بیرون آورد- سایه بانی هم در آن جا برپا نمایند که زائرین را از آفتاب محفوظ دارد. دبیر یکم سفارت- کاظم آزرمی

گزارش مظفر اعلم

آقای اعلم پس از بازگشت از مدینه، گزارشی به این شرح به تهران مخابره می نماید:

شماره محرمانه: ۹

جده، ۲۵ فروردین ۱۳۳۱

محرمانه

وزارت امور خارجه

پیرو گزارش محرمانه شماره ۸، مورخ ۲۰/ ۱/ ۳۱ راجع به بقیع، خاطر عالی را مستحضر می دارد، چون در باب ساختن سایه بانی از درِ بقیع تا مقابل محوطه قبور ائمه اطهار علیهم السلام مذاکره و موافقت حاصل گردید، روز چهارشنبه بیستم فروردین به اتفاق آقای سیدالعراقین که از کراچی به این جا آمده و مورد پذیرایی دولت سعودی واقع گردیده بودند و در دنباله آن مذاکرات، با امیرفیصل و امیر عبداللّه وزیر کشور نیز ملاقات نموده و آن ها نیز مذاکرات قبلی را تأیید کرده بودند، به مدینه منوره رفته و اوامر هردو امیر را به امیر مدینه ابلاغ و به اتفاق ایشان به بقیع رفتیم و محل را از نزدیک معاینه

نمودیم و قرار شد موضوع ساختن سایه بان به دایره توسعه حرم که مدتی است مشغول خالی کردن و توسعه اطراف حرم مطهر نبوی می باشند، ارجاع گردد که ضمن کارهای جاری خود، موضوع بقیع را نیز انجام دهند.

ضمناً با متصدّیان و مهندسین توسعه حرم شریف و دیگران، جداگانه مذاکره نموده و تأکید شد که فعلًا با ساختن سایه بان شایسته ای حتی المقدور در تنظیف و ترتیب آن محوطه نیز اقدام نمایند.

ظاهراً امیر مدینه که شخص نسبتاً مساعدی است، وعده مساعدت داده است تا در عمل، حقیقت اظهارات و مواعید او معلوم شود و نیز در نظر دارم به مجرد شروع به کار، حاجی رضا نام مهندس ایرانی را که چندین سال در مکه مقیم و مشغول کارهای ساختمانی است و با اغلب رجال مدینه سابقه آشنایی دارد، برای نظارت در کار بقیع به مدینه اعزام دارم که ضمن ساختن سایه بان، اکثر استفاده را برای سر و صورت دادن به محوطه قبور، از قبیل تعمیر دیوار آن و سنگ فرش زمین و اصلاح و مرمّت قبور بنماید که اقلًّا از صورت اسفناک کنونی خارج شود و نیز بین سایه بان و محوطه قبور ائمه اطهار، نرده ای از آهن بکشد که زوار از پشت آن نرده زیارت کنند که از طرف شدن با مستحفظین که مانع دخول در محوطه می باشند اجتناب شده باشد.

درهرحال با تعصّب شدیدی که حضرات راجع به موضوع

قبور نشان می دهند، هر اصلاحی مقدور باشد مغتنم است، فعلًا به سید محسن عمران که از شیعیان است و در دایره مهندسی توسعه حرم شریف مشغول کار است، دستور داده ام، جریان کار را گزارش دهد که در صورت تعلّل و تأثر، مجدداً به امیرعبداللّه مراجعه نمایم.

پاسخ آقای کاظمی وزیر خارجه

آقای کاظمی در نامه ای مورخ ۱/ ۲/ ۳۱ به شماره ۴۹۸ خطاب به سفارت شاهنشاهی ایران در جده چنین می نویسد:

بازگشت به گزارش های شماره ۳۰ مورّخ ۲۵/ ۷/ ۳۰ و ۵۲ مورّخه ۲/ ۹/ ۳۰ و نامه شماره ۸۲ مورخه ۱۷/ ۹/ ۱۳۳۰، موضوع ساختن سایه بان در بقیع مقابل قبور ائمه اطهار، اشعار می دارد:

مذاکرات مقدماتی که برای ساختن سایه بان و گذاشتن دیوار نرده دار با مقامات مربوطه کشور عربستان سعودی به عمل آمده، منظور اصلی را که ساختمان اساسی قبور منوره باشد، تأمین نمی نماید. انتظار می رود که با اقدام جدی و مؤثر و مذاکره با هر مقامی که صلاحیت داشته باشد، موضوع ساختمان اساسی و کامل قبور منوره را فراهم و نتیجه اقدامات خود را سریعاً اعلام فرمایید.

وزیر خارجه- کاظمی

ارسال نامه به کمیسیون دائمی حج

مظفر اعلم در تاریخ ۲۶/ ۱/ ۳۱ در نامه ای به شماره ۸۸، خطاب به اداره کمیسیون دائمی حج در وزارت خارجه می نویسد:

عطف به نامه شماره ۳۱۳۴/ ۶۷۷۷۳ مورخ ۲۰/ ۱۱/ ۱۳۳۰ راجع به وضع تأسف انگیز قبور ائمه اطهار در بقیع اشعار می دارد که:

درنتیجه ملاقات و مذاکرات قبلی با والاحضرت امیر فیصل وزیر امور خارجه و نایب السلطنه حجاز و فرزندش امیرعبداللّٰه وزیر کشور و موافقت ایشان با ساختن سایه بانی از درِ بقیع تا مقابل محوطه قبور ائمه اطهار علیهم السلام، روز چهارشنبه بیستم فروردین ماه جاری به اتفاق آقای سید محمد خزانه (سیدالعراقین) که از کراچی به این جا آمده بود، به مدینه منوره رفته و با امیر مدینه ملاقات نموده، متفقاً به بقیع رفته و محل را از نزدیک معاینه نمودیم. قرار شد موضوع سایه بان را به اداره توسعه حرم مطهر نبوی ارجاع نمایند که ضمن کارهای جاری خود، موضوع بقیع را انجام دهند و با متصدیان و مهندسین و رییس شهرداری و دیگران نیز جداگانه مذاکره لازم به عمل آمد و درنظر دارم به مجرد شروع به کار، آقای حاج رضا مهرآیین، مهندس ایرانی را که مورد توجه والاحضرت امیرعبداللّٰه وزیر کشور می باشد و در مکه و طائف و جده، ساختمان هایی بنا نموده است برای نظارت در کار بقیع به مدینه اعزام دارم که ضمن ساختن سایه بان، اکثر استفاده را برای سر و

صورت دادن به محوطه مزبور، از قبیل تعمیر دیوار و سنگ فرش زمین و در صورت امکان اصلاح و مرمت قبور بنماید که اقلًا از صورت اسفناک فعلی خارج شود و بین سایه بان و محوطه قبور ائمه اطهار، نرده ای از آهن بکشند که زوار از پشت این نرده زیارت کنند و با مستحفظین تماس پیدا نکنند. خواهشمند است مبلغ دویست لیره استرلینگ برای کرایه رفت و آمد و بعضی خرج های مهندس مزبور در اختیار این سفارت بگذارند. البته صورت هزینه آن بعداً ارسال خواهد شد.

وزیر مختار شاهنشاهی- مظفر اعلم

مظفر اعلم همچنین در تاریخ ۳/ ۲/ ۱۳۳۱ طی نامه ای خطاب به دفتر مخصوص شاهنشاهی چنین می نویسد:

پس از موافقت امیرفیصل و پسرش امیرعبداللّه با ساختن سایبانی مقابل قبرهای امامان بقیع و مرمت دیوارهای آن جا، این جانب به نام دولت شاهنشاهی به طور مقتضی تشکر کرده ام، تصور می کنم همین قدر کافی است، گزارش های مربوط را به وزارت امور خارجه تقدیم کرده ام. (۱)

اعلم

۱- ۱. شماره سند ۱۳ و تاریخ ارسال آن ۳/ ۲/ ۱۳۳۱ است.

نامه دوّم

ایشان مجدداً موضوع را از طریق وزارت امور خارجه پیگیری و در شماره ۲۵۷ مورخ ۱۲/ ۳/ ۱۳۳۱ مجدداً در نامه ای که به کمیسیون دائمی حج نوشته چنین می نویسد:

عطف به نامه شماره ۳۱۳۴- ۶۷۷۷۳ مورخ ۲۰/ ۱۱/ ۱۳۳۰ اشعار می دارد که چندی است از والاحضرت امیرعبداللّه فیصل (کفیل نیابت سلطنت حجاز و وزیر کشور و بهداری) نامه ای به عنوان امیر مدینه منوره گرفته شده که در آن سفارش گردیده که با آقای حاج رضا مهرآیین، مهندس ایرانی، هرگونه کمک و همراهی شود تا در ساختن سایه بان و دیوار بقیع از هنر و مهارت او استفاده گردد. ولی هنوز اعتباری که معادل دویست لیره استرلینگ در نامه شماره ۸۸ مورّخ ۲۶/ ۱/ ۱۳۳۱ برای مخارج مربوط به این قسمت خواسته شده بود، نرسیده و در انتظار رسیدن وجه مزبور می باشیم. امیدواریم در ارسال وجه مذکور تسریع گردد تا از این فرصتی که پیش آمده، استفاده شود و اقدامات لازم برای ساختن سایه بان و دیوار بقعه مبارک به طور آبرومندی به عمل آید.

وزیر مختار شاهنشاهی- مظفر اعلم

ایجاد سایبان کافی نیست

آقای کاظمی وزیر امور خارجه وقت، در نامه دیگری خطاب به سفارت ایران در جده می نویسد:

بازگشت به نامه محرمانه شماره ۹ مورخه ۲۵/ ۱/ ۱۳۳۱ راجع به تعمیر قبور ائمه اطهار علیهم السلام و ایجاد سایه بان در بقیع، با اظهار قدردانی از زحماتی که در این زمینه، از طرف آن سفارت شاهنشاهی و جناب آقای مظفر اعلم به عمل آمده است، می نگارد:

به طوری که استحضار دارند، تعمیر قبور بقیع مورد علاقه مخصوص عموم ایرانیان بوده و همواره تقاضا دارند اقدامات مؤثری در این زمینه بشود، ولی البته تصدیق می فرمایند که اگر پس از این همه کوشش و فعالیت و اقدام، اکنون فقط به ایجاد سایه بان که آن هم معلوم نیست به چه نحو ساخته خواهد شد قناعت شود، نظر آقایان علمای عظام تأمین نشده و قطعاً مراجعات محافل مزبور به وزارت امور خارجه ادامه خواهد داشت.

بدیهی است وزارت امور خارجه از اشکالات کار و مخالفت های اساسی اولیای امور دولت عربی سعودی استحضار دارد و به خوبی آگاه است که همین موفقیت در ساختن سایه بان نیز، در اثر کوشش های آن سفارت شاهنشاهی حاصل شده است. ولی به نظر وزارت امور خارجه، بهتر است اقدامات سابق تعقیب و سعی شود مقامات مربوطه دولت عربی سعودی با تعمیر قبور ائمه اطهار علیهم السلام و ایجاد ساختمان آبرومندی در بقیع موافقت نمایند.

در هر صورت لازم است قبل از شروع ساختمانِ سایه بانِ

مورد بحث، اطلاعات بیشتری راجع به آن و حتی الامکان نقشه سایه بان مذکور را به وزارت خارجه ارسال نمایند.

ضمناً توجه آن سفارت شاهنشاهی را به این نکته جلب می نماید که آقای سیدالعراقین به هیچ وجه سمتی نداشته و سفارت شاهنشاهی باید از دخالت ایشان در این امر جداً جلوگیری نماید.

وزیر امور خارجه- کاظمی

ملاقات مظفر اعلم با امیر عبداللّه فیصل

وزیر مختار ایران در دیدار ۱۷/ ۲/ ۱۳۳۱ خود با کفیل نیابت سلطنت حجاز آقای امیرعبداللّه فیصل موضوع بقیع را پیگیری نموده، گزارشی به این شرح به وزارت امور خارجه در تهران مخابره می کند:

وزارت امور خارجه- اداره اول سیاسی

پیرو گزارش محرمانه شماره ۱۷ مورخ ۱۶/ ۲/ ۱۳۳۱ اشعار می دارد که عصر چهارشنبه ۱۷ ماه جاری، بنا به تعیین وقت قبلی با والاحضرت امیرعبداللّه فیصل کفیل نیابت سلطنت حجاز و وزیر کشور و بهداری ملاقاتی دست داد. در این ملاقات موضوع اعزام آقای حاج رضا مهرآئین مهندس ایرانی از طرف سفارت برای نظارت و راهنمایی در ساختمان دیوار و سایبان بقیع از نو مطرح و مورد تأیید

ایشان واقع گردید و قرار شد سفارشی به اولیای امور محلی مدینه منوره بنویسند تا وسایل تسهیل کار آقای حاج رضا مهندس را فراهم کنند.

راجع به کمک ملت ایران به این ساختمان، با وجود این که این جانب پیش بینی می نمودم که بعید است چنین تقاضایی پذیرفته شود و سابقه تعمیر و مرمت حرم مطهر حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که اعلی حضرت ملک عبدالعزیز بن السعود حاضر نشد اعانه و کمک مصری ها و سایر مسلمانان جهان را قبول کند، این ظن و پیش بینی را تقویت می کرد، مع ذلک احساسات پاک هم میهنان را در این باره تشریح نمودم و بیان داشتم که چقدر مایه مسرت و سرافرازی ایرانیان می شود که بتوانند در این عمل خیر کمک کنند.

والاحضرت امیرعبداللّه در پاسخ فرمودند: این کار کوچک است و ارزش کمک را ندارد و ما همه در این جا خدمتگزاران عالم اسلام هستیم و پول ما و پول شما با هم فرقی ندارد و امیدواریم در کارها و نقشه های بزرگ تری بتوانیم از کمک های بی دریغ ملت ایران برخوردار شویم و بدین ترتیب با لحن مؤدبانه و آراسته ای از قبول پیشنهاد ما معذرت خواستند.

پس از این ملاقات، نامه شماره ۴۳۲/ ۵۳۷۶ مورخ ۱۶/ ۲/ ۳۱ که مبنی بر تقدیر از کوشش های این سفارت و ترغیب و تشویق در احراز موفقیت های بیشتری در این باره بود

رسید، این جانب با اظهار تشکر و امتنان بی پایان از طرف خود و کلیه کارمندان این سفارت، از این ابراز توجه و تقدیر معروض می دارد که این سفارت با استفاده از فرصت و مواقع مناسب، کوشش های مداوم خود را در این راه ادامه خواهد داد تا حتی الامکان نتیجه بهتر و بیشتری گرفته شود.

ولی به عقیده این سفارت بهتر است برای احتراز از تحریک احساسات تعصب آمیز وهابی ها و علمای نجد، حتی المقدور در اطراف این موضوع کمتر صحبت شود و کمتر گفت و گوی آن در مطبوعات و رادیوها منعکس گردد.

راجع به ارسال نقشه دیوار و سایه بان که درنظر است ساخته شود، چون آقای حاج رضا مهندس ایرانی از طرف این سفارت در تهیه نقشه مذکور شرکت خواهد کرد، از این رو به دست آوردن و ارسال نقشه ساختمان مذکور اشکالی نخواهد داشت، فعلًا این سفارت منتظر رسیدن اعتبار دویست لیره ای است که برای این منظور از کمیسیون حج خواسته است و برای این که فرصت از دست نرود، بهتر است که از محل موجودی کمیسیون دائمی حج یا از هر محل دیگری که میسر باشد، در ارسال وجه مزبور تسریع شود تا بلکه به محض صدور حکم و توصیه از طرف والاحضرت امیرعبداللّٰه بتوان آقای مهندس را برای منظور فوق به مدینه منوره اعزام نمود. (۱)

۱- ۱. شماره سند ۲۱- محرمانه و تاریخ ارسال آن ۲۳/ ۲/ ۱۳۳۱ است.

انعکاس خبر بازسازی

انتشار خبر بازسازی بقیع، موجب خوشحالی علما، مراجع و شیعیان گردیده، برخی مطبوعات عراق اقدام به درج آن کردند و رادیو ایران نیز خبری در این زمینه منتشر کرد.

مرحوم آیت اللّه حسن سعید، آقازاده مرحوم آیت اللّه میرزا عبداللّه چهل ستونی که سال ها در مسجد جامع تهران (مسجد امام فعلی) اقامه نماز جماعت می کرد و در آن تاریخ، حدوداً سه سال بود که در نجف مشغول به تحصیل بود، در ۲۳ رجب سال ۱۳۷۱ ه. ق. در این رابطه نامه ای به این شرح خطاب به مظفر اعلم نوشته است:

بسم اللّه الرحمن الرحیم

به عرض می رساند مرقومه ای از جناب حجهالاسلام آقای طالقانی زیارت گردید که حاکی بود از تشرّف جناب عالی به مدینه منوره و صدور قرار برای ساختمان سایه بان و دیوار جهت ائمه بقیع و حقیقتاً این خبر، مسرت و سروری در جامعه علمی و دینی نجف ایجاد نمود که کم سابقه بود و چقدر جای خوشبختی است در این موقع که حضرت عالی به عنوان سفارت تشریف برده اید، این خدمت شایان را انجام داده و این موفقیت قابل تقدیر برای جامعه تشیع مخصوصاً ملت ایران که همیشه پرچمدار ولای اهل بیت علیهم السلام

بوده به وجود آمده است و راستی این بزرگ ترین سعادتی است که برای شخص جناب عالی، خصوصاً و کسانی که در این راه سعی و کوشش نموده اند عموماً، پیش آمده و ان شاءاللّه روزی همان اعتقاد کاملی که در کمون ذات جناب عالی موجود است، سعی بلیغ فرموده که از این فرصت حداکثر استفاده به دست آید و قلوب شیعه که سال هایی است جریحه دار گشته، التیام پذیرد و جامعه تشیع مخصوصاً، ملت ایران در سایه توجهات ائمه اطهار علیهم السلام به اوج عظمت و رفعتی که در خور است نایل آید.

حضور جناب علّامه جلیل آقای حاج سیدالعراقین که در این کار اقدامات مؤثری نموده و زحماتی بر خود هموار ساخته اند با عرض سلام و ارادت تبریک، موفقیت کامل معظم له را خواستار، در خاتمه دوام عزت و سعادت آن جناب را از درگاه حضرت باری تعالی مسألت. با تقدیم احترامات فائقه.

ضمناً بنا به اشاره جناب آقای طالقانی، با مراجع تقلید و بزرگان از علمای نجف مذاکراتی به عمل آمده که تلگرافات و مکاتیبی به عنوان تشکّر از دولت سعودی در خصوص این عمل بشود، مضافاً بر تشکراتی که از اولیای امور دولت ایران می گردد و قرار شد که پس از شور، ترتیبی اتخاذ شود و چون ممکن است دولت سعودی اشخاص آن ها را تطبیق نموده، اعادی تلقی نمایند، لذا مستدعی است مقرر فرمایید مراقبت فرمایند که رعایت احترامات لازمه بشود. به تهران

هم مکـاتیبی نوشـته شـده و تصور می رود اقـداماتی بنماینـد و تلگرافـات یـا نـامه هایی بنویسـند، ولی تظاهرات عمومی به بعد موکول گردیده است. ادام اللّه بقائکم

نجف ۲۳ رجب ۱۳۷۱ ه.

حسن سعید

نامه مرحوم آیه اللَّه العظمی حکیم رحمه الله

مرحوم آیت اللَّه العظمی آقای سید محسن حکیم، از مراجع بزرگ حوزه علمیه نجف نیز در تاریخ اول شعبان ۱۳۷۱ ه. ق، نامه ای در این زمینه مرقوم فرموده و از خبر بازسازی بقیع اظهار خرسندی می کنند. متن نامه به خط آیت اللَّه حسن سعید است که احتمالًا وی آن را نوشته و مرحوم آقای حکیم آن را مهر و امضا کرده اند و یا آنکه آقای حسن سعید نامه را به فارسی ترجمه و با خط خود آن را نوشته است.

متن نامه به این شرح است:

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

به عرض عالی می رساند ان شاءاللَّه مزاج شریف سلامت است و توفیقات ربانی شامل حال می باشد. مرقومه ای از جناب مستطاب عمده العلماء الاعلام، ملاذ الاسلام آقای حاج سید محمدتقی طالقانی- دام عزّه- واصل شده که بحمداللَّه والمنّه موضوع تعمیر قبور ائمه بقیع علیهم السلام به صورت بناء مظلّه و تعمیر حائط، مورد تصویب دولت قرار گرفته و شروع به عملیات نموده اند.

بی نهایت این خبر در قلوب شیعه ایجاد بهجت و سرور نموده و حقیقتاً از همه جهت سزاوار است که جامعه تشیع اظهار شادی نماید که خداوند متعال آن ها را موفق به چنین خدمتی نموده است. خداوند به کسانی که در طول این مدت

طویـل، برای انجـام این کـار قـدم برداشـته انـد اجر جزیـل عنـایت فرمایـد و سـرکارعالی که در این راه خـدماتی انجـام داده و بحمـداللّٰه توفیق پیـدا کرده، که در موقع تصـدّی جناب عالی این موضوع صورت عملی به خود گیرد، طول عمر عنایت فرماید که همیشه خدمات شایانی به شرع و متدینین بفرمایید و سعادت دارین را حاصل نمایید.

ضمناً چون این امر مورد علاقه جامعه شیعه، بلکه مسـلمین است و باید کاملًا مورد دقت قرار گیرد تا به خواست خداوند متعال به صورتی که در خور مقام معصومین است درآید، لذا جمعی از علما و مؤمنین درخواست نمودند که علاوه بر اظهار تشـکری که از دولت و اولیـای امـور دولت علّیه ایران می شـود، تلگرافـات و مکـاتیبی به عنـوان دولت سـعودی مخـابره گردد تـا جلب عواطف آن ها نیز گردیده و در آینده بتوان از مساعدت آن ها اسـتفاده نمود. بعضـی هم معتقد بودند که فعلًا زود است، چون علما و مراجع بایستی در خاتمه عمل اقـدامی به عنوان تشـکر به عمل آورند، لذا بنا بر این شد که از جناب عالی اسـتفسار شود که شـرح مفصـل و طرز ساختمـان را با هرگونه اقـدامی که مقتضـی می دانیـد که با وضـعیات محلّی و طرز فکر مطابقت دارد، مرقـوم داشـته و خـاتمه ساختمـان فعلی را اعلاـم فرمـوده تـا آن چه میسـور است عمـل شود، بلکه به خواست خداونـد متعـال و توجهـات ائمه اطهـار علیهم السـلام رفع این نگرانی عمومی شـده و با حسن درایت و تـدبر آن جناب به صورت مطلوبی خاتمه پیدا کند. توفیقات

جناب عالی را از پروردگار مسألت دارم.

فعلًا هرگونه ابراز تشکری که صلاح است از طرف این جانب و جامعه روحانیت از دولت و کسانی که در این کار شرکت داشته اند معمول فرمایید، موجب دعاگویی است.

محسن الطباطبایی الحکیم

شنبه، غرّه شعبان ۱۳۷۱ ه. ق

متن نامه آیهاللّه حکیم

پاسخ مظفّر اعلم به آیت اللّه حکیم قدس سره

آقای مظفر اعلم در تاریخ ۱۶ شعبان المعظم ۱۳۷۱ در پاسخ به نامه مرحوم آیت اللّه العظمی سید محسن حکیم چنین می نویسد:

به عرض عالی می رساند:

نامه مورخ ۲۹/ ۱/ ۳۱ غرّه (یکم) شعبان ۱۳۷۱ جناب عالی که دایر بر قدردانی از اقدامات برای ساختن سایبان جلو قبور مطهر ائمه اطهار بقیع علیهم السلام بود، موجب نهایت امتنان و تشکر گردید، این جانب وظیفه دینی خود می دانم که نهایت کوشش و جدیت را در این باره مبذول نمایم تا به یاری خداوند متعال بعدها وضع قبور ائمه اطهار علیهم السلام به صورت رضایت بخش درآید. و من اللّه التوفیق و علیه التکلان.

اینکه جمعی از علما و مؤمنین می خواهند تلگرافاً یا کتباً از دولت عربی سعودی قدردانی بفرمایند، ابداً صلاح نیست و خواهشمندم به آن ها بفرمایید که چنین کاری نفرمایند؛ زیرا موضوع را بکلّی از بین می برد و اقدامات سابق را بلااثر می گذارد، چه، وهابی ها با تشیید (۱) قبور مخالف هستند.

این جانب از اولیای امور دولت عربی سعودی در موقع مناسب به طور مقتضی تشکر خواهم نمود و همین روزها

۱- ۱. ساختن بنا بر قبور.

یک نفر مهندس ایرانی را به مدینه می فرستم که نظارت نماید تا سایه بان به طور خیلی آبرومند برپا شود.

امیدوارم ادعیه جناب عالی و حضرات علمای اعلام و مؤمنین در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برای این جانب بهترین موفقیت در امور خیریه نصیب نماید.

والسلام علیکم و رحمهاللّٰه و برکاته

مظفر اعلم

مظفر اعلم پاسخی نیز مشابه آن چه برای مرحوم آیت اللّٰه العظمی آقای سید محسن حکیم رحمه الله فرستاده بود، برای مرحوم آیت اللّٰه سید حسن سعید ارسال داشته است.

نامه مرحوم آیت اللّٰه سید هبهالدین شهرستانی

مرحوم آیت اللّٰه سید هبهالدین شهرستانی نیز در تاریخ ۳۰ شعبان ۱۳۷۱ ه. ق. از بغداد نامه ای خطاب به مظفر اعلم نوشته و چنین مرقوم نموده اند:

پیوسته از درگاه ایزدی مزید عزّت و خورسندی و دوام سلامتی و سعادتمندی را برای آن دوست بزرگوار، صمیمانه خواستار و از قصور یا تقصیر در عریضه نگاری و سپاسگزاری شرمسار و در اعتذار شهداللّٰه و کفی به شهیدا، غالباً به ذکر خیر و یاد خوش آن جناب مترنم و از طول فراق متألّم، مخصوصاً از اسناد این وظیفه با اینکه

خیلی شریفه و کثیرهالنفع است و عموم اسلامیان و خصوص ایرانیان ... (۱) ولی چون آب جده و حجاز ملایم با مرض ترش معده نیست، نگران مانده ام و منتظرم یک ساعت زودتر یا حضرت عالی به بغداد تشریف فرما شوید و یا اینکه بنده به تهران برسم و حقاً بدانید که در این چندماهه مخلص مریض و بستری، به علاوه چند مانع دیگری که قادر بر مراسله نبوده و همین حال مرا در مکاتبات احباب مقصر نموده تا آن جا رسیده که جناب اشرف عالی، در کارت آقامحمدتقی شهرستانی قصور داعی را به کم لطفی تعبیر فرموده و همین علالت و کسالت مزاجم باعث عدم اجابت آقایان پاکستانی گردیده، که نتوانستم دعوت های آن ها را اجابت نمایم و در این مرحله اخیره، مخلص زاده سید جواد را به عوض خود فرستاده و بایستی امشب با طیاره آن ها عودت نماید و در مرحله پیش از این، جناب آقای کاشف الغطا را فرستادیم، ولی افسوس که خیلی برخلاف میل مردم آن جا و مردم این جا سلوک فرموده اند، اگرچه در مراجعتشان ما را امیدوار فرمودند که استحصال اذن تعمیر بقیع شریف را به واسطه سفیر سعودی، عبدالحمید خطیب و نوشته رسمی او به پادشاه حجاز و ... لیکن با کمال تأسف رییس وفد ایرانی به سوی پاکستان، یعنی آقای حاج میرزا خلیل کمره ای تصریح نمودند که از سفیر سعودی مشارالیه

۱- ۱. نقطه چین مربوط به نویسنده نامه است.

تحقیق این معنی را نمودیم، قسم یاد نمود که من هرگز به دولت متبوعه خودم یا به غیر آن ها چیزی در این باب ننوشته ام و ممکن نیست بنویسم؛ زیرا که خلاف مذهب آن ها است و اگر چنین توسطی بنمایيم تولید اشکال برای من خواهد نمود، سپس گفت که شخصی با کاشف الغطا بود (یعنی سیدالعراقین) درخواست نمود با اصرار شیخ که سفارشی برای اکرام و احترام شخص او بنویسم، من هم مانعی ندیده نوشتم و به او دادم.

خلاصه، این سوء تصرّفات سیدالعراقین و نشریات و تنویهات او خرابی و انقلابی تولید کرده که دود و شراره این آتش دنباله های بدی دارد و در هرجا با حضرت شیخ متفقاً استشهاد به مراسلات و بیانات ملازمان حضرت عالی و عکس و منقولات مزّیفه و ... و ... (۱) می نمایند (تا چه شود).

باری، آقایانی که از عمره رجبیه رجعت نمودند؛ خصوصاً آقای شیخ العراقین و آقا سید ابراهیم شهرستانی، اسرار سیدالعراقین را فاش و حقایق را بر همه روشن ساختند و توجهات عالیه را نسبت به داعی و خدمات جلیله آن جناب را نَقل و نُقل مجالس نموده اند و ضمناً بشارت تشریف فرمایی موکب عالی را به مخلص داده اند، خواهشمندم که ورود حضرت عالی در بنده منزل که منزل خودتان است قرار فرمایید و مانند وعده سه سال قبل تخلّف نشود، دوستان

۱- ۱. نقطه چین ها مربوط به متن نامه است.

همه به عرض ارادت مترنم با مخلص.

در حاشیه آمده است:

جناب آقای سفیر کبیر ایران، حسین قدس نخعی، به عرض اخلاص و سلام بالاختصاص و ذکر محامد و مناقب جناب عالی رطب اللسان و خانواده با تمام مخلص زادگان به عرض دستبوسی مصدّع اند.

هبهالدین الحسینی الشهرستانی

۳۰ شعبان ۱۳۷۱

پاسخ به نامه مرحوم آیهاللّه شهرستانی

مظفر اعلم در تاریخ شنبه ۲۹ رمضان ۱۳۷۱ برابر با ۱/ ۴/ ۱۳۳۱ در پاسخ، نامه ای خطاب به آیت اللّه آقای سید هبهالدین شهرستانی نوشته و پس از تعارفات می نویسد:

چندی قبل، أعلی رقیمه کریمه شرف وصول بخشید، از الطاف و سجایای کریمه جناب عالی همیشه سپاسگزار هستم. امیدوارم بعد از ادای فریضه حج، زیارتی نصیب ما شود که چند روزی به زیارت عتبات عالیات و تجدید دیدار حضرت آیت اللّه موفق شوم. راجع به بنای سایه بان در برابر قبور ائمه بقیع علیهم السلام به طوری که مستحضر هستند، آقایان با انتشارات بی اساس خود موضوع را متزلزل کردند، باز مأیوس نیستم و با نهایت جدیت، کوشش می کنم که سر و وضعی به آن جا داده شود ومطمئن هستم دعای علمای اعلام

ومؤمنین وصالحین درپایان مرا موفق به این امر خیر خواهد نمود. لطفاً سلام وافر خدمت آقازادگان عزیز برسانید.

التماس دعای مخصوص دارم والسلام خیر ختام مظفر اعلم

تصویر نامه مرحوم آیهاللّه سید هبه الدین شهرستانی

ص: ۱۲۴

تصویر نامه مرحوم آیهاللّٰه سید هبه الدین شهرستانی

ص: ۱۲۵

تصویر نامه مرحوم آیهاللّٰه سید هبه الدین شهرستانی

ص: ۱۲۶

تصویر نامه مرحوم آیهاللّه سید هبه الدین شهرستانی

نامه وزیر دربار

علاء، وزیر دربار نیز در تلگرافی در تاریخ ۳/ ۲/ ۱۳۲۱ به مظفر اعلم می نویسد:

از قراری که جناب آقای سید محمدتقی نماینده حضرت آیت اللّٰه آقای بروجردی به معظم له اطلاع داده اند، دولت عربی سعودی درصدد است سایه بانی برای قبرهای امامان بقیع ایجاد نماید. خواهشمند است معلوم فرمایید از طرف دولت عربی سعودی چه اقدامی در این باب معمول گردیده و چه عملی از تشکر و تقدیر مناسب است که از طرف مقام سلطنت در مقابل انجام این امر از اعلی حضرت ملک ابن سعود به عمل آید؟ زودتر اطلاع دهید.

وزیر دربار شاهنشاهی، علاء

مظفر اعلم گزارشی از اقدامات انجام شده برای وزیر دربار ارسال می دارد، امّا از آنجا که علاء، به صورت شفاف و روشن پاسخ خویش را دریافت نمی کند لذا در تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۵۲، مطابق با ۸/ ۲/ ۱۳۳۱ مجدداً در نامه ای خطاب به اعلم چنین می نویسد:

جناب آقای اعلم- جده-

فعلًا که موافقت با ایجاد سایه بان شده است، اقدام فرمایید که از طرف ایرانیان هزینه آن پرداخت شود و اعلی حضرت

همایونی شاهنشاهی به اعلی حضرت ابن سعود چنین پیشنهاد بفرمایند وگرنه، لااقل تحت نظر ایران، سایه بان به شکل آبرومندی درست شود. صریحاً نظر بدهید آیا اقتضا دارد که چنین تقاضایی از طرف پیشگاه بشود یا نه؟ و کار تا چه اندازه پیشرفت دارد؟

هزار و سیصد و هفت

وزیر دربار شاهنشاهی، علاء

اعلم پاسخ می دهد که چنین پیشنهادی صلاح نیست و با آن موافقت نمی کند.

دولت سعودی تکذیب کرد

انعکاس خبر بازسازی بقیع و عدم رازداری و بی ظرفیتی برخی افراد و انتشار این خبر در رادیو و مطبوعات، موجب شد تا دولت سعودی بلافاصله عکس العمل نشان داده، آن را تکذیب نماید.

مظفر اعلم در این باره می نویسد:

شماره دفتر محرمانه: ۱۱

تاریخ ۹/ ۲/ ۱۳۳۱

محرمانه

وزارت امور خارجه

پیرو گزارش محرمانه شماره ۹، مورخ ۲۵/ ۱/ ۱۳۳۱ به عرض می رساند که، بعد از ارسال گزارش سابق، باز هم فرصتی حاصل

گردیـد و با والاحضـرت امیرعبداللّه فیصل، کفیل نیابت سـلطنت حجاز در مورد توجه به بقیع و ساختن سایه بان در مقابل قبور ائمه اطهار علیهم السـلام مـذاکره شد و ایشان وعده دادند که اقدامات مربوط به این امر به نحو عاجل شـروع شود و به مقامات محلّی دسـتور دهنـد که در هنگام شـروع کار با نماینـدگانی که از طرف سـفارت برای مشاهده و کمک و راهنمایی می روند همراهی نماینـد و نظرات و راهنمـایی آنـان را مورد توجه قرار دهنـد و در آن روز هم حضـرت آقای سـید محمـدتقی طالقانی برای رفتـن بـه مکـه معظمـه و ادای عمره مفرده، بـه جـدّه تشــریف آورده بودنـد و بـه ایشـان مژده داده شـد کـه والاحضــرت امیرعبـداللّه نهـایت حسن نیت و مساعـدت را دربـاره این موضوع نشان می دهنـد. ولی از شـنیدن این خبر در رادیو تهران، این نگرانی به وجود آمـد که مبـادا انتشـار و پراکنـده شـدن خبر این موضوع در رادیو و مطبوعات خارجی موجب شود که علمای متعصب ریاض و وهابی های دوآتشه، درصدد منصرف نمودن دولت سعودی از اجرای این تصمیم برآیند.

و نیز از آمدن آقای سـید محمد خزانه (سیدالعراقین) به حجاز و فعالیت ایشان درباره همین موضوع، این بیم و نگرانی می رفت که مبـادا ایشـان در حجـاز یـا در خارج، اظهاراتی [نماینـد] که با سـیاست دولت عربی سـعودی سازش نداشـته باشـد و موجب انصراف دولت مذکور از همین اندازه همراهی جزئی گردد.

و باید در ضمن این را هم به عرض برساند که مشارالیه،

داوطلب رفتن به ریاض و ملاقات اعلی حضرت ملک ابن سعود گردیدند، ولی مقامات سعودی در جده به نحو احسن به ایشان فهماندند، که بهتر است از این عزم منصرف شوند، تا مبادا رفتن ایشان به ریاض مایه ایجاد بعضی گفتگوهای مذهبی گردد.

سپس تلگرافی از جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی رسید که در آن استفسار شده بود چگونه در این باره از اولیای دولت سعودی سپاسگزاری به عمل آید.

در پاسخ به عرض رسید که: سفارت خود تشکر کرده و بهتر است فعلًا به همین اندازه اکتفا شود (رونوشت متن تلگراف و پاسخ آن به پیوست است).

این جانب از وزارت دربار شاهنشاهی و از جناب آقای علاء نهایت تشکر و امتنان را دارم که قبل از هرگونه اقدامی از شخص مسؤول مقیم این جا، که از نزدیک شاهد جریان است و درنتیجه وقوف کافی به حقیقت امر دارد، مشورت فرمودند و اتفاقات بعدی که در ذیل به عرض می رسد ثابت نمود که این مشورت تا چه اندازه عمل صائب و به جایی بوده و موجب حفظ ارزش و احترام و اهمیت فوق العاده اقدامات دربار همایون شاهنشاهی گردیده است.

باری، متأسفانه بالاخره آن چه بیم آن می رفت واقع شد، بدین ترتیب که گویا آقای سیدالعراقین پس از مسافرت از حجاز، در عراق اظهاراتی نموده اند که موضوع را بزرگ تر از حقیقت واقع جلوه گر ساخته اند و مطبوعات عراق هم خبر مذکور را با شاخ و

برگ زیاد منتشر نموده اند و درنتیجه دولت عربی سعودی از ترس و ملاحظه اعتراض و انتقاد وهابی ها و علمای ریاض مبادرت به تکذیب خبر نموده است.

(متن تکذیب که با لحن خشکی صادر شده، با ترجمه آن به پیوست گزارش تقدیم می شود).

اکنون بیم آن می رود که مبادا دولت سعودی حتی از ساختن سایه بان در مقابل قبور ائمه علیهم السلام و برپا کردن دیوار ولو برای مدت موقّتی خودداری کند و بدین ترتیب دخالت اشخاص غیر مسؤول، زحمات کوشش های یک سفارت خانه را درباره موضوعی که مورد توجه مسلمانان جهان، خصوصاً ملت ایران و دولت شاهنشاهی است برباد دهد.

البته این جانب سعی بلیغ خواهد نمود که این اتفاق غیرمترقبه در جریان توافقی که حاصل شده مؤثر نگردد و مقامات سعودی از ساختن سایه بان و دیوار برای بقیع منصرف نشوند، لیکن اطمینان ندارد که مساعی ما در حال حاضر منتج نتیجه عاجل شود و شاید همان طور که احتمال داده می شود، کار ساختمان به تعویق افتد.

امید است که حسن نیت والاحضرت امیرعبداللّه و نظر مساعد ایشان به جلوگیری از توسعه عکس العمل تکذیب مذکور کمک کند.

دیروز تلگراف دیگری نیز از جناب آقای علاء وزیردربار شاهنشاهی در این باره رسید که رونوشت متن آن به پیوست و

واضح است که با جریان های اخیر، دیگر نمی شود فعلًا درباره این موضوع پیشنهاد جدیدی داد، یا اقدام تازه ای نمود و باید منتظر روشن شدن نظر قطعی دولت سعودی نسبت به این امر گردید و کوشش کرد که نقشه و تصمیم سابق به هم نخورد.

وزیر مختار شاهنشاهی- مظفر اعلم

رونوشت نامه بالا، عطف به تلگراف ۱۰۳ برای استحضار وزارت دربار شاهنشاهی تقدیم می شود تا از اتفاقات جدیدی که دراین باره رخ داده و وضع فعلی، امر استحضار حاصل فرمایند.

متن تکذیب نامه

سرانجام این نگرانی تحقّق یافت و دولت سعودی رسماً خبر ترمیم و تعمیر و یا احداث ساختمان در قبرستان بقیع را تکذیب کرد.

متن تکذیبیه در تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۵۲ مطابق با ۷/ ۲/ ۱۳۳۱ در روزنامه شماره ۱۱۷۱ روزنامه البلاد سعودی چاپ مکه مکرمه منتشر گردید.

روزنامه البلاد السعودیه چاپ مکه معظمه

شماره ۱۱۷۱- ۲۷ آوریل ۱۹۵۲ (۷/ ۲/ ۱۳۳۱)

متن عربی

اشاده قبور ائمه البقیع

انتشرت بعض الصحف العراقیه واذاعت بأنّ جلاله الملك

المعظم قد وافق على اشاده قبور ائمه البقيع و أنّه قد بوشر فعلًا بالبناء فيها ذلك بناء على المساعى التى بذلها محمد حسين كاشف الغطاء بواسطه سيد العراقين الذى سافر من النجف إلى الحجاز مزوّداً بتوصيات الشيخ كاشف الغطاء و الحكومه العربيه السعوديه، إذ تكذّب هذا الخبر تكذيباً قاطعاً تؤكد بأنّها لاتوافق على أمر يخالف الدين الإسلامى الحنيف و أوامر الرسول- صلى اللّه عليه و سلم- و ما كان عليه السلف الصالح.

ترجمه فارسی

تعمیر قبور ائمه بقیع

بعضی از روزنامه های عراق انتشار و شهرت داده اند که اعلی حضرت با تعمیر قبور ائمه بقیع موافقت کرده اند و از هم اکنون کار تعمیر و ساختمان آغاز گردیده است و این را نتیجه فعالیت های محمد حسین کاشف الغطاء به توسط سیدالعراقین که با سفارش های شیخ کاشف الغطاء از نجف به حجاز آمده بوده است دانسته اند. دولت عربی سعودی در حالی که این خبر را جداً تکذیب می نماید، تأکید می کند او با امری که مخالف دین حنیف اسلام و دستورهای حضرت پیغمبر- صلی اللّه علیه و سلم- و طریقه سلف صالح است موافقت نمی کند.

نامه آقای سید ابراهیم شهرستانی

آقای سید ابراهیم شهرستانی نیز خطاب به مظفر اعلم می نویسد:

مقام منیع محترم حضرت مستطاب اجلّ اکرم عالی آقای مظفر اعلم- دامت شوکته-

به عرض عالی می رسانم:

لایزال دوام عزّ و شوکت و صحت و سلامتی وجود ذی جود محترم حضرت عالی را از درگاه احدیت جلّ اسمه خواهانم، به جاه محمد و آله الطاهرین علیهم السلام.

بعداً آنکه لسان و قلمم الکن و قاصر است از آنکه بتوان شکر و امتنان از توجهات و مراحم مبذوله از ناحیه حضرت عالی را، نسبت به این دعاگوی صمیمی بنمایم و از زمان ورودم به عراق، در جمیع مجالس و محافل مترنم به اخلاق حسنه آن بزرگوار بوده و می باشم.

قضیه تعمیر بقعه بقیع بغرنج عجیبی شده، آنچه مشاهداتم بود بیان کرده ام و لیکن از ناحیه حضرت آقای کاشف الغطا- دامت برکاته- به اغراء و تجاهلات سیدالعراقین در نجف و جاهای دیگر، انتشاراتی و بیانیه ای پخش شده، البته تکذیب حکومت سعودی را ملاحظه نموده اید، لذا نسخه ای از بیانیه آقای کاشف الغطاء را هم لفّاً ارسال، ملاحظه بفرمایید.

در خاتمه عزت و سعادت و ظفر و نجاح آن وجود ذی جود حضرت عالی را از خداوند متعال خواستارم.

والسلام علیکم ورحمهاللّٰه و برکاته

سید ابراهیم شهرستانی

پاسخ مظفر اعلم

آقای اعلم در پاسخ به نامه آقای سید ابراهیم شهرستانی چنین می نویسد:

دوست عزیزم حضرت آقای سید ابراهیم شهرستانی- دام عزّه-

نامه گرامی که پر از الطاف و عواطف مهرآمیز بود، عزّ وصول بخشید. آن چه وظیفه بود به عمل آوردیم و خودمان را مقصر می دانیم و از خداوند تبارک و تعالی توفیق می خواهیم که بتوانیم هرچه بیشتر به حجاج ارجمندخانه پاک او، مخصوصاً برادران و دوستان خدمت نماییم.

برای تعمیر بقعه مطهر بقیع، کوشش های خود را بی سروصدا و آرام ادامه می دهیم و امیدواریم به تدریج موقعیت هایی به دست آوریم، البته یاوری و همراهی دعوات برادران با ایمان و انفاس علمای بزرگوار دین شرط است و چون هدفی که ما داریم، بی شک مورد پسند خدای جهان و اولیای مقدس و معظم اوست، رجاء واثق داریم که دیر یا زود

به مقصود برسیم، از لطف و مهربانی حضرت علّامه، آقای سید هبهالدین شهرستانی نهایت تشکر و امتنان را دارم و خواهشمندم مراتب ارادت و عرض سلام مرا خدمت ایشان تقدیم دارید.

همکاران، آقایان رائد و شریعت، از اظهار محبت شما سپاسگزارند و به عرض سلام مصدع هستند و التماس دعا در حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام دارند.

پی گیری های بعدی

علی رغم تکذیب دولت سعودی، موضوع از سوی مظفر اعلم پیگیری و در ملاقات های بعد با مقامات آن کشور مجدداً مطرح می شود.

در گزارش شماره ۱۷ مورّخ ۱۶/ ۲/ ۱۳۳۱، اعلم خطاب به اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه چنین آمده است:

اداره دفتر محرمانه

شماره: ۱۷

تاریخ: ۱۶/ ۲/ ۱۳۳۱

محرمانه

وزارت امور خارجه- اداره اول سیاسی

پیرو گزارش محرمانه شماره ۱۱ مورّخ ۹/ ۲/ ۱۳۳۱ و عطف به نامه محرمانه شماره ۴۹۸ مورخ ۱/ ۲/ ۱۳۳۱ آن اداره اشعار

می دارد که:

اخیراً فرصت ملاقاتی با والاحضرت امیرعبداللّه فیصل (کفیل نیابت سلطنت حجاز و وزیر کشور و بهداری) دست داد و اینجانب راجع به تکذیبی که دولت سعودی در موضوع تعمیر بقیع منتشر کرده، از ایشان گله نمودم.

ایشان پاسخ دادند که تکذیب مذکور، فقط تکذیب مندرجات روزنامه های عراق راجع به تجدید قبور ائمه بقیع می باشد و موضوع موافقت با ساختن دیوار و سایه بان به قوت خود باقی است و این تکذیب تغییری در اجرای این نقشه به وجود نخواهد آورد. سپس اضافه کردند که ما از اول گفته ایم و اکنون هم تکرار می کنیم که تعمیر قبور ائمه بقیع نمی تواند مورد موافقت دولت عربی سعودی قرار گیرد؛ زیرا با معتقدات مذهبی توافق ندارد و علمای مذهبی ما آن را نمی پذیرند.

این ملاقات و مذاکره، چون در یکی از میهمانی ها اتفاق افتاده بود، مجال بیشتری وجود نداشت تا صحبت های دیگری بشود.

امیدوار است در آینده بتوان وقت ملاقات مفصلی از والاحضرت امیرعبداللّه گرفت تا در آن ملاقات، موضوع کمک ایران به ساختمان سایه بان و دیوار بقعه بقیع، با ایشان مورد مذاکره قرار بگیرد.

اما راجع به جلب موافقت اولیای دولتِ عربیِ سعودی، برای تعمیر خود قبور ائمه اطهار علیهم السلام، یا ایجاد ساختمان هایی غیر از

سایه بان و دیوار در بقعه مذکور، باید به عرض برساند که فعلًا هیچ گونه زمینه ای برای این موضوع وجود ندارد و هرگونه کوششی که تاکنون در این راه مبذول شده، به نتیجه نرسیده است و اقلًا در حال حاضر دولت سعودی آماده نیست، هیچ گونه روی موافقتی به این موضوع نشان دهد و چه والاحضرت امیرفیصل و چه والاحضرت امیرعبداللّه فیصل و چه سایر رجال عالی رتبه دولت عربیِ سعودی، تاکنون بارها تأکید کرده اند و باز هم تأکید می کنند که نباید انتظار موافقتی را در این مورد از دولت عربی سعودی داشت.

چنان که این جانب از نزدیک شاهد هستم و آن جناب هم استحضار کامل دارند، هنوز نفوذ علمای وهابی در دستگاه دولتی عربی سعودی بسیار قوی است، تا جایی که در هر شهری از این کشور هیئتی به نام هیئت امر به معروف هست که از دولت حقوق می گیرند و کارشان این است مراقب باشند و نگذارند اموری مخالف دین (یا مذهب وهابی درحقیقت) صورت گیرد و این هیئت حتی در موضوع واردات گمرکی نظارت دارند و نمی گذارند کتاب های مورد مخالفت مذهب وهابی، یا فیلم های سینما یا گرامافون و صفحه یا از این قبیل کالاها وارد مملکت شود و آن چه از این گونه چیزها در کشور سعودی دیده می شود، همه اش به طور قاچاق و مخفی داخل شده است و همین چند هفته پیش بود که در جده اطلاع حاصل کردند که شخصی در خانه اش سینما دارد و اشخاص به طور پنهانی با دادن مبلغی می روند و در منزل او از

تماشای فیلم های سینمایی استفاده می کنند، درنتیجه فوراً به خانه او رفتند و دستگاه سینما و کلیه فیلم ها را بیرون آوردند و در ملأ عام آتش زدند و خود صاحب خانه را مجازات نمودند.

از این رو تصور می شود بهتر است در وضع حاضر، به همین اندازه موافقتی که حاصل شده اکتفا گردد و از اقدامی که نتیجه مثبتی نخواهد داد خودداری شود.

وزیرمختار شاهنشاهی- مظفر اعلم

دیدار با امیر عبداللّٰه فیصل

شماره محرمانه: ۲۱

تاریخ: ۲۳/ ۲/ ۱۳۳۱

محرمانه

وزارت امور خارجه- اداره اول سیاسی

پیوند گزارش محرمانه شماره ۱۷ مورخ ۱۶/ ۲/ ۱۳۳۱ اشعار می دارد که عصر چهارشنبه ماه جاری، بنا به تعیین وقت قبلی با والاحضرت امیرعبداللّٰه فیصل، کفیل نیابت سلطنت حجاز و وزیر کشور و بهداری ملاقاتی دست داد. در این ملاقات، موضوع اعزام آقای حاج رضا مهرآیین مهندس ایرانی از طرف سفارت برای نظارت و راهنمایی در ساختمان و دیوار و سایه بان بقیع از نو مطرح و مورد تأیید ایشان واقع گردید و قرار شد سفارشی به اولیای امور محلّی مدینه منوره بنویسند تا وسایل تسهیل کار آقای حاج رضا

مهندس را فراهم کنند.

راجع به کمک ملت ایران به این ساختمان، با وجود اینکه این جانب پیش بینی می نمودم که بعید است چنین تقاضایی پذیرفته شود و سابقه تعمیر و مرمت حرم مطهر حضرت پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله که اعلی حضرت ملک عبدالعزیز بن سعود، حاضر نشد اعانه و کمک مصری ها و سایر مسلمانان جهان را قبول کند، این ظن و پیش بینی را تقویت می کرد، مع ذلک احساسات پاک هم میهنان را در این باره تشریح نمودم و بیان داشتم که چقدر مایه مسرت و سرفرازی ایرانیان می شود که بتوانند در این عمل خیر، کمک کنند.

والا حضرت امیر عبداللّٰه در پاسخ فرمودند:

این کار کوچک است و ارزش کمک را ندارد و ما همه در این جا خدمتگزاران عالم اسلام هستیم و پول ما و پول شما با هم فرقی ندارد و امیدواریم در کارها و نقشه های بزرگ تری بتوانیم از کمک های بی دریغ ملت ایران برخوردار شویم و بدین ترتیب با لحن مؤدبانه و آراسته ای از قبول پیشنهاد ما معذرت خواستند.

تشکر از تلاش های سفارت

پس از این ملاقات، نامه شماره ۴۳۲/ ۵۳۷۶ مورخ ۱۶/ ۲/ ۳۱ که مبنی بر تقدیر از کوشش های این سفارت و ترغیب و تشویق در احراز موفقیت های بیشتری در این باره بود رسید. این جانب با اظهار تشکر و امتنان بی پایان از طرف خود و کلیه کارمندان این سفارت،

ازاین ابراز توجه و تقدیر، معروض می دارد که این سفارت با استفاده از فرصت و مواقع مناسب، کوشش های مداوم خود را در این راه ادامه خواهد داد تا حتی الامکان نتیجه بهتر و بیشتری گرفته شود.

ولی به عقیده این سفارت بهتر است برای احتراز از تحریک احساسات تعصب آمیز وهابی ها و علمای نجد، حتی المقدور در اطراف این موضوع کمتر صحبت شود و کمتر گفتگوی آن در مطبوعات و رادیوها منعکس گردد.

راجع به ارسال نقشه دیوار و سایه بان که در نظر است ساخته شود، چون آقای حاج رضا مهندس ایرانی از طرف این سفارت در تهیه نقشه مذکور شرکت خواهد کرد، از این رو به دست آوردن و ارسال نقشه ساختمان مذکور اشکالی نخواهد داشت. فعلًا این سفارت منتظر رسیدن اعتبار دویست لیره ای است که برای این منظور از کمیسیون حج خواسته است و برای اینکه فرصت از دست نرود، بهتر است که از محل موجودی کمیسیون دائمی حج یا از هر محل دیگری که میسر باشد، در ارسال وجه مزبور تسریع شود تا بلکه به محض صدور حکم و توصیه، از طرف والاحضرت امیرعبداللّه، بتوان آقای مهندس را برای منظور فوق به مدینه منوره اعزام نمود. وزیر مختار شاهنشاهی- مظفر اعلم

رونوشت بالا در تعقیب نامه محرمانه شماره ۱۱ مورخ ۹/ ۲/ ۱۳۳۱ برای استحضار وزارت دربار شاهنشاهی تقدیم می گردد.

وزیر مختار شاهنشاهی- مظفر اعلم

سؤال از وزیر امور خارجه

در همین زمان آقای دکتر متین دفتری، سناتور مجلس سنا، سؤالی را از وزیر امور خارجه وقت در مجلس مطرح و خواستار پاسخ گویی به آن می شود. وزیر خارجه، آقای دکتر کاظمی نیز روز دوشنبه مورخ ۲۲/ ۲/ ۱۳۳۱ ه. ش. در مجلس سنا حاضر و توضیحاتی را ارائه می کند. متن توضیحات در سند زیر آمده است:

اداره اول سیاسی

شماره: ۶۹

تاریخ: ۹/ ۲/ ۳۱

وزارت امور خارجه

سفارت شاهنشاهی ایران

جده

اخیراً از مجلس سنا سؤالی راجع به تعمیر قبور ائمه اطهار علیهم السلام از جناب آقای وزیر امور خارجه به عمل آمده بود. اینک به پیوست متن کامل پاسخی که در جلسه روز دوشنبه ۲۲/ ۲/ ۱۳۳۱ مجلس سنا در این باب داده شده است، برای اطلاع آن سفارت شاهنشاهی به پیوست فرستاده می شود. وزیر امور خارجه

وزارت امور خارجه

در پاسخ سؤالی که سناتور محترم جناب آقای دکتر متین دفتری در موضوع قبور ائمه اطهار علیهم السلام در بقیع فرموده بودند، لازم

می داند خلاصه ای از جریان امر و اقداماتی که تاکنون از طرف وزارت امور خارجه به عمل آمده است به عرض برسانم.

تعمیر قبور ائمه اطهار در بقیع با ابراز علاقمندی که سال ها است از طرف ملت و دولت ایران به عمل آمده، مسبوق به سوابق ممتدی است و انجام این منظور همواره مورد نظر و تقاضای دولت و ملت ایران بوده و می باشد. نمایندگی های ایران در خارجه با وجود اشکالات و موانع زیاد، هر موقع مناسبی که به دست آورده اند با مقامات مؤثر و عالی رتبه کشور عربی سعودی تماس گرفته و اهمیت موضوع را متذکر گردیده اند، من جمله اقداماتی است که در دوره سفارت کبرای سناتور محترم، جناب آقای دشتی در مصر به عمل آمده و ملاقاتی که در این باب با والاحضرت امیرفیصل نایب السلطنه و وزیر امور خارجه کشور عربی سعودی در سال ۱۳۲۹ به عمل آورده و اشکالات موجوده را ضمن گزارش مفصلی به اطلاع وزارت امور خارجه رسانیده اند.

این جانب هم در یک ساله اخیر، از عدم موفقیت های قبلی مأیوس نگردیده و با اعزام وزیرمختار جدید به جده و صدور تعلیمات لازمه درباره تعمیر بقاع متبرکه بقیع، اقدامات جدّی به عمل آورده و دستورهای مکرری در عرض چند ماه اخیر صادر نمودم.

در این اواخر، پس از ملاقاتی که نماینده ایران در جده با والاحضرتین امیرفیصل نایب السلطنه و وزیر امور خارجه و امیرعبداللّه وزیر کشور عربی سعودی به عمل آوردند و انتظار ملت و

دولت ایران را از اولیای کشور عربی سعودی در این باب جداً متذکر گردیده اند، درنتیجه این اقدامات و توجهات و علاقه مندی هایی که در پاره ای از محافل مهم اسلامی نسبت به این امر ابراز شده، موافقت هایی حاصل شده ودستورهای لازم به امیرمدینه ابلاغ گردیده است که در تعمیر دیوار قبور ائمه اطهار علیهم السلام و ساختمان سایه بان در بقیع اقدام لازم به عمل آورند و موضوع به اداره توسعه حرم که مدتی است مشغول خالی کردن و توسعه اطراف حرم مطهر نبوی می باشند واگذار گردیده است که ضمن کارهای دیگر خود، این موضوع بقیع را نیز انجام دهند و حتی یک نفر مهندس ایرانی مقیم آن کشور، درباره تعمیر قبور ائمه اطهار علیهم السلام شرکت خواهد داشت.

البته وزارت امور خارجه تعمیر دیوار بقیع و ایجاد سایه بان مختصری را کافی ندانسته و دستور لازم به سفارت شاهنشاهی در جده داده است تا اقدامات و مذاکرات خود را تعقیب و توجه اولیای محترم دولت عربی سعودی را به اهمیت موضوع بیش از پیش جلب و تقاضا نمایند در اقدامی که مورد نظر و تقاضای جامعه مسلمین و عالم تشیع و ایرانیان می باشد توجه سریع و لازم مبذول دارند.

سؤال فروزانفر از وزیر خارجه

مجدداً در تاریخ ۲۸/ ۳/ ۱۳۳۱ آقای فروزانفر، سناتور وقت از ریاست مجلس سنا می پرسد:

خواهشمند است مقرر فرمایید سؤال زیر برای آقای وزیر امور

خارجه ارسال شود تا برای ادای جواب در مجلس سنا حاضر شوند.

سؤال: آیا تعمیر بقاع متبرکه چهار امام شیعه که در این باب نیز چندی قبل سؤال شده بود، انجام شده است یا خیر؟

وزیر خارجه وقت، آقای کاظمی پاسخ می دهد:

در پاسخ سؤال جناب آقای فروزانفر، سناتور محترم، راجع به تعمیر قبور ائمه اطهار علیهم السلام لازم می دانم توجه آقایان سناتورهای محترم را به بیاناتی که در جلسه دوشنبه ۲۲/ ۲/ ۱۳۳۱ در پاسخ سؤال جناب آقای دکتر متین دفتری ایراد نمودم، جلب کنم:

در آن موقع به عرض رسانیدم که در اثر اقداماتی که در یک ساله اخیر به عمل آمده است، اولیای محترم دولت عربی سعودی، موافقت کرده اند که در تعمیر دیوار قبور ائمه اطهار علیهم السلام و ساختمان سایه بان در بقیع اقدام لازم به عمل آورند و صحبت از تجدید بنای قبور ائمه اطهار علیهم السلام در بقیع در بین نبوده تا انصرافی از آن حاصل شده باشد. حالا اگر اشخاص غیر مسؤولی برای تظاهر و خودنمایی، چه در ایران و چه در عراق، اظهارات مبالغه آمیزی کرده باشند، جز اینکه به اجرای اصل منظور، صدمه زده باشند، نتیجه دیگری نداشته و ندارد و لذا به نظر این جانب بهتر است همواره در این قبیل امور فقط نسبت به بیانات و اظهارات مقامات مسؤول توجه فرموده و هرگونه توضیحی هم که لازم باشد از وزارت خارجه مربوطه بخواهند تا ابهامی در اصل موضوع حاصل نشده و سوء تفاهمی از اظهارات مبالغه آمیز دیگران ایجاد نگردد.

با عرض مراتب بالا در تأییـد توضـیحات قبلی خود، به عرض آقایان محترم می رسانم که اخیراً نیز دسـتورات جدید و مؤکّدی برای انجام منظور به سـفارت شاهنشاهی در جـده صادر شـده و امیـدوار است نتیجه رضایت بخشـی حاصل و انجام این امر در آینده پایه و اساس موفقیت های مهم تری در این زمینه بشود.

دیدار مجدد اعلم با امیر فیصل

مظفر اعلم وزیر مختار شاهنشاهی، در تاریخ ۱۰/ ۴/ ۳۱ بار دیگر اقدام به ملاقات با امیر فیصل، نایب السلطنه حجاز که به دلیل فصل گرما در طائف به سر برده، می نماید و در گزارش خود می نویسد:

این جانب، هم برای خـداحافظی به مناسـبت مسافرت به حبشه و نیز برای تجدید جلب توجه معظم له به موضوع ساختمان سایه بـان و دیوار بقیع، همچنین برای مـذاکره در موضوع دعوتی که بایـد طبق نـامه محرمـانه شـماره ۱۷۷۸ مورخ ۳۱/ ۳/ ۱۳۳۱ به نماینـدگی از طرف جنـاب آقـای دکتر مصـدق، نخست وزیر، از معظم له برای مسـافرت به ایران به عمـل آیـد ... لازم دیـد به طائف برود و معظم له را ملاقات کند ....

پایان کار

ملاقات ها و گفتگوها همچنان ادامه می یابد، سـفرا تغییر می کنند و نفرات بعدی نیز تلاش های گذشتگان را با قوّت و ضعف دنبال

می نمایند، تا آنکه بالاخره در سالهای اخیر در نزدیکی قبور ائمه بقیع سایه بانی احداث نموده و راهروهای بقیع را نیز با موزاییک های سیمانی فرش کرده اند، دیوار و محوطه جلو بقیع نیز بازسازی شده است، لیکن از تجدید بنای قبور امامان و بازسازی قبور شخصیت های مدفون در بقیع خبری نیست.

هم اکنون قبور چهار امام شیعه و قبور بسیاری از افتخار آفرینان صدر اسلام و چهره های مورد احترام مذاهب اسلامی در زیر آفتاب و در معرض باد و باران قرار دارد و هر زائری را با تأثّر شدید روبرو می کند و همه را به چاره اندیشی دعوت می نماید.

امید آنکه رؤسای کشورهای اسلامی، تمامی پیروان مذاهب اسلامی و احزاب و گروه های اسلامی برای حل این مشکل اقدام و از دولتمردان سعودی بخواهند هر چه سریعتر بقیع را از این حالت غریبانه خارج نموده، آن را به عنوان یک اثر جاودانه در تاریخ اسلام احیا و پاسداری نماید.

در پایان برای کسانی که مایل به تحقیق و پژوهش بیشتر در این زمینه می باشند، چند سند دیگر را نیز به نقل از کتاب «اسناد روابط ایران و عربستان سعودی» که به کوشش آقای علی محقق تهیه و تدوین گردیده، نقل می نمایم:

تاریخ سند: ۲۴/ ۶/ ۱۳۲۲

فرستنده: سفارت ایران در قاهره

گیرنده: وزارت امور خارجه

ص: ۱۴۸

موضوع: تعمیر ابنیه و بقاع متبرکه بقیع

نمره: ۱۳۵ محرمانه

وزارت امور خارجه

نامه شماره ۲۱۰۰ مورخ ۲۰/ ۵/ ۱۳۲۲ با رونوشت نامه وزارت دربار شاهنشاهی در خصوص استدعای حضرت آیت اللّٰه قمی از پیشگاه اعلی حضرت همایون شاهنشاهی، راجع به تعمیر ابنیه و بقاع متبرکه مدینه منوره رسید. با وجود این که معلوم بود دولت عربی سعودی با انجام این تقاضا مطابق منظور حضرت آیهاللّٰه قمی موافقت نمی کند، به خیال این که هرقدر در این موضوع پیشرفت شود و وضعیت قبور و بقاع متبرکه مزبور بهبودی یابد، منظور آقایان علما تا اندازه ای عملی می شود، کاردار سفارت عربی سعودی (۱) را ملاقات و پس از ذکر مقدمه مناسبی راجع به روابط حسنه بین ایران و کشور عربی سعودی و رابطه اسلامیت که دو ملت برادر را به هم ارتباط داده و تشریح همبستگی و علاقه فوق العاده ایرانیان به مکه معظمه که کعبه تمام مسلمانان است و به مدینه منوره که مرقد حضرت پیغمبر اسلام در آنجاست، مطلب را آغاز و اظهار نمودم:

به طوری که اطلاع دارید در آغاز ورود اعلی حضرت ملک ابن السعود به حجاز، ابنیه ای که روی قبور بقیع بود ویران گردید و این

۱- ۱. که شخصی بدوی نجدی و وهابی متعصبی است [توضیح در حاشیه سندآمده است].

قبور که متعلق به بزرگان اسلام و افتخار عالمیان است، بیم آن می رود که به مرور به کلی نابود گردد و هیچ علامت و مشخصاتی که آن ها را از سایر قبور مشخص و متمایز نماید ندارد. اگر دولت عربی سعودی موافقت نماید، خیلی مایه خرسندی دولت ایران و تمام ایرانیان خواهد بود که این اماکن متبرکه را تعمیر نمایند.

نامبرده اظهار داشت که:

بنای ابنیه روی قبور مطابق احادیث صحیحه ممنوع و برخلاف شرع است! (احادیثی هم در تأیید اظهارات خود ایراد کرد) و گفت به علاوه، دور این قبور سنگ چینی شده و معروف است که قبور متعلق به چه اشخاصی است، لذا موردی نیست که برای تشخیص قبور مزبور از سایر قبور اقدامی شود!

در پاسخ گفتم البته در اجرای این تقاضا اوامر شرع باید کاملًا اجرا شود، دولت ایران نیز که کاملًا پایبند شرع و مطیع اوامر آن می باشد، هیچ وقت تقاضای مخالف شرع نمی نماید.

البته در اساس اسلام اختلافی بین مذاهب مختلف نیست، ولی راجع به امور فرعی ممکن است اختلاف نظریه هایی بین علما وجود داشته باشد و در تشخیص صحت و یا عدم صحت احادیث نبوی نیز نظر متفاوت است و درنتیجه این اختلاف نظر، قسمت اعظم مسلمانان عالم، مانند مسلمانان مصر و عراق و ایران و سوریه و افغانستان بنای ابنیه را روی قبور بزرگان مخالف شرع نمی دانند، مشروط بر این که نسبت به قبور مزبور بیش از آن که شرع اجازه می دهد در تجلیل و تقدیس اغراق نشود.

منظور ما از این تقاضا این نیست که قبور مزار اشخاص گردد، مقصد اصلی آن است که با بنای مختصری در روی قبور مزبور و تشخیص آن ها و ذکر صاحبان قبور از فقدان اثر و مجهول گردیدن صاحبان قبور جلوگیری شود. البته چون فعلًا تاریخ وجود ابنیه بر روی قبور مزبور نزدیک است و بیش از چند سال از ویران شدن آن نگذشته است و قبور مشخص و صاحبان قبور معروف همگان می باشند، ولی به متمادی ایام ممکن است این موضوع از نظرها محو گردد.

کاردار سعودی در پاسخ گفت:

البته تا آن جایی که شرع اجازه دهد در انجام تقاضای دولت شاهنشاهی موافقت می شود و اضافه نمود که تشخیص قبور به وسیله سنگ چینی اطراف آن و گذاردن سنگ قبر شرعاً مانعی ندارد، ولی بیش از آن مطابق مذهب وهابی که مذهب رسمی دولت عربی سعودی است ممنوع می باشد و در هر حال اجرای این امر هم تا حدودی که شرع اجازه می دهد به هزینه خود دولت عربی سعودی انجام خواهد شد و به هیچ وجه اجازه نمی دهند سایرین به هزینه خود این کار را بکنند.

در خاتمه مذاکرات و اصرار این جانب قرار شد در این باب یادداشت کتبی به سفارت عربی سعودی نوشته شود که به وسیله مقتضی به وزارت خارجه عربی سعودی ابلاغ نمایند.

یادداشت تهیه و ارسال گردید. تصور نمی کنم به این ترتیب نتیجه به دست بیاید، اگر موافقت فرمایند که امسال شخصاً به حجاز

و مکه مشرف شوم، ممکن است با امیرفیصل نایب السلطنه و وزیر خارجه حجاز که قدری افکارش روشن تر از پدر است مذاکراتی بنمایم. شاید بعون اللّٰه نتیجه به دست آید.

اگر رفتن این جانب تصویب گردد، باید قبل از وقت اعتبار مسافرت کافی حواله شود.

سفیر کبیر ایران

محمود جم

تاریخ سند: ۶/ ۷/ ۱۳۲۲

فرستنده: سفارت ایران در قاهره

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: پیگیری وعده ابن السعود در مورد تعمیر قبور بقیع

نمره: ۱۴۰ محرمانه

وزارت امور خارجه

در پیرو گزارش شماره ۱۳۵ محرمانه حجاز مورخه ۲۴/ ۶/ ۱۳۲۲ راجع به استدعای حضرت آیت اللّٰه قمی از پیشگاه اعلی حضرت همایون شاهنشاهی درباره تعمیر ابنیه و بقاع متبرکه مدینه منوره اشعار می دارد:

به طوری که آگهی دارند پس از ورود وهابی ها به مکه و وصول خبر ویران نمودن بعضی از بقاع متبرکه در آن جا در موقعی که هنوز بین سلطان ابن السعود و ملک علی فرزند شریف حسین جنگ

ادامه داشت، جناب آقای غفار جلال، وزیر مختار دولت شاهنشاهی در مصر، از طرف دولت شاهنشاهی برای رسیدگی به اوضاع و اجرای مذاکرات لازمه، مأمور مسافرت به حجاز شد، آقای محمدرضا گلستانه مأمور محاسبات این سفارت که به سمت مترجم عربی در مصاحبت جناب آقای جلال به حجاز مسافرت نموده بودند اظهار می دارد، به طوری که در خاطر دارد در آن موقع پس از مذاکرات زیاد در این باب، سلطان ابن السعود از رفتار وهابیان که بعضی از بقاع متبرکه (قبر و خانه حضرت خدیجه و غیره) را خراب کرده بودند عذرخواهی نموده و وعده داده بودند که اگر دولت شاهنشاهی مایل به تعمیر خرابی ها باشد ممانعت ننماید.

و به قراری که از پرونده امر فهمیده می شود عین مراسلات ابن السعود خطاب به والاحضرت اقدس پهلوی که در آن موقع نیابت سلطنت عظمی را داشتند به پیوست گزارش شماره ۲۳۰ مورخه ۲۷ آبان ماه ۱۳۰۴ به وزارت امور خارجه فرستاده شده است (رونوشت نامه مزبور برای مزید آگهی به پیوست تقدیم می گردد.)

متمنی است با مراجعه به پرونده های موجوده، رونوشتی از مکاتبات نامبرده تهیه و به این سفارت ارسال فرمایند تا در صورتی که حقیقتاً مدرک صحیحی راجع به وعده های ملک ابن السعود در دست باشد مورد استفاده قرار دهد.

سفیر کبیر

ص: ۱۵۳

تاریخ سند: ۲۳/ ۱۰/ ۱۳۳۲

فرستنده: وزیر امور خارجه

گیرنده: سفارت خانه های ایران در قاهره- کراچی- جده

موضوع: استعلام در باب اخبار مربوط به تعمیر قبور بقیع

نمره: ۳۰۷۴/ ۳۸۷۱۶

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران- قاهره

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران- کراچی

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران- جده

به طوری که استحضار دارند کلیه کشورهای اسلامی و مخصوصاً کشور ایران سال ها است کوشش می نمایند به هر وسیله ممکن شود، ساختمان بقاع متبرکه در شهر مدینه به صورتی که قبلًا اولیای کشور عربستان سعودی با آن موافقت نموده اند، یعنی بنای یک مسجد در محوطه بقیع و یک سایه بان در اطراف آن انجام گردد. ولی اولیای کشور عربستان سعودی همیشه به تعلل و مسامحه گذرانده، نه خودشان این ساختمان را شروع نموده و نه حاضر شده اند به سایر کشورهای اسلامی اجازه دهند مستقیماً و به خرج خودشان ساختمان را به نحو مذکور شروع نمایند.

اخیراً به طور تواتر از خبرگزاری های جراید اطلاع رسید در ملاقاتی که بین نخست وزیر کشور افغانستان و اولیای کشور عربستان سعودی در موقع حج سال گذشته روی داده است،

اعلی حضرت فعلی پادشاه کشور عربستان سعودی که در آن موقع با سِمت ولایت عهد و نیابت سلطنت امور کشور را زیرنظر داشته به جناب آقای نخست وزیر صریحاً وعده داده اند که این منظور را انجام دهند.

چون در سنوات سابقه هم، مکرر اولیای کشور عربستان سعودی مواعید مساعد به نمایندگان دولت شاهنشاهی ایران داده و به سایر کشورهای اسلامی هم که در این مورد اظهاری نموده اند وعده مساعد داده، ولی تاکنون هیچ یک را عملی ننموده اند و مقصود آن ها تسامح بوده است. بنابراین خواهشمند است از هر مقامی که ممکن است، تحقیقات عمیق به عمل آورده، در صورتی که واقعاً اولیای کشور عربستان سعودی به قول خود وفا و این مقصود را عملی نمایند، مراتب را اعلام فرمایید و اگر مثل تعهدات و قول های سابق خواسته اند این بار هم مانند گذشته به تسامح و تعلل بگذرانند، مطلب را معلوم و اعلام فرمایند.

پاراف: وزیر امور خارجه

حاشیه:

در جلسه کمیسیون [کمیسیون دائمی حج که به طور فوق العاده از اعضای سابق و با حضور آیت اللّه نوری در منزل جناب آقای [...] تشکیل گردید موافقت به عمل آمد که این تحقیق به عمل آید.

ص: ۱۵۵

تاریخ سند: ۲۱/ ۷/ ۱۳۴۱

فرستنده: سفارت ایران در جده

گیرنده: وزارت امور خارجه

موضوع: ضریح قبور ائمه بقیع

نمره: ۱۰۳۹

وزارت امور خارجه

اداره اول سیاسی

عطف به نامه شماره ۱/ ۳۸۴۳/ ۲۲۶۸۹ مورخ ۱۹/ ۱۲/ ۱۳۴۰ و رونوشت نامه جناب آقای حسین امین، ضمیمه آن در مورد ضریحی که سابقاً پدر ایشان مرحوم محمدعلی (حاج امین السلطنه) جهت قبور ائمه بقیع علیهم السلام که به مدینه منوره حمل و نصب گردیده و بعداً از طرف مقامات دولتی سعودی آن را جمع آوری و در محلی نگاه داشته اند زحمت اشعار می دهد:

سفارت کبرا موضوع را کتباً از آقای سید مصطفی عطار، دلیل حجاج ایرانی و متولی آسایشگاه حجاج ایرانی در مدینه منوره که آقای حسین امین در نامه خود مورخ ۱۲ شهریور ماه ۱۳۴۱ داشته اند، ضریح صحیح و سالم در تصرف مشارالیه است تحقیق و چند مرتبه هم تأکید شد هرچه زودتر از جریان امر این سفارت کبرا را مستحضر دارد.

اکنون پاسخ از نامبرده رسیده که ترجمه و رونوشت آن برای مزید استحضار به پیوست ایفاد می گردد. چنان که ملاحظه

می فرمایند، سید مصطفی عطار از این موضوع به کلی اظهار بی اطلاعی کرده است.

سفیر کبیر- ضیاءالدین قریب

تاریخ سند: ۲۷/ ۱۱/ ۴۹

فرستنده: اداره اول سیاسی

گیرنده: مقامات مسؤول در وزارت امور خارجه

موضوع: مذاکره با رایزن سفارت عربستان در ایران درباره تعمیر قبور بقیع

نمره:

گزارش

در اجرای دستور جنابعالی، دائر به مذاکره با مقامات سفارت سعودی پیرامون تقاضای جمعی از روحانیون پاکستان در خصوص ترمیم قبور ائمه اطهار در جنهالبقیع، (موضوع مرقومه شماره ۱۰۶۵۱ مورخ ۲۲/ ۱۱/ ۴۹ ریاست محترم مجلس سنا به عنوان جناب آقای وزیر امور خارجه) استحضار می دهد:

باتوجه به غیبت سفیر عربستان سعودی، آقای عبدالعزیز العقیل، رایزن آن سفارت به وزارت امور خارجه فراخوانده شد و ساعت ۳۰/ ۱۱ صبح امروز با این جانب ملاقات نمود.

در این ملاقات نظریات علمای شیعه و جامعه روحانیت ایران و پاکستان درخصوص لزوم ترمیم روضه مطهر بقیع به رایزن

سعودی ابلاغ و خاطرنشان گردید که صدور اجازه تعمیر بقاع متبرکه و قبور ائمه اطهار علیهم السلام در بقیع، خواست قلبی عالم تشیع است، زیرا وضع کنونی روضه بقیع قلوب میلیون ها شیعه را جریحه دار می سازد.

آقای العقیل گفت:

«قبرستان مطهر بقیع دارای در و دیوار و مأمور مراقب و نظافت چی است، ولی روی قبور، بقعه و بارگاه و سنگ و علامتی چنان که خواست شیعیان است قرار ندارد و این به مقتضای آیین فرقه وهابی است.»

نامبرده افزود: «در آیین وهابی گذاشتن علامت و نام و نشان روی قبور حرام است و قبرها باید با زمین هم سطح باشند، به همین جهت در حال حاضر حتی قبر اعلی حضرت فقید ملک عبدالعزیز بن سعود مؤسس کشور عربستان سعودی هم معلوم نیست، البته قبرستانی که در آن دفن شده اند معلوم است، اما قبر ایشان معلوم نیست، زیرا بی نام و نشان است و به همین ترتیب است وضع سایر پیروان مذهب وهابی.

بنابراین گمان نمی رود که انجام تقاضای جامعه روحانیون شیعه میسر باشد، زیرا هرگونه اقدامی در این مورد با مخالفت و عکس العمل شدید علمای وهابی مواجه خواهد شد.»

رایزن سفارت سعودی افزود:

«این اولین بار نیست که چنین تقاضایی از طرف روحانیون

شیعه عنوان می شود، ولی هیچ گاه اقدامی در قبال این تقاضا میسور نگردیده است، مع ذلک اگر یادداشتی در این مورد از طرف وزارت امور خارجه به سفارت داده شود، به مقامات مربوطه منعکس خواهیم کرد اما پاسخ آن مثبت نخواهد بود.»

این جانب متذکر شدم:

«علمای شیعه از مخروبه بودن روضه مطهر بقیع و لزوم تعمیر و ترمیم آن صحبت می کنند و مسأله ایجاد بقعه و بارگاه مطرح نیست.»

آقای العقیل جواب داد: «قبرستان بقیع به هیچ وجه مخروبه نیست و همان طور که گفتم در و دیوارها، مأمور نظافت چی دارد و شیعیان در پوشش تعمیر و ترمیم، قصد تصرف در وضع قبور را دارند و این امری است که با معتقدات وهابی ها مغایرت دارد، ولی همان طور که گفتم اگر در این مورد یادداشتی بفرستید ما به مقامات متبوع خود منعکس می کنیم.»

البته صدور یادداشت در این مورد بستگی به نظر اولیای محترم وزارت متبوع دارد، ولی از برداشت سخن رایزن سفارت و سابقه امر چنین برمی آید که نتیجه مثبتی بر آن مترتب نخواهد بود.

سابقه امر منضم این گزارش است.

با احترام

سرپرست اداره اول سیاسی

قاسمی

نکته پایانی

تلاش عالمان و بزرگان شیعه و پیروان اهل بیت علیهم السلام برای بازسازی بقیع از دیرزمان تاکنون پیوسته ادامه یافته و این موضوع بارها در گفتگوهای سیاسی سرانِ دو کشورِ ایران و عربستان مطرح شده است، لیکن متأسفانه تا این زمان، آنگونه که باید تأثیری در پی نداشته و وهابیان همچنان نسبت به عقاید خویش اصرار ورزیده، بر اقدامات تخریبی شان افزوده اند. تا آن جا که در یکی دو سال اخیر، با گذاشتن درِ فلزی جلو پله ها، از رفتن بانوان به قسمت فوقانی و مقابل در ورودی بقیع و پشت پنجره های آن جلوگیری می کنند و با استقرار نیروهای نظامی در قسمت تحتانیِ مقابل بقیع، مانع از نشستن و زیارت خواندن زائران می شوند.

از سوی دیگر با گماردن تعدادی عناصر جاهل در کنار قبور بقیع، با الفاظی خارج از ادب و نزاکت، زائران را مورد توهین و استهزا قرار می دهند و این خود وسیله ای برای افزایش بغض و ناراحتی کسانی است که با تأسی به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به زیارت قبرستان بقیع می روند تا با چهره های صدر اسلام آشنا شده و از مدفون شدگان در بقیع الگو بگیرند.

گفتنی است این همه، در حالی است که گروهی از مراجع عظام تقلید مسأله بازسازی و احداث بنا بر روی قبور بقیع را واجب دانسته و اجازه داده اند با استفاده از سهم امام علیه السلام و با روش های مسالمت آمیز نسبت به ساخت بنا بر روی قبور اقدام شود.

گروهی از مراجع عظام تقلید در پاسخ به این پرسش که: آیا تلاش برای بازسازی قبور ائمه بقیع علیهم السلام لازم است؟ چنین فرموده اند:

آیت اللّٰه فاضل لنکرانی: اگر تلاش به شکل مسالمت آمیز باشد اشکالی در آن نیست بلکه بر همه مسلمانان واجب است.

آیت اللّٰه مکارم شیرازی: تلاش برای بنای قبور ائمه بقیع علیهم السلام واجب کفایی است. (۱)

آیت اللّٰه صافی گلپایگانی: تجدید بنای قبور ائمه علیهم السلام از شعائر اسلام است و حفظ آن و تلاش در جهت تجدید بنای آن از واجبات است.

آیت اللّٰه سیستانی: صرف حقوق شرعیه با اذن حاکم شرعی در بنای قبور ائمه بقیع جایز است.

آیت اللّٰه سید کاظم حائری: بدون شک این تلاش، از تعظیم شعائر الهی بوده، پس هر مقدار که امکان دارد کوشش برای ساخت بقیع سزاوار است.

امید آن که روزی این خواست مسلمانان تحقّق یابد و بقیع به شکلی زیبا و در خور شأن مسلمانان بازسازی شود و در کنار گنبد سبز و نورانی پیامبر گرامی خدا چونان نگینی بدرخشد.

۱- ۱. در ضمن، ایشان مصرف حقوق شرعی را با اشراف ونظارت مجتهد عادل در این بازسازی، جایز دانسته اند.

ص: ۱۶۱

تصویر ۱

تصاویر

در اصلی بقیع

تصویر ۲

پنجره قدیمی بقیع

ص: ۱۶۲

تصویر ۳

نمای قدیمی قبرستان بقیع

تصویر ۴

نمای داخلی قبرستان بقیع

ص: ۱۶۳

تصویر ۵

وضعیت گذشته قبرستان بقیع

تصویر ۶

قبّه و بارگاه قبور بقیع

ص: ۱۶۴

تصویر ۷

نمای داخلی قبور بقیع

تصویر ۸

وضعیت داخلی قبور بقیع

ص: ۱۶۵

تصویر ۹

نمای گنبد خضراء و بقیع

تصویر ۱۰

زیارت عاشقانه

ص: ۱۶۶

تصویر ۱۱

در بسته پله های بقیع

تصویر ۱۲

کبوتران بقیع

ص: ۱۶۷

تصویر ۱۳

عشق زیارت

تصویر ۱۴

سایبان بقیع

ص: ۱۶۸

تصویر ۱۵

غربت بقیع

تصویر ۱۶

مظلومیت بقیع

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آيا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند يکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹